

مشكاة الانوار

در فضیلت خواندن سوره‌های قرآن



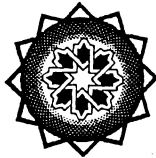
مؤلف: علامه محمد باقر مجلسی

مشكات الانوار

در فضائل و آداب قرائت قرآن



مرحوم علامه محمد باقر مجلسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق.
 مشکات الانوار در فضائل و آداب قرائت قرآن / مسجد مقدّس جمکران.
 قم: مسجد مقدّس صاحب الزمان (جمکران)، ۱۳۷۹.
 ۲۴۰ ص شابک: ۷ - ۴۸ - ۶۷۰۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 ۱ - قرآن -- سوره‌ها و آیه‌ها، خواص. ۲. احادیث شیعه -- قرن ۱۲.
 الف. مسجد جمکران. ب. مسجد جمکران. واحد تحقیقات. ج. عنوان.
 ۲۹۷/۱۵۷ BP ۷۱/۹/ م ۳.۵
 ۱۳۷۹ کتابخانه ملی ایران ۷۲۱۶ - ۷۹ م



مشکت - مطبعه

- | | |
|--|--|
| <input type="checkbox"/> نام کتاب: | مشکات الانوار |
| <input type="checkbox"/> تألیف: | علّامه محمد باقر مجلسی <small>رحمته الله</small> |
| <input type="checkbox"/> تحقیق و ویرایش: | واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران |
| <input type="checkbox"/> ناشر: | انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| <input type="checkbox"/> نوبت و تاریخ نشر: | پنجم / پاییز ۱۳۹۰ |
| <input type="checkbox"/> چاپ و شمارگان: | وفا / ۳۰۰۰ جلد |
| <input type="checkbox"/> قیمت: | ۲۵۰۰ تومان |
| <input type="checkbox"/> شابک: | ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۷۰۵ - ۴۸ - ۷ |

- | | |
|---|---|
| <input type="checkbox"/> مرکز پخش: | انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| <input type="checkbox"/> تلفن و نمابر: | فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران |
| <input type="checkbox"/> قم - صندوق پستی: | ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۷۲۵۱ - ۰۲۵۱ |
| | ۶۱۷ |

حق چاپ مخصوص ناشر است

فهرست

به عنوان پیشگفتار..... ۷

مقدمه مؤلف..... ۱۵

تنویر اول: در بیان فضیلت قرآن و حامل آن / ۱۹

کوکب اول: در بیان فضیلت قرآن..... ۲۱

کوکب دوم: در بیان فضیلت حامل قرآن است..... ۲۴

کوکب سوم: در بیان صفات قُرّاء قرآن و اصناف ایشان است..... ۲۷

کوکب چهارم: در بیان آداب خواندن قرآن است..... ۳۹

کوکب پنجم: در کیفیت ختم قرآن است..... ۴۹

کوکب ششم: در ثواب تعلیم و تعلّم و حفظ قرآن است..... ۵۱

کوکب هفتم: در ثواب قرائت قرآن..... ۵۴

کوکب هشتم: در بیان فضیلت تلاوت قرآن و نگاه داشتن قرآن..... ۵۹

کوکب نهم: در بیان فضایل و فواید بعضی از آیات و سور کریمه قرآنی... ۶۱

تنویر دوم: در بیان فضل دعا و شرایط و آداب آن / ۱۳۵

نجم اول: در بیان فضیلت دعا و فوائد آن است..... ۱۳۷

نجم دوم: در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا..... ۱۴۳

نجم سوم: در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها..... ۱۶۹

تنویر سوّم: در ذکر بعضی از اذکار و دعوات و تعقیبات / ۱۸۳

باب اول: در بیان فضیلت اذکار است / ۱۸۵

- فصل اول: در فضیلت تسبیحات اربع است ۱۸۵
- فصل دوم: در ثواب تهلیل است و ثواب انواع آن ۱۸۹
- فصل سوم: در فضیلت تسبیح است ۱۹۶
- فصل چهارم: در فضیلت تحمید و انواع محامد است ۱۹۹
- فصل پنجم: در فضیلت استغفار است ۲۰۱
- فصل ششم: در فضیلت اذکار متفرقه است ۲۰۴

باب دوّم: در بیان اذکاری که مخصوص وقتی چندند / ۲۱۰

- فصل اوّل: در تعقیب نماز صبح و شام است و اذکاری که در صبح و شام باید خواند ۲۱۰
- فصل دوم: در اذکار و ادعیه‌ای که در عقب هر نماز باید خواند ۲۲۰
- فصل سوّم: در تعقیب مخصوص نماز ظهر است ۲۲۵
- فصل چهارم: در بیان تعقیب مخصوص نماز عصر است ۲۲۶
- فصل پنجم: در بیان تعقیب مخصوص نماز خفتن است ۲۲۷
- فصل ششم: در بیان سجده شکر است ۲۲۸
- فصل هفتم: در بیان اذکاری است که در هنگام خواب باید خواند ۲۳۳



﴿ یا صاحب الزمان ادرکنا ﴾

آیا هنگام آن نرسیده است که انسان‌ها در هر جای زمین قرآن را بشناسند^(۱)، مفاهیم والای آن را دریابند، و دستورات سعادت آفرین آن را برنامه زندگی خویش قرار دهند؟

آیا هنگام آن نرسیده است که بشریت به نور قرآن از ظلمات جهل و ضلالت بگریزد^(۲)، و سرگستگی‌های خویش را با رهجویی به طریقت نورانی قرآن پایان بخشد؟

آیا هنگام آن نرسیده است که دردمندان جامعه بشری به دواى الهی قرآن دست یابند، و ناتوانی‌های فکری، افسردگی‌های روحی، نابسامانی‌های رفتاری و از هم پاشیدگی روابط اخلاقی و اجتماعی خود را با داروی معجزه‌گر قرآن شفا دهند؟^(۳)

آیا هنگام آن نرسیده است که به جای همه مسالک دنیاگرایانه و مکاتب انسان مدارانه، شریعت خدا محورانه قرآن، در جوامع بشری حاکمیت یابد؟^(۴)

۱ - أنزل فيه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان. بقره / ۱۸۵.

۲ - کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور. ابراهیم / ۱.

۳ - و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین. اسراء / ۸۲.

۴ - هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله. توبه / ۳۳.

آیا هنگام آن نرسیده است که حداقل ما مسلمانان به خود آییم، این گنجینه بی نظیر علوم و معارف را قدر بشناسیم، چراغ روشن آیاتش را روشنگر راه زندگی قرار دهیم، و مضامین زندگی سازش را به عنوان آیین نامه سعادت فرد و جامعه خویش بپذیریم؟^(۱)

آیا هنگام آن نرسیده است که به جای رفع عطش از مرداب‌های عفونت گرفته اندیشه غربیان و غرب پرستان، به چشمه زلال و همیشه جوشان معارف قرآن روی آوریم^(۲) و در دریای پر فیض آیاتش اندیشه و جان خویش را از همه زنگارهای جهالت و غفلت و رذیلت شستشو دهیم؟ چرا در قرآن نمی‌اندیشیم؟^(۳)

چرا در قرآن تدبّر نمی‌کنیم؟^(۴)

چرا قرآن را از مهجوریت نجات نمی‌دهیم؟^(۵)

چرا قرآن نمی‌خوانیم؟^(۶)

* * *

۱- ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم. اسراء / ۹.

هذا بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون. اعراف / ۲۰۳.

۲- فیه ربیع القلب و ینابیع العلم و ما للقلب جلاء غیره. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۳- افلا تتفکرون. انعام / ۵۰.

کذلک یتبین الله لکم الآیات لعلکم تتفکرون. بقره / ۲۶۶.

۴- افلا یتدبّرون القرآن ام علی قلوب اقفالها. محمد / ۲۴.

۵- و قال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً. فرقان / ۳۰.

۶- فاقروا ما تیسر من القرآن. مزمل / ۲۰.

خدا ما را به خواندن^(۱) و اندیشیدن^(۲) و عمل به قرآن^(۳) فرمان داده است.

پیامبر ﷺ ما را از دوری قرآن برحذر داشته^(۴) و به گرفتن و تمسک جستن به آن^(۵)، و همواره همراه آن بودن^(۶)، توصیه فرموده است. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام ما را به فهم قرآن^(۷) و اندرز خواهی^(۸) و طلب شفا از آن نصیحت فرموده^(۹)، و از این که مبادا دیگران در عمل به دستورات آن از ما پیشی گیرند، هشدارمان داده است^(۱۰).

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آن را عهد الهی شمرده، و ما را به رعایت این عهدنامه، و قرائت پنجاه آیه از آن در هر روز، فرا خوانده است^(۱۱). هر کدام از ائمه بزرگوار اسلام عَلَيْهِمُ السَّلَام و هر یک از عالمان وارسته و عالی

۱ - فاقروا ما تيسر منه. مزمل / ۲۰.

۲ - افلا يتدبرون القرآن. نساء / ۸۲.

۳ - و نعم اجر العاملين. آل عمران / ۱۳۴.

قرآناً عربياً غير ذي عوج لعلهم يتقون. زمر / ۲۸.

۴ - اقرؤا القرآن و لا تجفوا عنه. نهج الفصاحه، ص ۸۰ رقم ۴۲۵.

۵ - فخذوا بكتاب الله تعالى و استمسكوا به. رسول الله ﷺ. نهج الفصاحه، ص ۱۰۷، رقم ۵۳۷.

۶ - دوروا مع كتاب الله حيثما دار. نهج الفصاحه، ص ۳۳۰، رقم ۱۵۷۸.

۷ - تفقهوا فيه فانه ربيع القلوب. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۸ - و استنصحوه على انفسكم. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۹ - و استشفوا بنوره. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۱۰ - الله الله في القرآن، لا يسبقنكم بالعمل به غيركم. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۱۱ - القرآن عهد الله الى خلقه، فقد ينبغي للمرء المسلم ان ينظر في عهده و ان يقرأ منه في كل يوم خمسين آية. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، اصول کافی با ترجمه، ج ۴، ص ۴۱۲.

مقام، ما را به اهتمام همیشگی نسبت به قرآن تذکر داده‌اند. علامه مجلسی رحمته الله یکی از سرشناس‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که در کتاب شریف «مشکات الانوار» با بهره‌گیری از فیض کلام معصومین علیهم‌السلام، به گونه‌های مختلف کوشیده است تا با طرح ابواب مختلف پیرامون فضیلت قرآن، فضایل حاملان قرآن - قرآن‌های حقیقی که اهل بیت پیامبرند -، اصناف و صفات قاریان، آداب و صفات قرائت، کیفیت ختم، ارزش تعلیم و فواید برخی آیات و سور کریمه قرآنی، زمینه‌ای قوی برای رویکرد مسلمانان به این امانت عظیم الهی فراهم آورد. او خود در مقدمه کتاب می‌فرماید:

«به دلالت آیات بیّنات و هدایت روایات واضحه الدلالات، چنین معلوم گردیده که «نماز» و «تلاوت قرآن» و «دعا» از اعظم عبادات بدیّه‌اند و چون شرایط و آداب و اسرار نماز در رساله «ترجمه الصلوة» بیان شده، چنین به خاطر فاتر رسید که رساله‌ای در بیان فضیلت قرآن مجید و فضایل سور کریمه آن - که از طریق اهل بیت علیهم‌السلام منقول گردیده باشد - و شرایط و آداب تلاوت و فضیلت دعا و شرایط و آداب و وظایف قلبیه و بعضی از اسرار آن، و ذکر فضیلت بعضی از اذکار ضروریّه و ادعیه و تعقیبات مختصره - که به اسانید معتبره منقول گردیده - نوشته شود.»

چنانکه از همین بخش مقدمه مؤلف پیدا است، این کتاب سه قسمت

دارد که با عنوان تنویر اول تا سوم به ترتیب درباره قرآن، دعا و برخی اذکار و تعقیبات است.

«تنویر» در لغت به معنای نورانی ساختن، نور بخشیدن، روشن کردن و آشکار گردانیدن است.

در تنویر اول، نه مبحث متفاوت قرآنی با تمثیلی زیبا و متناسب، تحت عنوان کوکب اول تا نهم، آسمان اندیشه قرآنیان را روشن ساخته‌اند.

در تنویر دوم، سه مقاله پیرامون دعا، با عنوان نجم اول تا سوم، ستارگان فروزان شب‌های عارفان گشته‌اند.

در تنویر سوم، باب اول با شش فصل و باب دوم با هفت فصل، درهایی از معرفت به روی حق جویان گشوده، دل و جان خداشناسان را به تفرّج باغ همیشه بهار مناجات و یاد یار حقیقی رهنمون شده‌اند.

به راستی اگر نورانیت «نماز»، «قرآن»، و «دعا» را دریابیم و در روشنی ذکر و یاد خدا، که روح نماز و قرآن و دعا است، تنفس کنیم زندگانی جاودانه خویش و حرکت و پویایی و کمال جامعه خود را تضمین کرده‌ایم.

بدون نماز، معراج انسان میسر نیست.

بدون قرآن، نجات از ضلالت مقدور نیست.

بدون دعا، گشوده شدن درهای رحمت پروردگار ممکن نیست.

* * *

«مشکات الانوار» چراغدان نور الهی است. چراغدانی که با بهره‌گیری از نور آیات قرآن و کلام اهل بیت علیهم‌السلام به دست حکیم فرزانه و محقق عارف، مولی محمد باقر مجلسی فراهم آمده است.

بی‌مناسبت نیست که طی سطورى چند درباره شخص گرامی و

شخصیت والای آن بزرگ‌مرد، نکاتی مختصر را یادآور شویم:

- ۱- ولادت او در اصفهان و به تاریخ ۱۰۳۷ هجری قمری صورت گرفت. - یک سال قبل از مرگ شاه عباس کبیر -.
 - ۲- تاریخ ولادت او با عدد ابجدی عبارت «جامع کتاب بحار الانوار» مطابقت دارد، که خود علامه آن را از غریب روزگار می‌داند.
 - ۳- پدر بزرگوار او «محمد تقی مجلسی» فرزند «مقصود علی» از بزرگ‌ترین علمای شیعه و از پرهیزگارترین شخصیت‌های تاریخ تشیع است که ظاهراً در جبل عامل لبنان متولد گشت و از شاگردان «شیخ بهایی» و محقق ثانی - شیخ علی کزکی - بود. تألیفات متعددی در فقه و رجال و حدیث داشت و اولین کسی بود که احادیث شیعه را بعد از ظهور دولت صفوی در همه جا گسترش داد - متوفی به سال ۱۰۷۰ هـ ق -.
 - ۴- مادر گرامی او زنی دانش‌اندوخته و حدیث‌شناس، از نزدیکان عالم بزرگوار شیخ عبدالله بن جابر جبل عاملی بود.
 - ۵- در اولین سال ولادت او پدر بزرگوارش به عتبات عالیات مشرف شد و با شروع زمستان قصد اقامه‌ای طولانی در نجف اشرف داشت که شبی مولا امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دید که از مردن شاه عباس و جانشینی شاه صفی صفوی به او خبر دادند و فرمودند:
- «در سرزمین شما فتنه‌هایی شدید رخ می‌دهد و خدا می‌خواهد که تو در اصفهان باشی و در راه هدایت مردم مجاهدت نمایی. پس به اصفهان برگرد!».
- ۶- در یکی از شب‌ها که پدر بزرگوار علامه در دل شب به تهجد و نماز شب مشغول بود، حالتی معنوی و جذبه‌ای عرفانی در خود یافت که یقین به استجابت دعایش پیدا کرد. در همین حال صدای گریه «محمد باقر» را از

درون گهواره شنید و از خدا خواست که او را خادم شریعت و احیاگر ولایت قرار دهد. خدا دعایش را مستجاب فرمود!

۷ - علامه محمد باقر مجلسی از همان آغاز جوانی با کسب فیض از پدر بزرگوار و علمای ارزشمندی همچون: مولا محمد صالح مازندرانی، امیر محمد مؤمن استرآبادی، ملا محسن فیض کاشانی، سید میرزا جزائری و شیخ عبدالله بن جابر عاملی به درجه عالی اجتهاد دست یافت. و کرسی درس و بحث او در همه جا مشهور گشت.

۸ - او سیزده عنوان کتاب و رساله به زبان عربی نوشت که تنها کتاب «مرأة العقول» - که شرح بر کتاب کافی است -، دوازده مجلد را تشکیل می‌دهد و «بحار الانوار» که مجموعه‌ای بی‌نظیر از احادیث شیعه است، بیست و شش مجلد چاپ سنگی است که در دهه‌های اخیر به تعداد یکصد و ده جلد به قطع وزیری چاپ شده است.

۹ - او علاوه بر کتب عربی، حدود شصت کتاب و رساله به زبان فارسی نگاشته است که مشهورترین آن‌ها «عین الحیاة»، «حلیة المتقین»، «حیة القلوب»، و «مشکات الانوار» است. و «حقّ الیقین» آخرین کتاب او است.

۱۰ - او با استفاده از نفوذ خویش در دربار صفویان در ترویج فرهنگ تشیع، اداره امور شیعیان و راهبری‌های سیاسی آنان نیز موفقیت‌های بی‌نظیری یافت.

۱۱ - او در یک برخورد سیاسی حساب شده، طرفداران «صوفیه» را در اصفهان محصور و تحرکات انحراف‌آمیز آنان را تحت مراقبت قرار داد.

۱۲ - او صدها شاگرد نخبه و ممتاز پرورش داد و ده‌ها تن از علمای برجسته و مؤلفین صاحب نام را اجازه روایت عنایت کرد.

۱۳ - عاقبت در ۲۷ رمضان سال (۱۱۱۱ هـ ق) به سن ۷۳ سالگی دیده از جهان فرو بست و پس از عمری سراسر تلاش و مجاهدت، به دیدار حق شتافت. در کتاب «روضات» سال وفات او را ۱۱۱۰ نوشته‌اند. در تاریخ وفاتش به حساب ابجدی سروده‌اند: «مقتدای جهان ز پا افتاد».

۱۴ - آرامگاه او در اصفهان، کنار مدفن پدر بزرگوارش، در مدخل جامع عتیق زیارتگاه عاشقان ولایت و شیفتگان علم و حکمت است.

* * *

«مشکات الانوار» که برخی آن را خلاصه کتاب دیگر علامه مجلسی به نام «عین الحیاة» می‌دانند، اگرچه تا کنون چاپ‌های متعددی داشته است، لکن چاپ کنونی امتیازاتی ویژه دارد که از آن جمله است:

- ۱ - برای آن که عبارت‌های کتاب روان گردد، سعی شده است تا آنجا که به مطلب و نثر کتاب خللی وارد نشود، ویرایش و علامت‌گذاری گردد.
 - ۲ - در مواردی که کلمه‌ای اضافه شده: با علامت [] مشخص گردیده است.
 - ۳ - مصادر آیات و روایات تحقیق، در پاورقی ذکر شده است.
- با امید به ظهور حجت حق، «حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف -» که «شریک القرآن» و «روح دعا» است، حاصل این تلاش ناچیز را به همه علاقه‌مندان و منتظران حضرتش تقدیم می‌داریم.

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

تابستان ۱۳۷۹



﴿ مشکات الانوار ﴾

حمدی بسانِ نعمتهای بخشنده وجود، و تحیات بی‌انتهای، و سپاسی چون رحمت‌های مفیضِ جمیع خیرات و کمالاتِ بیرون از حدِّ احصا، سزاوار معبود بی‌نیاز، و خالق بنده نوازی است که به لطف کامل و احسان شامل خویش، این تهی‌دستانِ خاکی نژاد و فرومایگان نیستی بنیاد را، از خاک مذلت برگرفته، به سجدهٔ آستان عبودیتش، تازک مطیعان را به عرش رفعت رسانید، و به غبار درگاه مفیض الانوارش، جبین مخلصان را مطلع شوارق انوار ﴿سیماهم فی جوهم﴾ گردانید، و در یوزه گران سرای امکان را راه عرض نیاز و حاجت داده، بر بساط قرب نشانید و خوان الوان نعمتهای روحانی برای عارفان اسرار ربّانی در کتاب مستطاب خود، گسترانید.

و صلوات نامیات و تحیات زاکیات، بر مرقد مطهر و ضریح منور رفیع‌القدری باد که هیچ مرغِ روحی از بیابان عدم به سوی آشیان بدن، بدون شفاعت او پرواز نداشته و هیچ مخلوقی از دروازهٔ نیستی، بی پروانهٔ رخصتِ او، پا به معمورهٔ هستی نگذاشته [است]. فرش خاک و سقف افلاک، خانهٔ پستی است که برای منزل‌گاه ملازمانش ساخته‌اند، و از سطح زمین تا عرش برین، میدان تنگی است که برای جولانگاه یکرانش پرداخته‌اند؛ اَعْنَى سَیدِ الْمُرْسَلِینِ وَ فِخْرِ الْعَالَمِینِ وَ شَفِیعِ الْمَذْنُبِینِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ عَلَى الْأَوَّلِینِ وَ الْآخِرِینِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِیِّینِ.

و درود متواتر الورود بر آل اطهار و اهل بیت اخیار او، که به نور تولایشان قنادیل^(۱) دل‌های محبتان روشنی بخش زمین و آسمان گردیده و از شعضه خورشید محبت‌شان، صُبح صادق یقین و ایمان از جبین شیعیان دمیده، خصوصاً سید اوصیا، و امام اتقیا، و فریاد رس روز جزا، و محرم سراقق لو کشف الغطا، باب مدینه علم، و لنگر سفینه حلم، اعنی ولی الله المرتضی و سیف الله المنتضی، امیر المؤمنین، و یعسوب المسلمین، اسد الله الغالب، و شهاب الله الثاقب، سید الوصیین علی بن ابی طالب، صلوات الله علیهم اجمعین و لعنة الله علی اعدائهم ابد الابدین.

اما بعد چنین گوید فقیر خاکسار و ذرّه بی مقدار، محمد باقر بن محمد تقی - حشرهما الله مع الائمة الابرار - که چون به دلالت آیات بیّنات و هدایت روایات واضحه الدلالات، چنین معلوم گردیده که نماز و تلاوت قرآن و دعا از اعظم عبادات بدنیّه‌اند و چون شرایط و آداب و اسرار نماز در رساله «ترجمة الصلوة» بیان شده، چنین به خاطر فاتر رسید که رساله‌ای در بیان فضیلت قرآن مجید و فضایل سور کریمه آن - که از طریق اهل بیت علیهم السلام منقول گردیده باشد - و شرایط و آداب تلاوت و فضیلت دعا و شرایط و آداب و وظایف قلبیه و بعضی از اسرار آن و ذکر فضیلت بعضی از اذکار ضروریّه و ادعیّه و تعقیبات مختصره - که به اسانید معتبره منقول گردیده - نوشته شود.

و بحمدالله به مساعدت تأییدات ربّانی و تقویت توفیقات سبحانی به اتمام رسید، مأمول از الطاف فیاض بی منت و وهاب بی ضنت^(۲) آن که

۱ - قنادیل جمع قندیل یعنی چراغها، فانوسها (به نقل از فرهنگ نوین).

۲ - بدون بخل، بی دریغ (به نقل از فرهنگ نوین ماده ضمن).

کافه مؤمنان را از این رساله فرومایه منتفع گرداند و بهره‌ای از ثواب ایشان به این مجرم تبه‌کار برساند.

و چون بعد از غروب خورشید رسالت در افق عالم بقاء، و اختفاء اقمار امامت در سحائب ظلم اهل جفا، تا هنگام ظهور تابشیر صبح سعادت نشان دولت سلاطین صفویّه، انار الله برهانهم، به سبب استیلاء ائمه ضلال و سلاطین خسران مأل، اهل حق که فرقه ناجیه اثنا عشریه اند، از اظهار مراسم دین و اعلاّی معالم شریعت سید المرسلین، و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین عاجز بودند و پیوسته در پرده خفا لباس تقیه، مذهب حق را اظهار می نمودند و اکنون از برکات این دولت ابد قرین، بحمد الله سالهاست که کافه شیعیان در مهد امن و امانند و علمای ملت بیضاء، در نشر علوم اهل بیت رسالت و قلع مبانی بدعت و ضلالت مساعی جمیله به تقدیم می‌رسانند.

پس دعای خلود دولت این دودمان ابد توّمان بر کافه شیعیان متحتم و شکر نعمت ایشان بر ذمه عامه مؤمنان واجب و لازم است. علی الخصوص پادشاه آگاه، والا جاه، دین پناه، ملایک سپاه، گردون بارگاه، مهبط تجلیات ربّانی و مورد فیوض سبحانی، محیی مراسم ملت و رونق افزای شرع مبین، دنلواز درویشان مسکنت قرین، خجسته اخلاقی که پیوسته خلوت زاویه نشینان به مصباح دعایش روشن است و مجالس دانشوران از ریاحین ثنایش گلشن است. حدیقه دلگشایش دل اصحاب فضل و عرفان، و مسکن و مأوایش سینه حق شناسان و خدا پرستان، به یمن تربیتش بساتین شریعت غرّا خرّم و سیرآب، و به رشحات سحاب مکرمتش حدائق ملت بیضاء سرسبز و شاداب.

فرع شجره و غصن دوحه کریمه امامت و خلافت اعنی السلطان
 الاعظم الخاقان الافخم الاکرم، مروّج مذهب آبائه الطاهرين حامی حوزه
 الاسلام والمسلمين، محرز ممالک الدنيا، مظهر کلمات العلیه سلطان
 السلاطین فی الافاق، ملاذ الخواقین بالاستحقاق السلطان بن السلطان
 بن السلطان، و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، السلطان، سلیمان خان
 الموسوی الصفوی بهادر خان مدّ الله جلّاله و افضاله و رأفته و معدلته
 علی مفارق أهل الایمان.

که بیادشاهت صورت و معنی از سلاطین جهان ممتاز است و به
 اطاعت فرمان: انّ الله یأمر بالعدل والاحسان سرافراز است و پیوسته عنان
 عزم همایونش به جانب احیای مراسم دین و ملت و پیروی دقیق احکام
 شریعت مصروف و معطوف است، لهذا این تحفه محقر را هدیه مجلس
 سامی آن اعلیضرت گردانید، و این رساله فرومایه را به عزّ عرض رسانید،
 اگر مرضی طبع منیر و مقبول ضمیر کیمیا تأثیر گردد از مراحم شاهانه و
 عواطف خسروانه خواهد بود، امید که از برکات توجّهات ظلّ اللهی مشهور
 اصقاع، و مقبول اطباع گردیده، ثوابش به روزگار فرخنده آثار عاید گردد. انّه
 علی کل شیء قدیر.

و این رساله مشتمل است بر سه «تنویر» و لهذا مسمّی گردید به

«مشکات الانوار».

تنویر اول

در بیان فضیلت قرآن و حامل آن

و بعضی از فضایل آیات و سور است و این مشتمل است بر چند کوکب:

- ❁ کوکب اول: در فضیلت قرآن است
- ❁ کوکب دوم: در بیان فضیلت حامل قرآن است
- ❁ کوکب سوم: در بیان صفات قُرّاء قرآن و اصناف ایشان است
- ❁ کوکب چهارم: در بیان آداب خواندن قرآن است و آن مشتمل است بر شرایط بسیار
- ❁ کوکب پنجم: در کیفیت ختم قرآن است
- ❁ کوکب ششم: در ثواب تعلیم و تعلّم و حفظ قرآن است
- ❁ کوکب هفتم: در ثواب قرائت قرآن است
- ❁ کوکب هشتم: در بیان فضیلت تلاوت قرآن و نگاه داشتن قرآن است
- ❁ کوکب نهم: در بیان فضایل و فواید بعضی از آیات و سور کریمه قرآنی است

①

کوکب اول

﴿ در بیان فضیلت قرآن ﴾

از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هرگاه ملتبس و مشتبه شود بر شما فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تار، پس بر شما باد به قرآن؛ به درستی که قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش را قبول می‌کنند، و با هر که مجادله نماید و حجت بر او تمام کند تصدیقش می‌نمایند، و هر که آن را پیشوای خود گرداند او را به بهشت می‌رساند، و هر که آن را به پشت سر اندازد و به آن عمل ننماید، او را به سوی جهنم می‌راند. و راهنمایی است که به بهترین راهها دلالت می‌کند، و کتابی است که در آن تفصیل و تبیان جمیع احکام است، آن را ظاهری است و باطنی، ظاهرش احکام الهی است و باطنش علوم نامتناهی است، ظاهرش خوشاینده است و باطنش عمیق است.

آن را نجوم و کواکبی هست که برای احکام الهی دلیلند و بر آن نجوم، نجوم دیگر هستند که مردم را به آن احکام می‌رسانند - یعنی ائمه معصومین علیهم السلام که علم قرآن نزد ایشان است -.

عجایب قرآن را احصا نمی‌توان نمود و غرایب آن هرگز کهنه نمی‌شود و در آن چراغهای هدایت افروخته است و انوار حکمت از آن ظاهر است. راهنما است به سوی آمرزش گناهان، کسی را که از آن بیابد اوصاف

آمرزش را، پس باید که هرکس دیده خود را در قرآن به جولان درآورد و دیده دل خود را برای مطالعه انوار آن بگشاید تا از هلاکت نجات یابد و از ورطه‌های ضلالت خلاص شود، به درستی که تفکر نمودن موجب زندگانی دل‌های بینا است و در تاریکی‌های جهالت، نور تفکر راهنما است، پس نیکو خود را خلاص کنید و در فتنه‌ها خود را مگذارید»^(۱)

در حدیث دیگر فرمود که: «قرآن هادی است در ضلالت، بیان کننده است در کوری جهالت، و دست گیرنده است در لغزشها، و نور است در ظلمتها، و ظاهر کننده بدعتها است، و نگاه دارنده از مهالک است، و در گمراهیها راهنما است، و بیان کننده فتنه‌ها است و رساننده است از دنیا به آخرت و کمال دین شما در قرآن است و هیچ کس از آن عدول ننمود مگر به سوی آتش»^(۲)

و حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «خداوند عزیز جبار، کتاب خود را به سوی شما فرستاده است؛ راستگویی است که به وعده‌های خود وفا می‌نماید و مشتمل است بر احوال و اخبار شما و اخبار گذشته‌ها و اخبار آینده‌ها و اخبار آسمان و زمین. اگر آن کسی که علمش را می‌داند شما را خبر دهد به آنچه در قرآن است از اخبار غیب و علوم بی‌انتها، تعجب خواهید کرد»^(۳)

و به اسانید متواتره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود: «از میان شما می‌روم و دو چیز عظیم در میان شما می‌گذارم؛ یکی کتاب خدا

۱ - کافی، ج ۲، ص ۵۹۹، باب اول، قسمت دوم، ح ۲.

۲ - همان، ص ۶۰۰، باب اول، قسمت دوم، ح ۸.

۳ - کافی، ج ۲، ص ۵۹۹، باب اول، ح ۳.

که ریسمانی است آویخته از آسمان به زمین، و دیگری عترت و اهل بیت من، پس ببینید که با ایشان چگونه سلوک خواهید کرد و حرمت ایشان را چون خواهید داشت».^(۱)

۱ - بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸، ب ۷، ح ۱۲. به نقل از کتاب مخطوط شافعی و ج ۹۲، ص ۱۳، باب ۱، ح ۲. به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۳۱، باب ۳۱، ح ۴۰.



کوکب دوم

﴿ در بیان فضیلت حامل قرآن است ﴾

به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «دیوانها که در قیامت حساب می‌کنند سه دیوان است؛ دیوان نعمتها و دیوان حسنات و دیوان گناهان.

پس چون دیوان نعمتها و دیوان حسنات را برابر کنند، نعمتها تمام حسنات را فراگیرد و دیوان گناهان باقی ماند، پس فرزند آدم را طلبند که گناهانش را حساب کنند و در این حال، قرآن به بهترین صورتها بیاید و در پیش آن مرد روان شود و گوید:

خداوندا! منم قرآن و این بنده مؤمن تو است که خود را به تعب می‌انداخت به تلاوت من و در درازای شب، مرا به ترتیل می‌خواند و چون مرا در تهجد می‌خواند آب از دیده‌اش جاری می‌شد، خداوندا! او را راضی کن چنانکه مرا راضی کرده، پس خداوند عزیز جبار فرماید: ای بنده من! دست راست را بگشا، پس پر کند حق تعالی آن را از رضا و خشنودی خود و دست چپش را پر کند از رحمت خود، پس به او گوید که: اینک بهشت از برای تو مباح است؛ قرآن بخوان و بالا برو، پس هر یک آیه که بخواند یک درجه بالا رود». (۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی به قرآن خطاب فرماید که: به عزّت و جلال خودم سوگند که امروز گرامی دارم هر که تو را گرامی داشته و خوار کنم هر که تو را خوار کرده».^(۱)

و به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که فرمود: «قرآن را یاد گیرید، به درستی که قرآن در قیامت می آید به نزد حامل خود به صورت جوان خوشرو و می گوید: منم آن قرآن که به سبب من شبها بیدار می بودی و در روزها به سبب روزه، خود را تشنه می داشتی و به سبب کثرت تلاوت من دهانت خشک می شد و آب دیده ات جاری می شد، امروز با توام هر جا که می روی؛ و هر که تجارتی کرده، امروز از پی تجارت خود می رود و من به عوض تجارتِ جمیع تاجرانم برای تو، بشارت باد تو را که به زودی کرامت الهی به تو می رسد. پس تاجی می آورند و بر سرش می گذارند و نامه امان از عذاب را به دست راستش می دهند و نامه مخلّد بودن در بهشت را به دست چپش می دهند و دو حله بر او می پوشانند و به او می گویند: قرآن بخوان و بالا رو و به عدد هرایه به درجه ای بالا می رود و پدر و مادرش را دو حله می پوشانند اگر مؤمن باشند و می گویند به ایشان: این برای آن است که به فرزند خود تعلیم قرآن کردید».^(۲)

و حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود: «بر شما باد به قرآن، به درستی که حق تعالی بهشت را یک خشت از طلا و یک خشت از نقره خلق فرموده و به جای گل، مشک خوشبو و به عوض خاک، زعفران و به جای سنگریزه،

۱- همان، ص ۶۰۲، باب اول، ذیل حدیث ۱۴.

۲- همان، ج ۲، ص ۶۰۳، باب دوم فضل حامل القرآن، ح ۳.

مروارید در آن مقرر گردانید و درجاتش را به عدد آیات قرآن گردانید؛ پس کسی که قرآن خوانده باشد به او می‌گویند: بخوان و بالا رو، و هیچ کس در بهشت درجه‌اش از او بالاتر نیست مگر پیغمبران و صدیقان»^(۱).

و از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «اشراف و بزرگان امت من حاملان قرآنند و جمعی که در شب عبادت می‌کنند»^(۲).

و در حدیث دیگر فرمود که: «حاملان قرآن، بزرگان اهل بهشتند»^(۳).

و فرمود که: «خدا عذاب نمی‌فرماید دلی را که قرآن را حفظ نماید»^(۴).

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «اهل قرآن در اعلائی درجات بهشتند بعد از پیغمبران، پس ضعیف و حقیر مشمارید اهل قرآن را و حق ایشان را سهل بدانید که ایشان را نزد حق تعالی منزلت رفیع است»^(۵).

۱ - بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۹۸، باب ۳۳ ح ۸. به نقل از تفسیر قمی.

۲ - همان، ص ۱۷۷، باب ۱۹، ح ۲. به نقل از خصال، ص ۷، ح ۲۱.

۳ - همان، ح ۳. به نقل از خصال ص ۲۸، ح ۱۰۰.

۴ - همان، ص ۱۷۸، باب ۱۹، ح ۶. به نقل از امالی طوسی، ص ۷ مجلس ۱ ح ۷.

۵ - کافی، ج ۲، ص ۶۰۳، باب دوم، فضل حامل القرآن ح ۱.

کوکب سوم

﴿ در بیان صفات قُرّاء قرآن و اصناف ایشان است ﴾

بدان که حامل قرآن را بر چند معنی اطلاق می‌کنند و چند قسم می‌باشند.

اول:

آن است که لفظ قرآن را درست یاد گیرد و این اول مراتب حاملان قرآن است و در این مرتبه، تفاضل به زیادتی علم قرآنی است و دانستن آداب و محسنات قرائت می‌باشد و زیادتی حفظ کردن و در خاطر داشتن سور و آیات قرآنی.

دوم:

دانستن معانی قرآن است، و در زمان سابق چنین مقرر بوده است که قاریان قرآن، تعلیم معانی آن نیز می‌نموده‌اند، و این مرتبه، از دانستن لفظ بالاتر است و تفاضل در این مرتبه، بر زیادتی و نقصان فهم معانی قرآن از ظهور و بطون می‌باشد.

سوم:

عمل نمودن به احکام قرآن و متخلّق شدن به اخلاقی است که قرآن برمدح آنها دلالت دارد و خالی شدن از صفاتی است که بر مذمت آنها دلالت دارد.

پس حامل حقیقی قرآن کسی است که حامل الفاظ و معانی قرآن گردیده باشد و به صفات حسنهٔ آن، خود را آراسته باشد.

و بدان که قرآن، خوانِ احسانِ معنویِ خداوندِ رحمن است - چنانچه از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «الْقُرْآنُ مَادِبَةُ اللَّهِ»^(۱) یعنی قرآن، خوانِ نعمتِ خدا است - و خوانِ کریمان، جامع می‌باشد و در خور هر کس، نعمت در آن می‌باشد. سبزی و تره می‌دارد، و الوان حلوا و نفایس می‌دارد، لهذا هیچ کس نیست که از قرآن بهره نداشته باشد. جمعی کثیر از راه کتابت لفظش بهره‌های دنیوی و اخروی می‌برند، حتی آن کسی که مُرکَبش را به عمل می‌آورد و آن کسی که کاغذش را می‌سازد و آن کاتبی که می‌نویسد و کار فرمایی که مزد می‌دهد و غیر ایشان از جماعتی که در کتابت قرآن دخیل می‌باشند، اگر از برای خدا کنند، بهرهٔ دنیا و آخرت می‌برند و اگر از برای دنیا کنند بهره دنیوی می‌برند، و جمعی از تعلیم و تعلّم لفظش، بهره‌های دنیوی و اخروی می‌برند.

و صاحبان هر علم از علوم نامتناهی را بهره از قرآن هست چنانچه صرفی، از وجوه تصاریف و اشتقاقاتش استنباط می‌نماید و نحوی، از انحاء تراکیبش استشهاد می‌نماید و معانی بیانی^(۲)، از نکات غریبه‌اش فایده‌مند می‌شود و اصحاب بلاها، از برکات آیات کریمه‌اش به تلاوت کردن و نوشتن نفع می‌یابند و ارباب مطالب دنیوی و اخروی به آیات و سورش پناه می‌برند و مطالب خود را می‌یابند.

۱ - وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۶ ابواب قرائة القرآن.. باب ۱، ح ۱۳. به نقل از

مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۵، فن ۶، فی فضل القرآن.

۲ - معانی بیانی یعنی عالم علم بیان که یکی از مهم ترین علوم ادبی است.

و یک راه اعجاز قرآن، تأثیرات غریبه آیات و سور آن است و ارباب تکسیر^(۱) و اصحاب عدد^(۲) و غیر ایشان، همه به قرآن پناه می‌برند و از معانی غریبه اش، جمیع صاحبان علوم مختلفه منتفع می‌شوند از متکلم و حکیم و فقیه و اصحاب ریاضی و صاحبان علوم اخلاق و طبیبان و اصحاب اکسیر و منشیان و شعرا و ادبا و غیر ایشان از جماعتی که از ظاهر قرآن بهره دارند.

و از هر بطنی از بطون قرآن، جمعی که قابل آن هستند از اصحاب عرفان و ارباب ایقان، فواید و حکم و معارف نامتناهی می‌یابند. پس حامل کامل قرآن مجید، جمعی‌اند که جمیع بهره‌های قرآن را بر وجه کمال داشته باشند و ایشان، حضرت رسول و اهل بیت کرام او - صلوات الله علیهم اجمعین - اند، زیرا که معلوم است به احادیث متواتره که، لفظ قرآن مخصوص ایشان است و قرآن تمام کامل، نزد ایشان است و علوم قرآنی که در میان است، همه به اتفاق به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منسوب است.

و ایضاً احادیث متواتره^(۳) وارد است که معانی قرآن را کسی بغیر ایشان نمی‌داند، و علم ماکان و مایکون تا روز قیامت و جمیع شرایع و احکام در

۱ - تکسیر به اصطلاح تعویذ نویسان، تقسیم کردن اعداد اسم بر خانه‌های تعویذ به نهجی که از هر طرف شمار برابر افتد (قیاس اللغات).

۲ - علم عدد نزد قدما از شعب ریاضی است و موضوع آن معرفت اعداد و خواص آنهاست (فرهنگ معین).

۳ - بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۸ به بعد، ب ۱۰. به نقل از تاویل الایات و تفسیر عیاشی و تفسیر قمی.

قرآن هست و علمش نزد ایشان مخزون است و قرآن را هفت بطن تا هفتاد بطن است و علم جمیع آن بطون نزد ایشان است و همچنین عمل نمودن به جمیع احکام و شرایع قرآن مخصوص ایشان است، چون از جمیع خطاها معصومند و به جمیع کمالات بشری متّصف‌اند.

و ایضاً اکثر قرآن در مدح ایشان و مذمت مخالفان ایشان است، چنانچه وارد شده است که: «ثلث قرآن در شأن ما است و ثلث آن در مذمت دشمنان ما و ثلث دیگر فرایض و احکام است»^(۱). و این معنی نیز ظاهر است که مدح هر صفت کمالی که در قرآن واقع است به مدح صاحب آن صفت برمی‌گردد و صاحب آن صفت بوجه کمال ایشانند و مذمت هر صفت نقصی که وارد شده است به مذمت صاحبان آن صفت بر می‌گردد که دشمنان ایشانند.

و چون قرآن شخصی نیست قائم به ذات، بلکه عرضی است که در محال مختلفه، ظهورات مختلفه می‌دارد، چنانچه پیوسته در علم واجب الوجود بوده و از آنجا در لوح ظاهر گردیده و از آنجا به روح حضرت جبرئیل منتقل گردید [ه] و از جانب خدا بلاواسطه و به واسطه جبرئیل در نفس مقدس نبوی ﷺ ظاهر گردیده و از آنجا به قلوب اوصیا و مؤمنان درآمده و در صورت کتابتی ظهور نموده [است].

پس اصل قرآن را حرمتی است، و به سبب آن، در هر جا که ظهور کرده آن محل را حرمتی بخشیده و در هر جا که ظهورش زیاده است موجب حرمت آن چیز بیشتر گردیده؛ پس هرگاه آن نقشهای مرکب و لوح و

کاغذی که بر آن نقش بسته و جلدی که مجاور آنها گردیده - با این که پست‌ترین ظهورات است - آن قدر حرمت به آنها بخشیده باشد که اگر کسی خلاف آدابی نسبت به آنها به عمل آورد، کافر می‌شود، پس قلب مؤمنی که حامل قرآن گردیده، حرمتش زیاده از نقش و کاغذ قرآن خواهد بود، چنانچه وارد شده است که: «مؤمن حرمتش از قرآن بیشتر است».

و از مضامین و اخلاق حسنه قرآن، هر چه در مؤمن بیشتر ظهور کرده موجب احترام او زیاده گردیده و هر چه خلاف آن اوصاف از نقایص و معاصی و اخلاق ذمیمه ظهور کرده، موجب نقصان ظهور قرآن و نقص حرمت گردیده، پس این مراتب ظهورات قرآن و اوصاف آن زیاده می‌گردد تا چون به مرتبه جناب با رفعت نبوی ﷺ و اهل بیت کرام او ﷺ می‌رسد مرتبه ظهورش به نهایت می‌رسد. چنانچه در وصف حضرت رسول ﷺ وارد شده است که «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ»^(۱) یعنی خُلق آن حضرت قرآن بود، بلکه اگر به حقیقت نظر کنی قرآن حقیقی، ایشانند که محلّ لفظ قرآن و معنی قرآن و اخلاق قرآند. چنانچه دانستی که قرآن، چیزی را می‌گویند که نقش قرآن در آن باشد و نقش کامل قرآن - به حسب معنی و لفظ - در قلوب مطهر ایشان حاصل است.

چنانچه حضرت امیرالمؤمنین ﷺ بسیار می‌فرمودند که «منم کلام الله ناطق»^(۲) و این است معنی آن حدیث که حضرت باقر ﷺ فرمود در حدیث طولانی که: «قرآن به صورت نیکویی به صحرای محشر خواهد آمد و

۱ - بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰، باب ۹، به نقل از مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۰۰، در تفسیر

آیه ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ﴾، (سوره قلم، آیه ۵).

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۰، باب ۵، ح ۱۲.

شفاعت حاملان خود خواهد کرد. راوی پرسید که آیا قرآن سخن می‌تواند گفت؟ حضرت تبسم نمود و فرمود: خدا رحم کند ضعیفان شیعیان ما را، که آنچه از ما می‌شنوند تسلیم می‌کنند و اذعان می‌نمایند. بعد از آن فرمود که نماز، شخص است و صورتی دارد و خلقی دارد و امر و نهی می‌کند. راوی گوید که صورت من متغیر شد و گفتم این سخن را در میان مردم نقل نمی‌توانم کرد.

حضرت فرمود: «هر که ما را به نماز نشناسد حق ما را نشناخته و انکار حق ما کرده، بعد از آن فرمود: می‌خواهی سخن قرآن را به تو بگویم. گفتم: بلی، فرمود: در قرآن است که نماز نهی می‌کند از فحشا و منکر، و ذکر خدا بزرگتر است. حضرت فرمود: چون نماز نهی می‌کند پس سخن می‌گوید و فحشا و منکر، مردی چندند و ماییم ذکر خدا و ما بزرگتریم.»^(۱) چون این مطلب در حلّ اخبار اهل بیت علیهم‌السلام بسیار دخیل است زیاده از این توضیح نماییم اَضُوب است.

بدان که هر چیزی را صورتی و معنی و جسدی و روحی هست خواه اخلاق و خواه عبادات و خواه غیر اینها، و جمعی که حشویه‌اند به ظاهرها دست زده‌اند و پا از آن به در نمی‌گذارند و خود را از بسیاری از حقایق محروم گردانیده‌اند، و جمعی به بواطن و معانی چسبیده‌اند و از ظواهر دست برداشته‌اند و به سبب این، ملحد شده‌اند، و صاحب دین آن است که هر دو را به سمع یقین بشنود و هر دو را اذعان نماید. مثل آن که بهشت را صورتی است که عبارت از در و دیوار و درخت و آنهار و حور و قصور است، و

معنی بهشت، کمالات و معارف و قرب و لذّات معنوی است که در بهشت صوری می‌باشد.

حشوی می‌گوید: در بهشت به غیر لذّت خوردن و آشامیدن و جماع کردن معنی ندارد. ملحد می‌گوید: بهشت در و دیوار و درختی ندارد، همان لذّتهای معنوی را به این عبارات تعبیر کرده‌اند و به این سبب، منکر ضروری دین گردیده و کافر شده است.

اما صاحب یقین می‌داند که هر دو حق است و در ضمن لذّتهای صوری، لذّتهای معنوی حاصل می‌شود، چنانچه در اول کتاب، اشاره به این معنی کردیم.

و همچنین در باب صراط واقع شده است که «صراط، دین حق است» و واقع شده است که «اهل بیت، صراط مستقیم‌اند» و وارد شده است که «صراط، محبّت علی بن ابی‌طالب علیه السلام است». (۱) و واقع شده است که «صراط، جسری است» (۲) بر روی جهنم. (۳) همه حق است، زیرا صراط آخرت، نمونه صراط دنیا است و در دنیا فرموده‌اند که: «بر صراط دین حق و ولایت اهل بیت مستقیم می‌باید بود و از چپ و راست شعبه‌های بسیار از مذاهب مختلفه و گناهان کبیره هست که هر که متوجه آنها می‌شود از این صراط بدر می‌رود و این صراط، راهی است در نهایتِ باریکی و دقّت و نازکی، و کمینگاهها دارد که شیاطین بر آن رخنه‌ها در کمین نشسته‌اند، و

۱ - تفسیر نورالثقلین، ج ۱، سورة حمد، ص ۲۰ به بعد به نقل از تفسیر عیاشی و مجمع‌البیان، و تفسیر قمی.

۲ - جسر: پُل.

۳ - تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۰ به بعد.

عقبه‌ها از عبادات شاقه و ترک معاصی دارد که بسیار کسان از آن عقبه‌ها راه را گم کرده‌اند و نمونه این صراط، بعینه صراط آخرت است که در نهایت باریکی و دقت و دشواری است و بر روی جهنم می‌گذارند».

پس کسی که پیوسته در این صراط مستقیم بوده، در آن صراط، راست به بهشت می‌رود و هر که به سبب اعتقاد فاسدی یا کبیره هلاک کننده‌ای از این صراط به در رفته، به همان عقبه و کمینگاه که می‌رسد پایش از آن صراط می‌لغزد و به جهنم می‌افتد.

و همچنین مارها و عقربهای دوزخ، صورت اخلاق ذمیمه است و درختها و حور و قصور، صورت و ثمره افعال حسنه است و همچنین نماز را در دنیا، روحی و بدنی هست؛ بدن نماز آن افعال مخصوصه است و روح نماز، ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد اوست و کار روح، آن است که جسد را باقی می‌دارد و منشأ حرکات و آثار بدن می‌گردد.

پس نماز بی ولایت، چون موجب کمالی نمی‌گردد و باعث قرب نمی‌شود و از عذاب نجات نمی‌بخشد، مانند بدن مرده است. پس ولایت، روح آن است، و چون نماز کامل از ایشان [اهل بیت علیهم السلام] صادر می‌شود و اگر از دیگری صادر شود به برکت ایشان می‌شود، پس بقای نماز به ایشان است. به این سبب، خود روح نمازند و چون وصف نماز در ایشان کامل گردیده و خلق ایشان شده، گویا با نماز متحدند. پس همچنان که لفظ انسان را بر بدن آدمی و بر روح و بر روح با بدن، هر سه اطلاق می‌نمایند همچنین نماز را بر آن افعال و بر این ذوات مقدسه و بر آن ذوات با اتّصاف به این صفت، اطلاق می‌نمایند.

پس نماز [ی] که در قرآن واقع می‌شود ظاهرش که این افعال است مراد

است و باطنش که ولایت است مراد است و منافات با یکدیگر ندارد و جمعی از مَلأجِدَهٗ اسماعیلیه به سبب این که این احادیث را نفهمیده‌اند، انکار عبادات کرده و کافر شده‌اند و می‌گویند: نماز، کنایه از شخصی است و روزه، کنایه از شخصی است و این اعمال در کار نیست. و جمعی از حشویه به جانب تفریط افتاده، انکار این احادیث کرده و رد کرده‌اند.

و همچنین ایمان، چون به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کامل گردیده و آن حضرت بر وجه کمال به آن متّصف است و بقای ایمان به برکت آن حضرت است و ولایتش رکن اعظم ایمان است و ایمان در جمیع اعضا و جوارحش سرایت کرده و پیوسته از آثار و افعالش انوار ایمان مشاهده می‌شود، اگر ایمان بر آن حضرت اطلاق کنند در بطن قرآن بعید نیست، و همچنین مخالفان اینان در باب کفر و معاصی چنینند. پس روح و معنی و محلّ حقیقی صلوات و ایمان و زکات و غیر اینها از عبادات علی بن ابیطالب علیه السلام و فرزندان اویند، و روح و معنی و محلّ حقیقی فحشا و منکر و فسوق و عصیان ابوبکر و عمر و عثمان و سایر دشمنان ایشانند که به سبب ایشان کفر و معاصی باقیمانده و در ایشان کامل بوده. و همچنین کعبه را حرمت داده‌اند برای این که محلّ فیوض الهی و معبد دوستان خداست.

و دل‌های ائمهٔ معصومین علیهم السلام و دوستان ایشان که محلّ معرفت و محبت یاد خداست، از کعبه اشرف است، و کعبه حقیقی، ایشانند، اما نباید کسی انکار حرمت آن کعبهٔ ظاهر کند، یا انکار حج کند تا کافر شود بلکه می‌باید اول به کعبهٔ ظاهر رود و بعد از آن به کعبهٔ باطن رود و از انوار هر دو بهره‌مند شود.

چنانچه به اسناد معتبر از حضرت امام جعفر صادق و امام محمد باقر

صلوات الله علیهما منقول است که فرمودند: «این سنگها را برای این بنا کرده‌اند که مردم بیایند به طواف، و به وسیله این طواف، به خدمت ما برسند و معالم دین خود را از ما یاد گیرند، و ولایت خود را بر ما عرض نمایند».^(۱)

و زیاده از این معنی را در این مقام نمی‌توان بسط داد. اما اگر ادراک این معنی درست نمودی بسیاری از مشکلات اخبار بر تو ظاهر می‌گردد و معنی نهی کردن نماز را می‌فهمی که هم نماز، خودش در کسی که کامل شد موجب قرب می‌شود و از معاصی و متابعت ارباب معاصی نهی می‌فرماید و منع می‌کند، و هم ائمه معصومین علیهم‌السلام که روح نمازند نهی می‌کنند بلکه همان معنی نمازی که در ایشان کامل گردیده و موجب اعلائی مراتب قرب ایشان گردیده، به زبان ایشان متکلم است و تو را منع می‌نماید.

زیاده از این سخن در این مقامات نازک گفتن، موهّم معانی کفر آمیز می‌شود. رجوع می‌کنیم به نقل اخباری که در وصف حاملان قرآن وارد شده است.

به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام منقول است که: «قاریان قرآن بر سه قسم‌اند:

یکی شخصی است که قرآن خوانده و آن را سرمایه دنیای خود و وسیله جلب فواید و اموال از پادشاهان گردانیده است، و به قرآن بر مردم استتاله و زیادتی و فخر می‌کند.

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۲، باب ۲، ح ۱ به نقل از فقیه، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۳۰۱، ح ۲.

و شخصی دیگر آن است که قرآن را خوانده است، و حروف آنرا حفظ و ضبط نموده، و حدود و احکامش را ضایع ساخته است، و همین در راست کردن لفظش سعی می‌نماید، خدا این جماعت را در میان حاملان قرآن بسیار نکند.

و شخص دیگر آن است که قرآن خوانده، و دوی قرآن را بر دردهای دل خود گذاشته، و شبهایش را به قرآن بیدار داشته، و به سبب قرآن روزها تشنه مانده به روزه داشتن، و به قرآن بر پایستاده است در مساجد و جاهای نماز، و در شبها پهلوی از رختخواب تهی کرده است به سبب قرآن. پس به برکت این جماعت خداوند عزیز جبار رفع می‌نماید بلاها را، و به این جماعت غلبه می‌دهد مسلمانان را بر دشمنان، و به این جماعت حق تعالی باران از آسمان می‌فرستد؛ و الله! که این جماعت در میان قاریان کمترینند از گوگرد احمر»^(۱).

و به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «سزاوارترین مردم به تَخَشُّع و تَضَرُّع در آشکار و پنهان، حامل قرآن است، و سزاوارترین مردم در پنهان و آشکار به نماز و روزه حامل قرآن است. بعد از آن به آواز بلند ندا فرمودند: ای حامل قرآن به سبب قرآن تواضع و فروتنی کن تا خدا تو را بلند مرتبه گرداند، و به قرآن طلب عزت از مردم مکن که خدا تو را ذلیل می‌گرداند، و مُتَرَّین شو به قرآن از برای خدا، تا خدا تو را زینت بخشد، و آن را برای مردم زینت مکن که خدا تو را معیوب و بدنما گرداند. به درستی که هر که قرآن را ختم نماید چنان است که گویا پیغمبری را

در میان دو پهلوی او جاداده‌اند، بدون آن که وحی به او بیاید؛ و کسی که تمام قرآن را خوانده باشد از برای او سزاوار آن است که با جاهلان جهالت نکند، و در میان جمعی که به غضب می‌آیند به غضب نیاید، و زود از جا به در نرود. بلکه باید عفو کند، و بیوشاند، و در گذرد، و حلم کند، از برای تعظیم قرآن. و کسی را [که] به او قرآن عطا کرده باشند، گمان کند که خدا به کسی از خلق چیزی بهتر از آنچه به او کرامت فرموده داده است از اموال و اسباب دنیا، پس به تحقیق که عظیم شمرده است چیزهایی را که خدا حقیر شمرده و حقیر دانسته چیزی را که خدا عظیم گردانیده است»^(۱)

و از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که قرآن را بخواند و با خواندن قرآن حرامی بیاشامد یا محبت دنیا و زینت‌های آن را بر قرآن اختیار کند مستوجب غضب الهی گردد، مگر آن که توبه کند و اگر بی‌توبه بمیرد، در قیامت قرآن بر او حجت خود را تمام کند که او را عذری نماند»^(۲).

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۰۴، باب ۲، فضل حامل القرآن ح ۵.

۲- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۰، ب ۱۹، ح ۱۳، به نقل از امالی صدوق، ص ۳۴۸، مجلس ۶۶.



کوکب چهارم

﴿ در بیان آداب خواندن قرآن است ﴾

و آن مشتمل است بر شرایط بسیار

اول

ترتیل در قرآن است

چنانچه حق تعالی می فرماید: ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا﴾^(۱) ترتیل کن در قرائت قرآن، ترتیل کردنی. و ترتیل، قدری از آن واجب است و قدری مستحب، ترتیل واجب به حسب مشهور آن است که حروف را از مخارج ادا نماید، و حفظ احکام وقف و وصل بکند که اگر دو کلمه را متصل به یکدیگر خواند و فاصله در میان به قطع نفس یا سکت طویل نکند، کلمه اول را ساکن نخواند، بلکه آخرش را به اول کلمه لاحق وصل کند؛ و اگر وقف کند بر کلمه، وقف به حرکت نکند.

چنانچه منقول است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال نمودند از معنی ترتیل؟ فرمود: «ترتیل حفظ وقفها و ادا نمودن حرفها است از مخارج».^(۲)

۱ - سوره مزمل، آیه ۴.

۲ - بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۸ در ضمن بیان مجلسی.

و ترتیل مستحب، شمرده خواندن و به تائی خواندن قرآن است به حیثیتی که حروف در یکدیگر داخل نشوند که خوب ممتاز نشود و بسیار هم پاشان نخواند، که حروف از هم بپاشد، و اتصال کلام از هم برطرف شود با رعایت صفات حروف ومدّها و اقسام وقفها که از کتب قرائت، تفصیل آنها معلوم می‌شود، و این معانی را نیز داخل در آنچه حضرت فرموده‌اند می‌توان کرد.

و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که از تفسیر ترتیل پرسیدند؟ فرمود: «حروف را خوب ظاهر گردان و تند مخوان به نحوی که عربان شعر را می‌خوانند، و از هم می‌پاش حرفها را مانند ریگی که بپاشند، ولیکن به فزع و خوف آورید یا بکوبید به خواندن قرآن دلهای سخت را، و چنان نباشد که همت بر آخر سوره گمارید و تند بخوانید که زود تمام شود». (۱)

دوم

به تدبّر و تفکّر خواندن و متوجه معانی آن گردیدن

و به رقت و خشوع خواندن است

و باید که از مواظق قرآن متذکر شود و از احوال گذشتگان عبرت گیرد. چون به آیه رحمتی رسد از خدا بطلبد، و چون به آیه عذابی رسد استعاده نماید.

چنانچه به اسناد بسیار از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه هدی

صلوات الله عليهم اجمعین منقول است که: «خیری نباشد در قرائتی که در آن تدبّر نباشد».^(۱)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که «قرآن به حزن نازل شده است، آن را به حزن بخوانید».^(۲)

و از حفص منقول است که «حضرت امام موسی علیه السلام از شخصی پرسیدند: بقای دو دنیا را می خواهی؟ گفت: بلی. فرمود: چرا؟ گفت: از برای خواندن قل هو الله احد. حضرت بعد از زمانی فرمودند: «ای حفص! هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن نداند، حق تعالی او را در قبر تعلیم قرآن می فرماید، تا درجات او را بلند گرداند. زیرا درجات بهشت به قدر آیات قرآن است. به قاری می گویند: بخوان و بالا رو. پس هر آیه که بخواند، یک درجه بالا رود. حفص گفت: کسی را ندیدم که خوفش یا امیدش زیاده از آن حضرت باشد؛ و چون قرآن می خواند به حزن و اندوه می خواند، و به نحوی می خواند که گویا به مشافهه با کسی خطاب می کند».^(۳)

و از رجاء بن ضحاک منقول است که، «حضرت امام رضا علیه السلام در راه خراسان چون به میان رختخواب می رفتند تلاوت بسیار می فرمودند، و چون به آیه ای می رسیدند که در آن ذکر بهشت یا دوزخ بود، می گریستند و از خدا سؤال بهشت و استعاده از جهنم می نمودند؛ و چون در نماز سوره قل هو الله احد می خواندند بعد از احد آهسته می گفتند: «الله احد». و چون سوره

۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۰ و ۲۱۱، باب ۲۶، ح ۴. به نقل از معانی الاخبار، ص ۲۲۶.

باب معنی الفقیه، ح ۱.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۱۴، باب ترتیل القرآن، ح ۲.

۳- همان، ص ۶۰۶، باب ۱ فضل القرآن، ح ۱۰.

را تمام می‌کردند سه مرتبه می‌گفتند: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».

و چون سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» می‌خواندند بعد از لفظ کافرون آهسته می‌گفتند «یا ایها الکافرون»، و چون از سوره فارغ می‌شدند سه مرتبه می‌فرمودند: «رَبِّيَ اللَّهُ وَ دِينِيَ الْإِسْلَامُ» و چون از سوره «والتين وَالزيتون» فارغ می‌شدند می‌خواندند: «بَلَى وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ» و چون سوره «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» می‌خواندند بعد از فراغ می‌فرمودند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلَى».

و چون از سوره فاتحه فارغ می‌شدند می‌فرمودند: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و چون سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى می‌خواندند، بعد از اَعْلَى آهسته می‌فرمودند: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى»، و در هر جای قرآن که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» می‌خواندند، آهسته می‌فرمودند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ».^(۱)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هرگاه یکی از مُسَبِّحات را خواندید بگویند «سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى» و مسَبِّحات، چند سوره‌اند که در اولشان يُسَبِّحُ یا سَبَّحَ یا سَبَّحِ است.

و چون بخوانید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»، صلوات بفرستید خواه در نماز باشد و خواه در غیر نماز و چون بخوانید: «قولوا آمنا» بگویند: «أَمْنَا بِاللَّهِ» و تتمه آیه را بخوانید تا مسلمین».^(۲)

و به سند معتبر دیگر منقول است که: «حضرت امام رضا علیه السلام در هر سه

۱ - بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۸، باب ۲۷، ح ۲؛ به نقل از عیون اخبار، ج ۲، ص ۱۸۳، باب ۴۴، ح ۵.

۲ - همان، ص ۲۱۷، باب ۲۷، ح ۱. به نقل از خصال، ج ۲، ص ۶۳۹ در ضمن حدیث اربعه‌امه امیرالمؤمنین علیه السلام، ح ۱۰.

روز یک ختم قرآن می فرمودند و می گفتند: اگر خواهم در کمتر از سه روز ختم می توانم کرد ولیکن به هیچ آیه نمی گذرم هرگز، مگر آن که در معنی آیه تفکر می نمایم، و در سبب نزولش تأمل می کنم، و به یاد می آورم که در چه وقت نازل گردیده. بنابر این در هر سه روز یک ختم می کنم.^(۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که «چون سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» می خوانند، بعد از «لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ» می گفتند: «أَعْبُدُ رَبِّي» و بعد از اتمام سوره می فرمودند: «دینی الاسلامُ عَلَیْهِ أَحْیَا وَعَلَیْهِ أَمُوتُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».^(۲)

و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سزاوار است کسی که قرآن می خواند چون بگذرد به آیه ای که در آن سؤال یا بیمی باشد باید سؤال کند از خدا بهترین آنچه امید دارد و سؤال کند عافیت از آتش جهنم و عذاب را».^(۳)

و در موثق دیگر از آن حضرت منقول است که: «چون کسی سوره والشمس بخواند، چون تمام کند بگوید: «صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ»، و چون بخواند: «اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ»، بگوید: «اللَّهُ خَيْرٌ اللَّهُ خَيْرٌ اللَّهُ أَكْبَرُ»، و چون بخواند «ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ»، بگوید: «كذب العادلون بالله» و چون بخواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا تَأْكِبْرَهُ تَكْبِيرًا» سه مرتبه بگوید: «الله اكبر». راوی سؤال کرد که اگر چیزی از اینها نگوید چون

۱- همان، ص ۲۰۴، باب ۲۴، ح ۱، به نقل از خصال، ج ۲، ص ۱۸۰، باب ۴۴، ح ۴.

۲- همان، ص ۳۳۹، باب ۱۲۱، ح ۱، به نقل از قرب الاسناد، ص ۴۵، ح ۱۴۴.

۳- تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۴۷، ح ۸، در تفسیر سوره مزمل. به نقل از کافی، ج ۲،

ص ۶۱۷، باب فی کم یقرء القرآن، ح ۲.

است؟ فرمود: که برای او چیزی نیست»^(۱).

و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که: «آیات قرآنی خزینه‌های حکمت ربّانی است؛ پس در هر خزانه را که می‌گشایی باید که در آن نظر نمایی»^(۲). به تفکر، جواهر معانی و حکمتها را بیرون آوری.

و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که فرمود: «اگر هر که در ما بین مشرق و مغرب است بمیرد بعد از آن که قرآن با من باشد وحشت به هم نمی‌رسانم؛ و چون آن حضرت «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» را می‌خواندند، تکرار می‌فرمودند به حدّی که نزدیک بود هلاک شوند»^(۳).

و الحق چگونه وحشت به هم برساند کسی که انیس او خداوند عالمیان باشد، و چون خواهد سخن بگوید با خداوند خود سخن گوید و مناجات کند و راز بگوید، و اگر خواهد کسی با او سخن بگوید قرآن بخواند. گاهی که خدا به او خطاب فرماید و خود را مخاطب به آن خطابها دانسته «لَبِيك» در جواب گوید.

و گاهی پیغمبران با او سخن گویند و خطابهای ایشان را چنان داند که از ایشان می‌شنود، بلکه آن جماعت که پیغمبران با ایشان سخن می‌گفته‌اند کور و کوری چند بوده‌اند، و کسی که آگاه است مخاطب به خطاب ایشان بیشتر است، زیرا خطابهای ایشان برای جمیع عالمیان است. و گاهی حق تعالی برای او قصه می‌خواند، و احوال گذشتگان را برای او

۱- همان، ص ۵۸۵، ح ۰۱، در تفسیر سوره شمس. به نقل از تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۹۷.

باب ۱۵، ح ۵۱

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۰۹، باب فی قرائته، ح ۲.

۳- همان، ص ۶۰۲، باب ۱ فضل القرآن، ح ۱۳.

نقل می‌کند، و از شادی این کرامت، نزدیک است که قالب تهی کند، و گاهی خوان نعمتهای بهشت از برایش می‌کشد، و آن که عارف است چون از نعمتهای بهشت برای این لذت می‌برد که از دوست به او می‌رسد، و از وعده‌اش نیز همان لذت [می‌برد] بلکه بیشتر؛ و محبان، نشئه شراب طهور بهشت را در این نشئه بیشتر می‌یابند و گاهی اوصاف خود را برای او بیان می‌فرماید و او را در گلستانهای صفات کمالیه خود، به سبزه [وا] می‌دارد.

گاهی در گلستان رحمانیت تکلیف سیر می‌کند که چه خوانها مملو از الوان نعمت برای کافر و مسلمان کشیده و چه نعمتهای خفی و جلی بر عاصیان گناهکاران دارد، و گاهی به سیر گلستان رحیمیت می‌فرستد که چه لطفهای خاص و شفقتهای بی‌اندازه نسبت به دوستان خود فرموده.

و گاهی به سیر بوستان رزاقیت می‌برد او را، که هیچ برگ و گیاهی نیست که بهره خاصی از خوان رزاقیت او نداشته باشد، حتی آن برگ ضعیفی که در منتهای درختست قدری از روزی برای آن مقدر است از ریشه‌ای که ده گز در زمین فرورفته، و دهن گشاده، از آب و خاک به دهان خود می‌کشد چه قدر به آن برسد و زیاده و کم نرسد.

و گاهی به سیر گلستان قدرتهای نامتناهی می‌برد، و گاهی درهای گنجهای علوم و معارف نامتناهی بر رویش می‌گشاید، از انواع جواهر حقایق آنچه دیده‌اش تاب آورد، بر او عرض می‌نماید و همچنین در صفات جلال و جمال و رفعت و کمال.

و گاهی احوال دوستان خود و کمالات ایشان را برای او نقل می‌کند، و از بنده نوازیهای خود امیدوار می‌گرداند که دوستان چندین هزار سال گذشته را احوال ایشان را به چه مهربانی نقل می‌فرماید، و نعمتها که خود به ایشان

عطا فرموده، ایشان را به آنها می‌ستاید و بیان شکیبایی ایشان و مشقتها که در راه او کشیده‌اند، می‌فرماید.

و بعد از آن بیان تدارک فرمودن خود می‌نماید، و از بیان فرمودن وسعت حلم و مزید کرمهای خود نسبت به گذشته‌ها، دستگاه امید را وسیع می‌گرداند.

زهی پروردگار کریم که باغایت لطف و مدارا، مانند پدر مشفق و ادیب مهربان، برای تکمیل بندگان، گاهی به وعده حور و قصور و طعام و شراب تطمیع می‌نماید؛ و گاهی به وعید انواع زجر و عذاب، تهدید می‌فرماید. پس کسی که از روی تنبّه و آگاهی و تفکر، قرآن خواند و درهای گلستان‌های فیض نامتناهی یزدانی بر روی عقل او مفتوح گردیده باشد، و دیده دلش را نور ادراک معارف داده باشند؛ در هر صفحه‌ای از صفحات قرآن که نظر می‌فرماید، گلستانی از شقایق حقایق برایش مرتب ساخته‌اند؛ و چراغانی از الوان انوار معارف و هدایت برایش مهیا کرده‌اند، و محفلی مملو از دوستان و برگزیدگان خدا برای انس و الفت او نشانیده‌اند، و انواع نعمتهای روحانی و اصناف لذتهای عقلانی برایش حاضر ساخته‌اند، و قح‌های مرد آزما از شراب طهور لطف و محبت برایش پر کرده‌اند [و میزبانان خداوند مهربان است، و مصاحبانش پیغمبران و اوصیا و صدیقان؛ در چنین بزمی، اگر کسی از شادی نمیرد، وحشت چرا گیرد؟!]

سوم

با طهارت بودن است در هنگام تلاوت

چنانچه از محمد بن الفضیل منقول است که به خدمت حضرت امام

رضاء^۱ عرض نمود که: «من قرآن می‌خوانم و مرا بول می‌گیرد، بر می‌خیزم و بول و استنجا می‌کنم، بر می‌گردم و شروع به تلاوت می‌کنم. حضرت فرمود: مکن تا وضو نسازی.^(۱) و این شرط بر سبیل استحباب است. بلکه ظاهر احادیث معتبر آن است که جنب و حیاض را نیز تلاوت غیر سوره‌های سجده مستحب است، و بعضی زیاده از هفت آیه را مکروه دانسته‌اند، و زیاده از هفتاد آیه گفته‌اند که کراهتش بیشتر است؛ ولیکن احادیث صحیح دلالت دارد بر این که هر چقدر از قرآن که خواهد می‌تواند خواند، به غیر از سوره‌های سجده؛ و تلاوت سوره‌های سجده واجب، برایشان حرام است.

چهارم

استعاذه است

و خلافی نیست در این که در هر وقت که شروع به قرائت کند استعاذه مستحب است، و در کیفیت آن میان قراء خلافی هست، و مشهور میان علمای شیعه یکی از دو صورت است:

اول: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و این میان سنی و شیعه مشهورتر است.

دوم: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». و در بعضی از روایات شیعه بعد از این، «وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ» وارد شده است.

۱ - بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۰، باب ۲۶، ح ۲. به نقل از قرب الاسناد ص ۳۹۵، ح ۱۳۸۶، احادیث متفرقه.

و در بعضی از روایات «أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»، تنها وارد شده و در بعضی با «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» وارد شده است. و در بعضی به جای «أَسْتَعِيذُ»، «أَعُوذُ» وارد شده است و در بعضی «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ» وارد شده است؛ و آن دو وجه اول اشهر و اولی است.^(۱)

پنجم

رو به قبله بودن است

چنانچه منقول است که بهترین مجالس آن است که آدمی رو به قبله باشد و بعضی دیگر از آداب در کتب تفسیر و قرائت مذکور است و ذکر آنها در این مقام موجب تطویل می‌گردد.



کوکب پنجم

﴿ در کیفیت ختم قرآن است ﴾

به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمود که: من در یک شب قرآن را ختم می‌کنم حضرت فرمود: مرا خوش نمی‌آید که در کمتر از یک ماه ختم کنی.»^(۱)

و به سند معتبر منقول است که، «ابوبصیر به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که: من قرآن را در یک شب ختم کنم؟ فرمود: نه، گفت در دوشب؟ فرمود: نه، تا به شش شب رسانید، حضرت اشاره فرمودند: بلی. بعد از آن فرمودند: جمعی که پیش از شما بودند قرآن را در یک ماه و کمتر ختم می‌کردند. به درستی که قرآن را تند نمی‌باید خواند به نحوی که حروفش گم شوند در یکدیگر، ولیکن به ترتیل می‌باید خواند؛ و چون به آیه‌ای گذری که در آن یاد بهشت باشد توقف کن، و از خدا بهشت را سؤال کن؛ و چون به آیه‌ای گذری که در آن ذکر آتش باشد توقف کن و استعاذه کن به خدا از آتش جهنم؛ پس ابوبصیر پرسید که در ماه رمضان در یک شب ختم بکنم؟ فرمود: نه پرسید که در دو شب ختم بکنم؟ فرمود: نه، پرسید که در سه شب ختم بکنم؟ اشاره فرمود: بلی. ماه رمضان را حق و

۱ - کافی، ج ۲، ص ۶۱۷، باب فی کم یقرأ القرآن، ح ۱.

حرمت دیگر هست که ماههای دیگر به آن شباهت ندارند و در آن نماز بسیار بکن». (۱)

و به سند معتبر دیگر منقول است که: «از آن حضرت سؤال نمودند که در چند روز قرآن را ختم کنم؟ فرمود که: پنج قسمت کنید یا هفت قسمت، و نزد من قرآنی هست که دوازده قسمت کرده‌اند». (۲)

و علی بن المغیره به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود: «پدرم از جدت سؤال نموده بود از ختم کردن قرآن در هر شب، حضرت فرموده بودند: بلی؛ پدرم در ماه مبارک رمضان چهل ختم می‌کرد و من گاهی ختم می‌کنم و گاهی زیاد و گاهی کمتر به قدر آنچه فراغ و مجال داشته باشم. پس چون روز فطر می‌شود یک ختم از برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله قرار می‌دهم و یکی را از برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و یکی را از برای حضرت فاطمه علیها السلام و دیگر از برای هر یک از ائمه علیهم السلام یکی، و یکی از برای شما؛ تا حال پیوسته چنین کرده‌ام. چه ثواب از برای من خواهد بود به سبب این عمل؟ آن حضرت فرمود: خدا به سبب این عمل چنین خواهد کرد که در قیامت تو با ایشان باشی.

راوی گفت: الله اکبر! چنین ثوابی برای من خواهد بود؟! حضرت سه مرتبه فرمود که: بلی. (۳)

۱- همان، ص ۶۱۸، باب کم یقرأ القرآن، ح ۵.

۲- همان، ح ۳.

۳- همان، ص ۶۱۸، باب کم یقرأ القرآن، ح ۴.

کوکب ششم

﴿ در ثواب تعلیم و تعلم و حفظ قرآن است ﴾

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که حافظه‌اش کم باشد و قرآن را به مشقت حفظ کند، حق تعالی دو اجر به او کرامت فرماید». (۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «سزاوار نیست که مؤمن بمیرد، مگر آن که قرآن را یاد گرفته باشد یا مشغول یاد گرفتن باشد». (۲) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که یاد گرفتن قرآن بر او دشوار باشد و به مشقت یاد گیرد، او را دو اجر است». (۳)

و به سند معتبر از یعقوب احمر منقول است که: «به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمودم: مرا غمها رو داده که آنچه در خاطر داشتم فراموش کرده‌ام، حتی بسیاری از قرآن را نیز فراموش کرده‌ام. چون نام قرآن را بردم، حضرت را فزعی و خوفی حاصل شد و فرمود: به درستی که شخصی که فراموش کرده است سوره‌ای از قرآن را، آن سوره در قیامت درجهٔ بلندی از درجات بهشت بر او مشرف می‌شود و می‌گوید: «السلام عليك» او در جواب

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۰۶، باب من يتعلم القرآن، ح ۱.

۲- همان، ص ۶۰۷، باب من يتعلم القرآن، ح ۳.

۳- همان، ص ۶۰۷، باب من يتعلم القرآن، ح ۲.

می‌گوید: «و عليك السلام» تو کسیتی؟ می‌گوید که من فلان سوره‌ام که مرا ضایع کردی و ترک نمودی؛ اگر به من متمسک می‌شدی و مرا از دست نمی‌دادی امروز تو را به این درجه می‌رسانیدم، بعد از آن فرمود: بر شما باد به یاد گرفتن قرآن، به درستی که جمعی قرآن را یاد می‌گیرند که ایشان را قاری گویند، و جمعی قرآن را یاد می‌گیرند که با آواز خوش بخوانند تا مردم بگویند خوش آوازند، و در این دو طایفه خیری نیست؛ و جمعی قرآن را یاد می‌گیرند که شب و روز در نمازها بخوانند و پروا ندارند که کسی بداند یا نداند.^(۱)

و احادیث بسیار موافق این حدیث در مذمت فراموش کردن قرآن واقع شده است و ظاهر بعضی فراموش کردن لفظ است و ظاهر بعضی ترک عمل نمودن به معانی آن، و معنی دوم ظاهر است که بد است. و اول، اگر از روی بی‌اعتنایی باشد بد است، و اگر بی‌اختیار به سبب ضعف حافظه از خاطرش محو شود قصور ندارد؛ و بعضی احادیث که وارد شده است که قصور ندارد، بر این معنی محمول است.

چنانچه از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که قرآن را یاد گیرد عمداً فراموش کند، چون به محشر درآید دستش در گردنش باشد، و خدا به عدد هر آیه ماری بر او مسلط گرداند که در آتش جهنم قرین او باشند، مگر آن که خدا او را بیامرزد.^(۲) و فرمود که: «نیکان شما گروهی‌اند

۱- همان، ص ۶۰۹، باب من حفظ القرآن، ح ۶

۲- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۷، باب ۲۰، ح ۵ به نقل از امالی صدوق، ص ۳۴۸، مجلس ۶۶

که قرآن یاد گیرند و یاد دهند».^(۱)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حق تعالی گاهی هست که قصد می فرماید عذاب اهل زمین را، که یکی از ایشان را استثنا نفرماید به سبب بسیاری گناهان ایشان؛ پس چون نظر می فرماید به پیران که قدم برمی دارند به سوی نمازها، و اطفال که قرآن یاد می گیرند، ایشان را رحم می فرماید و عذاب را از ایشان تأخیر می نماید».^(۲)

۱- همان، ص ۱۸۶، باب ۲۰، ح ۲. به نقل از امالی طوسی، ص ۳۵۷، مجلس ۱۲ ح ۷۹ و ۸۰.

۲- همان، ص ۱۸۵، باب ۲۰، ح ۱. به نقل از علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۱، باب ۲۹۸، ح ۲.



کوکب هفتم

﴿ در ثواب قرائت قرآن ﴾

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «قرآن عهد نامه الهی است به سوی بندگان، پس سزاوار این است که هر مسلمانی در فرمان الهی نظر نماید و هر روز پنجاه آیه بخواند.»^(۱)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود و یاد خدا در آن می‌شود برکت در آن خانه بسیار می‌شود و ملائکه در آن خانه، حاضر می‌شوند و شیاطین از آن خانه دور می‌شوند و روشنی می‌دهد آن خانه، اهل آسمان را چنانچه کواکب روشنی می‌دهند اهل زمین را، و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نمی‌شود و یاد خدا نمی‌کنند، برکت آن خانه کم است و ملائکه دوری می‌کنند و شیاطین در آن خانه حاضر می‌باشند.»^(۲)

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «خانه‌ای که در آن مسلمانی قرآن خواند، اهل سماوات، آن خانه را به یکدیگر می‌نمایند؛ چنانچه اهل دنیا ستاره‌های روشن را به یکدیگر می‌نمایند.»^(۳)

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۰۹، باب فی قرائته، ح ۱.

۲- همان، ص ۶۱۰، باب البیوت التي یقرأ فیها القرآن، ح ۳.

۳- همان، ح ۲.

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که ایستاده در نماز، قرآن بخواند حق تعالی به عدد هر حرفی صد حسنه در نامه عملش بنویسد، و اگر نشسته در نماز [قرآن] بخواند، به هر حرفی پنجاه حسنه از برایش بنویسد و اگر در غیر نماز بخواند، به هر حرفی ده حسنه از برایش بنویسد»^(۱).

و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که فرمود: «چه چیز مانع می شود تاجران شما را - که مشغولند در بازار - از این که چون به خانه برگردند نخوانند تا سوره‌ای از قرآن بخوانند تا حق تعالی بجای هر آیه، ده حسنه از برای ایشان بنویسد و ده گناه از ایشان محو نماید»^(۲).

و از بشر بن غالب منقول است که حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: «هر که آیه‌ای از کتاب خدا را ایستاده [در حال نماز] بخواند، حق تعالی به هر حرفی صد حسنه از برای او بنویسد و اگر در غیر نماز بخواند، به هر حرفی ده حسنه از برایش بنویسد و اگر گوش دهد قرآن را، به هر حرفی حسنه‌ای از برایش بنویسد و اگر در شب، قرآن را ختم نماید ملائکه تا صبح بر او صلوات فرستند و اگر در روز [قرآن را] ختم کند ملائکه کاتبان اعمال، تا شام بر او صلوات فرستند و البته بعد از ختم قرآن، یک دعای مستجاب از برای او هست و ختم قرآن از برای او بهتر است از مابین آسمان و زمین که پر از ثواب باشد. راوی عرض نمود: که اگر قرآن نخوانده باشد چه کند؟ فرمود: حق تعالی بخشنده و کریم است، اگر هر چه می‌داند

۱- همان، ص ۶۱۱، باب ثواب قرائة القرآن، ح ۱.

۲- همان، ح ۲.

بخواند، خدا او را از این ثواب می دهد».^(۱)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در مکه ختم کند قرآن را، از جمعه تا جمعه یا بیشتر یا کمتر، و ختمش در روز جمعه باشد حق تعالی اجر و ثواب از برای او بنویسد از اول جمعه که در دنیا بوده است تا آخر جمعه که خواهد بود، و همچنین اگر در روزهای دیگر ختم نماید».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: «هر که در شبی ده آیه بخواند او را از غافلان بنویسند، و اگر در شبی پنجاه آیه بخواند او را از ذاکران بنویسند، و اگر صد آیه بخواند او را از قانتان بنویسند، و اگر دویست آیه بخواند او را از خاشعان بنویسند، و اگر سیصد آیه بخواند او را از رستگاران و فایزان بنویسند، و اگر پانصد آیه بخواند او را از جماعتی بنویسند که سعی بسیار در عبادت کرده باشند، و اگر هزار آیه بخواند برای او قنطاری از نیکی بنویسند که هر قنطاری پانزده هزار مثقال از طلا باشد و هر مثقال بیست و چهار قیراط و قیراط کوچکش مثل کوه اُخُد باشد و قیراط بزرگش مثل مابین زمین و آسمان».^(۳)

و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که: «هر که حرفی از کتاب خدا را گوش دهد بی آن که بخواند، حق تعالی برای او حسنه‌ای بنویسد و گناهی از او محو نماید و درجه‌ای برای او بلند گرداند؛ و کسی که حرفی از قرآن را یاد گیرد، حق تعالی ده حسنه برای او بنویسد و ده سیئه از او محو نماید و ده درجه برای او بلند گرداند و فرمود که: نمی‌گوییم به هر آیه

۱- همان، ح ۳.

۲- همان، ج ۲، ص ۶۱۲ ح ۴.

۳- همان، ج ۲، ص ۶۱۲ باب ثواب قرآنه القرآن، ح ۵.

به او این ثواب می‌دهند، بلکه به هر حرفی مانند «با» و «تا».

و هر که حرفی از قرآن را نشسته در نماز بخواند، خداوند عالمیان پنجاه حسنه بر او ثبت نماید و پنجاه گناه از او محو کند و پنجاه درجه از برای او بلند گرداند؛ و هر که حرفی را ایستاده در نماز بخواند، حق تعالی صد حسنه برای او ثبت نماید و صد سیئه از او محو و صد درجه برای او بلند کند؛ و کسی که قرآن را ختم کند، حق تعالی به او یک دعای مستجاب عطا کند از برای دنیا یا آخرت». (۱)

و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: «اگر کسی به آیه قرآن پناه برد از شر دشمنان، اگر از مشرق تا مغرب دشمن او باشند از شر همه ایمن گردد، اگر به یقین و اعتقاد بخواند». (۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «شخصی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شکایت کرد درد سینه خود را، حضرت فرمود: بخوان قرآن و طلب شفا کن؛ زیرا حق تعالی می‌فرماید: قرآن شفای دردهایی است که در سینه‌ها است». (۳)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که صد آیه بخواند از هر جای قرآن که باشد و بعد از آن هفت مرتبه یا الله بگوید، اگر بر سنگی دعا کند خدا آن را بشکافد». (۴)

۱- همان، ص ۶۱۲، باب ثواب قرائة القرآن، ح ۶

۲- همان، ص ۶۲۳، باب فضل القرآن، ح ۱۸.

۳- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۳، باب ۲۳ ح ۲۹، به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۲۷، در تفسیر سورة یونس.

۴- همان، ص ۱۷۶، ب ۱۸، ذیل حدیث ۱، به نقل از مکارم الاخلاق، ج ۲، فصل ۲، ح ۲، و

و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «هر که از بلیه ترسد و صد آیه بخواند از هر جای قرآن که خواهد، بعد از آن سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ»، خدا آن بلا را دفع نماید.»^(۱)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه مبارک رمضان است.»^(۲)

→ ص ۱۸۲، فی الأستشفاء بالقرآن.

۱- همان.

۲- کافی ج ۲، ص ۶۳۰، باب النوادر، ح ۱۰.



کوکب هشتم

﴿ در بیان فضیلت تلاوت قرآن و نگاه داشتن قرآن ﴾

از حضرت جعفر بن محمد رضی الله عنه منقول است که: «هر که از مصحف تلاوت نماید از چشمش برخوردار شود و عذاب پدر و مادرش را تخفیف دهند؛ هر چند کافر باشند». ^(۱) و به روایت دیگر فرمود: «دوست می‌دارم در خانه مصحفی باشد که حق تعالی به برکت آن مصحف، شیاطین را از آن خانه دفع نماید». ^(۲)

و در حدیث دیگر فرمود: «سه چیز است که به خدا شکایت خواهند کرد، مسجد خرابی که اهلش در آن نماز نکنند، و عالمی که در میان جهال باشد و حرمتش را نگاه ندارند، و مصحفی که آویخته باشد و غبار بر آن نشسته باشد و از آن تلاوت نمایند». ^(۳)

و از اسحاق منقول است که به آن حضرت عرض نمود که: «من قرآن را در حفظ دارم، از خاطر بخوانم بهتر است یا نظر در مصحف کنم و بخوانم فرمود: از مصحف بخوان بهتر است، مگر نمی‌دانی که نظر کردن در قرآن

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۱۳، باب قرائة القرآن فی المصحف، ح ۱.

۲- همان، ح ۲.

۳- همان، ح ۳.

عبادت است؟!»،^(۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «شش چیز است که مؤمن به آنها منتفع می‌شود بعد از مرگش، فرزند صالحی که از برای او استغفار نماید، و مصحفی که از او بماند که تلاوت نمایند، و چاهی که از برای خدا بکند، و درختی که از برای خدا بنشانند، و صدقه و آبی که جاری گرداند، و سنت نیکویی که بگذارد که بعد از او مردم به آن سنت عمل نمایند.»^(۲)

و در حدیث مناهی نبی ﷺ وارد است که: «نهی فرمود از این که قرآن را به آب دهن محو نمایند یا به آب دهان بنویسند.»^(۳)

و از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «نظر بر روی علی بن ابیطالب علیه السلام کردن عبادت است، و نظر بر روی پدر و مادر به مهربانی و شفقت کردن عبادت است، و نظر به مصحف کردن عبادت است، و نظر به کعبه کردن عبادت است.»^(۴)

۱ - همان، ص ۶۱۴، باب قرائة القرآن فی المصحف، ح ۵

۲ - خصال شیخ صدوق، ص ۳۲۳، باب السنة، ح ۹

۳ - بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۴، باب ۲، ح ۳، امالی صدوق، ص ۳۴۵، مجلس ۶۶

۴ - همان، ص ۱۹۹، ب ۲۳، ح ۱۴، به نقل از امالی طوسی، ج ۲، ص ۷۰، مجلس ۱۶

کوکب نهم

﴿در بیان فضایل و فواید بعضی از آیات و سوره کریمه قرآنی﴾

﴿سورة الفاتحة﴾

به سند معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، نزدیکتر است به اسم اعظم الهی از سیاهی چشم به سفیدی چشم».^(۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است: «هر که را علتی عارض شود و در همان وقت هفت مرتبه سوره حمد را بخواند، اگر علتش برطرف شود اکتفا نماید و اگر نه هفتاد مرتبه بخواند و من ضامنم از برای او عافیت را».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که: «هر که سوره حمد را بخواند، حق تعالی به عدد هر آیه که از آسمان نازل شده است ثواب به او کرامت فرماید».^(۳)

و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند عالمیان می فرماید که: من قسمت کرده ام سوره فاتحه

۱- بحار الاتوار، ج ۹۲، ص ۲۳۳، باب ۲۹، ح ۱۵ به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۵

۲- همان، ص ۲۳۱، باب ۲۹، ح ۱۳. به نقل از امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۹۰، مجلس ۱۰.

۳- همان، ص ۲۲۸، ب ۲۹، ذیل حدیث ۷. خصال، ج ۲، ص ۳۵۵، باب السبعة، ح ۴۶.

الکتاب را میان خود و بنده خود، پس نصف آن سوره از من است و نصف آن از بنده من است. و آنچه بنده از من در آن سوره سؤال می‌نماید به او عطا می‌فرمایم.

پس چون بنده می‌گوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حق تعالی می‌فرماید: ابتدا کرد بنده به نام من، و بر من لازم است که کارهای او را به اتمام رسانم و در جمیع احوال بر او برکت فرستم. پس چون بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، حق تعالی فرماید: بنده من حمد من کرد و دانست که نعمتهایی که نزد اوست همه از جانب من است و بلاهایی که از او دور شده است همه به تطوّل و احسان من است، ای ملائکه! شما را گواه می‌گیرم که از برای او اضافه کردم نعمتهای دنیا و آخرت را، و دفع کردم از او بلاهای آخرت را چنانچه بلاهای دنیا را از او دفع کرده‌ام، پس چون الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ گوید، حق تعالی می‌فرماید: بنده من از برای من شهادت داد که من رحمن و رحیمم، ای ملائکه! شما را گواه می‌گیرم که بهره او را بسیار کردم و نصیب او را از عطای خود عظیم گردانیدم.

و چون گوید که مَالِكِ یَوْمِ الدِّیْنِ، خداوند عالم فرماید: ای ملائکه! گواه می‌گیرم شما را، چنانچه اعتراف کرد که من مالک روز جزایم من در روز حساب، حساب او را آسان کنم و از گناهانش درگذرم، و چون اِیَّاكَ نَعْبُدُ گوید حق جَلَّ و عَلا فرماید: راست گفت بنده من که مرا عبادت کرده و بس، گواه می‌گیرم شما را که او را بر این عبادت ثوابی کرامت فرمایم که جمیع مخالفان او آرزوی منزلت او نمایند، و چون وَاِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ گوید حق تعالی فرماید: بنده من به من استعانت جست و التجا به من آورد، گواه می‌گیرم شما را که در جمیع امور او را اعانت نمایم و در جمیع شداید به

فریاد او رسم و در روز بلاها و سختیها دست او را بگیرم.

پس چون إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ بگوید تا آخر سوره، حق تعالی فرماید: آنچه از من طلبید به او کرامت کردم و آنچه آرزو کرد به او عطا نمودم و آنچه از او ترسید او را از آن ایمن گردانیدم.^(۱)

و به سند دیگر منقول است که: «سوره حمد را [اگر] بر دردی هفتاد مرتبه بخوانند، آن درد ساکن می شود».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «اگر سوره حمد را بر میتی هفتاد مرتبه بخوانند و روح او بر گردد عجب نخواهد بود».^(۳)

و به سند معتبر از حضرت امام باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره حمد او را عافیت ندهد هیچ چیز او را عافیت ندهد».^(۴) و همچنین منقول است که حضرت صادق علیه السلام به بعضی از اصحاب خود که شکایت از تب کرد فرمود: «بندهای پیراهنت را بگشا و سر در گریبان کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد را بخوان، آن شخص چنان کرد به زودی شفا یافت».^(۵)

و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از صداع به آن حضرت شکایت کرد حضرت فرمود: «دست خود را بگذار بر موضعی که درد می کند و سوره حمد و آیه الکرسی بخوان و بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ

۱- همان، ص ۲۲۶، ب ۲۹، ح ۳. به نقل از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۵۸، ح ۳۰.

۲- همان، ص ۲۳۵، باب ۲۹، ح ۲۱. طب الائمه.

۳- همان، ص ۲۵۷، باب ۲۹، ذیل حدیث ۵۰ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۸۳.

۴- همان، ص ۲۳۷، باب ۲۹، ح ۳۴. به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰، ح ۱۰.

۵- همان، ص ۲۳۵، ب ۲۹، ح ۲۰. طب الائمه.

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَجَلٌ وَ أَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَخَذَرُ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عِزِّ نَعَارٍ وَ
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَرِّ النَّارِ»^(۱)

﴿سورة البقرة و آل عمران﴾

به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که
سورة بقره و آل عمران را بخواند، این دو سوره در قیامت بر سر او سایه
افکنند مانند دو ابر یا دو عبا»^(۲)

و به سند معتبر از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که:
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که چهار آیه از اول سورة بقره و آیه
الکرسی تا وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمِ یا دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر سورة بقره را
بخواند، بدی در خود و در مالش نبیند و شیطان به نزدیک او نیاید و قرآن را
فراموش نکند»^(۳)

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «هر که آیه الکرسی را در
وقت خواب بخواند، از فالج ایمن؛ گردد و هر که بعد از هر نماز بخواند، هیچ
صاحب نیسی به او ضرر نرساند»^(۴)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که

۱- همان، ج ۹۵، ص ۵۸، ب ۵۹، ذیل حدیث ۲۷. به نقل از مکارم الاخلاق، ص ۳۷۳، فی
الاستشفاء بالقرآن.

۲- همان، ج ۹۲، ص ۲۶۵، باب ۳۰، ح ۸، به نقل از ثواب الاعمال، ص ۱۸۹، باب ۳۰۴،
ح ۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۲۱، باب فضل القرآن، ح ۵.

۴- همان، ح ۸.

یک مرتبه آیه‌الکرسی بخواند، حق تعالی بر گرداند از او هزار بلا از بلاهای دنیا و هزار بلا از بلاهای آخرت را که سهل‌ترین بلاهای دنیا فقر و احتیاج و کمترین بلاهای آخرت عذاب قبر باشد»^(۱).

و منقول است که «ابوذر از حضرت رسول الله ﷺ سؤال نمود کدام آیه عظیم‌ترین آیاتی است که بر تو نازل گردیده است؟ فرمود: آیه‌الکرسی»^(۲).

و به سند دیگر منقول است که «شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام از تب شکایت کرد. حضرت فرمود: آیه‌الکرسی را در ظرفی بنویس و به آب حل کن و بخور»^(۳).

و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که: «یکی از پدرانم شنید که کسی سوره فاتحه می‌خواند، فرمود: شکر خدا کرد و مزد یافت؛ و بعد از آن شنید که قل هو الله می‌خواند، فرمود: ایمان آورد و ایمن شد؛ بعد از آن شنید که سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ می‌خواند، فرمود: تصدیق پیغمبر کرد و آمرزیده شد؛ بعد از آن شنید که آیه‌الکرسی می‌خواند، فرمود: به‌به! نازل شد برائت و بیزاری این مرد از جهنم»^(۴).

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که چشمش آزار داشته باشد، آیه‌الکرسی بخواند و در خاطر خود قرار دهد که

۱- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۲، باب ۳۰، ح ۱ امالی صدوق، ص ۸۸، مجلس ۲۱، ح ۶

۲- همان، ص ۲۶۲، ب ۳۰، ح ۳. به نقل از معانی الاخبار، ص ۳۳۳، باب تحیه مسجد، ح ۱

۳- همان، ج ۹۵، ص ۲۴، باب ۵۶ در ضمن حدیث ۱۱. به نقل از مکارم الاخلاق، ص ۳۷۰.

۴- همان، ج ۹۲، ص ۲۶۱، باب ۲۹، ح ۵۶ دعوات راوندی، ص ۱۱۰ ح ۲۴۵.

برطرف می‌شود به توفیق الهی و عافیت می‌یابد ان شاء الله تعالی.
و هر که پیش از طلوع آفتاب یازده مرتبه سوره قل هو الله احد و یازده مرتبه انا انزلنا و یازده مرتبه آیه الکرسی بخواند، خدا مالش را از تلف حفظ نماید.

و چون کسی خواهد از خانه بیرون رود، چند آیه [از سوره] آل عمران را یعنی اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْخ، آیه الکرسی، سوره اَنَا أَنْزَلْنَا وَسُورَةُ حَمْدِ [را] بخواند که موجب قضای حاجتهای دنیا و آخرت می‌گردد.^(۱)
و فرمود: «هر که قَلَّ هُوَ اللهُ أَحَدٌ و اَنَا أَنْزَلْنَا و آیه الکرسی بخواند، مالش محفوظ باشد».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: هر که سقف خانه‌اش زیاده از هشت ذرع باشد بر بالای هشت زرع آیه الکرسی بردور خانه بنویسد تا از شر جنیان ایمن گردد.^(۳)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «شیاطین در میان شتران و چهارپایان به در می‌آیند که آنها را رم دهند، پس آیه الکرسی بخوانید برای رفع ایشان».^(۴)

و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «تصدّق بکن و در هر روز که خواهی سفر کن؛ و آیه الکرسی بخوان و هر روز

۱- همان، ص ۲۶۳، ب ۳۰، ح ۴. به نقل از خصال. ج ۶۱۶/۲ حدیث اربعه‌ا.

۲- خصال، ص ۶۲۲، در ضمن حدیث اربعه‌ا.

۳- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۷، ب ۳۰، ح ۱۳. به نقل از محاسن برقی، ص ۶۰۹.

۴- همان، ص ۲۶۷، باب ۳۰، ح ۱۲ مکرّر. به نقل از محاسن برقی، ص ۳۸۰.

که خواهی حجامت کن.»^(۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه به جایی روی که خوفی داشته باشی این آیه را بخوان:

رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا، پس چون بینی آنچه را [که] از آن می ترسی آیه الکرسی بخوان.»^(۲) و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «بسیار بگویند «رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوْبَنَا ...»^(۳) و ایمن مباشید از میل به باطل.»^(۴)

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر که صد مرتبه آیه الکرسی بخواند، چنان باشد که مدت حیات خود عبادت کرده باشد.»^(۵)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: حق تعالی فرمود: «به تو و امت تو گنجی از گنجهای عرش خود را کرامت کرده‌ام: فاتحه‌الکتاب و خاتمه سوره بقره یعنی اَمِّنَ الرَّسُوْلُ الْخ.»^(۶)

و کلینی رحمته الله روایت نموده: «هر که دو رکعت نماز بگذارد بعد از نماز شام، و

۱ - کافی، ج ۸ ص ۲۷۳ ح ۴۰۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۲ ص ۲۶۷، باب ۳۰، ح ۱۲، به نقل از محاسن برقی ص ۳۶۷.

۳ - آل عمران [۳]، آیه ۸.

۴ - تفسیر نورالثقلین، ج ۱ ص ۳۱۹، ح ۴۸، در تفسیر سوره آل عمران. به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱ ص ۱۶۴ ح ۹.

۵ - بحار الانوار، ج ۹۲ ص ۲۶۳، باب ۳۰، ح ۵ عیون اخبار، ج ۲ ص ۶۴ ح ۲۸۹.

۶ - همان، ص ۲۳۰، ب ۲۹، ح ۱۰، معانی الاخبار، ص ۵۱.

در رکعت اول یک مرتبه سوره حمد وده آیه از اول سوره بقره و آیه سخره - إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ - و آیه: وَاللَّهُمَّ إِلَهَ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ ... تا آیاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ و پانزده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند، و در رکعت دوم سوره حمد و آیه الکرسی و آخر سوره بقره، لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ تا آخر سوره و پانزده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند، و بعد از آن حاجت خود را بطلبد، هر که به این نماز مداومت نماید به هر نمازی حق تعالی ثواب سیصد هزار حج به او کرامت فرماید»^(۱).

و از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر خانه‌ای که آیه امن الرسول تا آخر سوره در آن خانه خوانده شود، شیطان داخل آن خانه نشود»^(۲).
و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود: «گمان ندارم که کسی در اسلام عقلش کامل شده باشد و شبی بدون خواندن آیه الکرسی به سر آورد، بعد از آن فرمود: اگر بدانید که چه فضیلتی دارد در هیچ حال ترک آن ننمایید، به درستی که حضرت رسول ﷺ مرا خبر داد که آیه الکرسی را از گنج زیر عرش به من کرامت کرده‌اند و به هیچ پیغمبری چنین کرامت نداده بودند، بعد از آن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از آن روز که این را از آن حضرت شنیده‌ام، یک شب ترک خواندن آن نکرده‌ام، سه مرتبه می‌خوانم، در هر شبی یک مرتبه بعد از نماز خفتن پیش از نافله»^(۳).

۱ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۱۰.

۲ - نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۰۴، ذیل ح ۱۲۲۰، در تفسیر سوره بقره. تفسیر عیاشی ج ۱، ص

۱۶۰، ح ۵۳۲.

۳ - بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۴، باب ۳۰، ح ۷ امالی طوسی، ص ۱۲۲ مجلس ۱۸.

و به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که بعد از نماز واجب، آیه الکرسی بخواند تا وقت نماز دیگر در امان خدا باشد».^(۱)

و در حدیث دیگر منقول است که فرمود: «یا علی! بر تو باد به تلاوت آیه الکرسی بعد از نماز فریضه، به درستی که محافظت و مداومت نمی نماید بر خواندن آن مگر پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «چون حق تعالی امر فرمود که سوره فاتحه و آیه شَهِدَ اللَّهُ و آیه الکرسی و قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ را به زمین آورند، ایشان در عرش الهی در آویختند و گفتند: «پروردگارا ما را به کجا می فرستی؟ به نزد اهل خطاها و گناهان می فرستی؟» حق تعالی وحی فرمود به ایشان که بروید به زمین که به عزت و جلال خودم سوگند که هر که از آل محمد علیهم السلام و شیعیان ایشان، شما را تلاوت نماید بعد از نمازهای واجب، البته به سوی او نظر نمایم به نظر مخفی خود، یعنی الطاف خاصه خود را شامل حال او گردانم، هر روز هفتاد نظر، و در هر نظر کردنی هفتاد حاجت او را بر آورم و توبه او را قبول کنم؛ هر چند معصیت بسیار کرده باشد».^(۳)

و در طب الائمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که «مردی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت نمود از درد پشت و گفت: شب، مرا از این درد خواب نمی برد، فرمود: دست بر موضع درد بگذار و سه نوبت این آیه را بخوان:

۱- همان، ج ۸۶، ص ۳۴، باب ۳۸، ذیل ح ۳۹ دعوات راوندی، ص ۸۴ ح ۲۱۵.

۲- همان، ص ۲۴، باب ۳۸، ح ۲۴، قرب الاسناد، ص ۱۱۸، ح ۴۱۵.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، باب فضل القرآن، ح ۲.

﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ﴾،
 پس هفت مرتبه انا انزلناه بخوان که ان شاء الله تعالی عافیت می یابی»^(۱) و به سند معتبر از حضرت امام علی النقی علیه السلام منقول است که: اشجع سلمی به حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که من بسیار سفر می کنم و در بیابانهای مخوف واقع می شوم؛ می خواهم چیزی تعلیم من نمایی که موجب ایمنی من گردد، حضرت فرمود: هرگاه خوف بر تو غالب گردد دست راست خود را بر بالای سر خود بگذار و به آواز بلند این آیه را بخوان:
 ﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾.

اشجع گفت: چون به سفر رفتم به وادی رسیدم که می گفتند جن در آنجا بسیار است، ناگاه شنیدم که شخصی می گوید: بگیردش، من آیه را خواندم؛ دیگری گفت: چگونه بگیرمش و حال آن که پناه به آیه طیبیه برد»^(۲).

و در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: «هرکه آیه شهد الله بخواند در وقت خواب، حق تعالی هفتاد هزار ملک خلق نماید که برای او استغفار نمایند تا روز قیامت»^(۳).

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه آیه شهد الله بخواند و بعد از آن بگوید: وَأَنَا أَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ اللَّهُ بِهِ وَأَسْتَوْدِعُ اللَّهَ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَهِيَ

۱ - نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۱۳ ح ۶، در تفسیر سوره قدر طب الاثمه.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۴۸، باب ۱۰۴، ح ۱، امالی طوسی، ۲۸۱ مجلس ۲۰، ح ۸۴.

۳ - سفینه البحار، ج ۲ ص ۶۲۶، ماده نوم.

لِي عِنْدَ اللَّهِ وَدَيْعَةً، چون روز قیامت شود، حق تعالی گوید: صاحب این را نزد من عهدی هست که او را داخل بهشت کنید». (۱)

﴿سورة النساء﴾

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که سوره نساء را در هر جمعه بخواند از ضغطة^(۳) قبر ایمن گردد». (۳) و در روایت دیگر منقول است که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتری از حديد چینی داشتند و بر آن نقش کرده بودند: «الْعِزَّةُ لِلَّهِ جَمِيعاً». (۴) و در روایات معتبر وارد است که: «نقش نگین انگشتر امام حسن و امام محمد باقر صلوات الله علیهما الْعِزَّةُ لِلَّهِ بود». (۵)

﴿سورة المائدة﴾

به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره مائده را در هر روز پنجشنبه بخواند، ایمانش به ظلم و گناه آلوده نشود و هرگز به خدا مشرک نشود». (۶)

۱ - تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲۱، در تفسیر سوره آل عمران آیه شهد الله الخ.

۲ - تنگی و فشار قبر (فرهنگ لاروس ماده ضغط).

۳ - بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۷۳، باب ۳۱، ح ۱؛ ثواب الاعمال، ص ۱۳۱ در ثواب قرانت سور.

۴ - خصال، ج ۱، ص ۱۹۹، باب الاربعة، ح ۹ [آیه حزیفه در سوره نساء می باشد].

۵ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۹، و ص ۴۱۰ باب ۶۲ ح ۱ و ۵

۶ - تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۰ در تفسیر سوره مائده.

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «سوره مائده بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد قبل از وفات آن حضرت به دو ماه یا سه ماه». (۱)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «آخرین سوره‌ای که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد، سوره مائده بود و احکام بعضی از سوره‌های دیگر را نسخ کرد و هیچ چیز احکام آن را نسخ نکرد و وقتی نازل شد که آن حضرت بر استر شهباء^(۲) سوار بود و به سبب وحی چنان سنگین شد که نزدیک شد که ناف استر به زمین برسد و اغمایی آن حضرت را رو داد، پس چون آن حالت زایل شد، سوره را بر ما خواند و به آن عمل کرد و ما عمل کردیم». (۳)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سوره مائده یک جا نازل شد و هفتاد هزار ملک با آن نازل شدند». (۴)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که سوره مائده را بنویسد و در میان متاع یا صندوق خود بگذارد قماش و متاع او ایمن گردد از دزد، اگر چه در میان راه اندازند، و عاقبت یابد صاحبش از دردها و الم‌ها». (۵)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رفتم آن حضرت سوره مائده را می‌خواند، فرمود: بنویس،

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- اسب سیاه و سفید (فرهنگ فارسی امید).

۳- تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۰، در تفسیر سوره مائده.

۴- همان.

۵- جامع الاخبار و الآثار، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۳ و ۲.

نوشتم تا به آیه **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** رسید، به خواب رفت و باز صدای آن حضرت می آمد و من می نوشتم تا سوره تمام شد، چون بیدار شد از آن جا که به خواب رفته بود شروع کرد به خواندن، گفتم: شما خواندید تا آخر و من نوشتم فرمود: **اللَّهُ أَكْبَرُ**، آن جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ بود که بر تو خوانده، پس حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هفتاد آیه را از املائی پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نوشتم و شصت و چهار آیه را از املائی جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ». (۱)

﴿سورة الانعام﴾

به سند معتبر از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است که: «سورة **انعام** یک دفعه نازل شد و هفتاد هزار ملک آن را مشایعت کردند تا نزد حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آوردند، پس این سوره را تعظیم نمایید و بزرگ دانید که اسم اعظم الهی در هفتاد موضع این سوره هست و اگر مردم بدانند که در قرائتش چه فضیلت و ثواب هست هرگز ترک نمایند قرائتش را». (۲)

و از عبدالله بن عباس منقول است که: «کسی که سورة **انعام** را هر شب بخواند، در روز قیامت از جمله ایمنان باشد و به دیده خود هرگز جهنم را نبیند». (۳)

و به سند معتبر از حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است که: «سورة **انعام** را یک دفعه نازل ساختند و هفتاد هزار ملک مشایعت آن کردند و آواز بلند کرده بودند به تسبیح و تکبیر و تهلیل، تا به نزد حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱ - تفسیر فرات کوفی، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۲ - کافی، ج ۲، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۲.

۳ - تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۷۱، در تفسیر سوره انعام.

يَا مُعِيْثُ يَا مُعِيْثُ مَكْرَرٌ بَغُوِيْدٌ.

به حق خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، اگر این نماز بکنی و این دعا بخوانی و جمیع حاجتهای خود را بطلبی، البته روا کند»^(۱) و در طب الائمه از حضرت صادق علیه السلام، برای رفع خوره روایت کرده که «سوره انعام را با عسل بنویسند و بشویند و بخورند تا شفا یابند»^(۲).

﴿سورة الاعراف﴾

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره اعراف را در هر ماه بخواند، در روز قیامت از جمله جماعتی باشد از دوستان خدا، که حق تعالی در شأن ایشان فرموده است: خوفی بر ایشان نیست و اندوهناک نمی شوند، و اگر در هر جمعه بخواند او را در قیامت حساب نکنند و به درستی که آیات محکمات در آن بسیار است، پس قرائت این سوره را ترک ننمایید که گواهی می دهد در قیامت برای کسی که آن را خوانده باشد»^(۳).

و به سند معتبر از اصیغ بن نباته منقول است، «روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به حق آن خداوندی که محمد صلی الله علیه و آله را به راستی فرستاده است و اهل بیتش را گرامی داشته است؛ آنچه مردم طلب نمایند از آحرار، از برای سوختن یا غرق شدن یا دزدی یا گریختن چهارپا یا کنیز و غلام، البته در قرآن هست؛ پس هر که خواهد از من سؤال نماید. شخصی

۱ - مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۷۱. در تفسیر سوره انعام. فضل السورة

۲ - بحار، ج ۹۲، ص ۲۷۵، باب ۳۳، ح ۵ طب الائمه.

۳ - مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۹۳، در تفسیر سوره اعراف، فضل السورة.

برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! چیزی از قرآن به من تعلیم نما که مرا ایمن گرداند از سوختن و غرق شدن فرمود: «این دو آیه را بخوان»:

﴿إِنَّ وَلِيَّيَ اللّٰهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾.

هرکه این دو آیه را بخواند از سوختن و غرق شدن ایمن شود، پس شخصی خواند و آتش درخانه‌های همسایگانش افتاد و او سالم ماند و به خانه او آتش نیفتاد.

شخص دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! چهارپایی دارم و چموشی می‌کند و من از آن می‌ترسم. حضرت فرمود: «در گوش راستش این آیه را بخوان»:

﴿وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾.

پس آن شخص چنین کرد، چهار پایش نرم و هموار شد.

شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! در آن زمینی که من می‌باشم حیوانات درنده بسیار است و به خانه من داخل می‌شوند و تا حیوانی را ضایع نکنند در نمی‌روند؛ حضرت فرمود که: این دو آیه را بخوان:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ * فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾.

آن مرد این دو آیه را خواند، دیگر درنده‌ها به خانه‌اش نیامدند.

شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! در شکم من صفراپی به هم رسیده است آیا آیه‌ای هست که موجب شفا گردد؟ حضرت فرمود:

بلی، بی آن که درهم و دیناری خرج کنی به شکم خود آیه الکرسی بنویس و بشور و آن آب را بخور که این ذخیره باشد در شکم تو و باعث شفا می‌گردد به قدرت الهی.

شخص دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! برای گمشده چیزی به فرما، حضرت فرمود که: دو رکعت نماز بگزار و در هر دو رکعت سوره یس بخوان و بعد از آن بگو یا هَادِي الضَّالَّةِ رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي، آن مرد چنین کرد حق تعالی گمشده‌اش را به او برگردانید.

پس شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! بنده‌ای از من گریخته است فرمود که این آیه را بخوان:

﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَجْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾.

چون این آیه را خواند، غلامش برگشت.

پس شخص دیگری برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! حرزی برای دزدی بفرما که دزد مال مرا بسیار می‌برد در شب، حضرت فرمود: چون به میان رختخواب می‌روی بخوان ﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَأْتُوا﴾ آخر سوره بنی اسرائیل، بعد از آن حضرت فرمود: کسی که در شب در بیابانی تنها باشد و آیه سخره که ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ تا ﴿تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ است، بخواند ملائکه او را محافظت و حراست نمایند و شیاطین از او دور شوند.

پس شخصی این را شنید و شبی به ده خرابی افتاد، شب در آنجا ماند و فراموش کرد که این آیه را بخواند چون خوابید، دو شیطان آمدند یکی

دهانش را گرفت و رفیقش به او گفت که دست از او بردار و او را مهلت ده چون دست برداشت آن مرد بیدار شد و آیهٔ سخره را خواند آن شیطان که دهانش را گرفته بود گفت به دیگری که من دست برداشتم و آیه را خواند خدا بینی ات را بر خاک بمالد؛ الحال حراست و نگهبانیش بکن تا صبح، چون صبح شد به خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: در سخن تو شفا و راستی دیدم و حال شب خود را نقل کرد، و بعد از طلوع آفتاب به آن محلی که شب خوابیده بود برگشت اثر موی شیطان بر زمین ظاهر بود که موی خود را بر خاک کشیده و رفته بود». (۱)

﴿سورة الأنفال و سورة التوبة﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سورة انفال و براءت را در هر ماه بخواند هرگز نفاق بر او راه نیابد و از شیعهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام باشد». (۲)

﴿سورة یونس﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سورة یونس را در هر دو ماه یا سه ماه یک بار بخواند بیم آن نیست که از جملهٔ جاهلان گردد، و در قیامت از جمله مقربان باشد». (۳)

۱ - کافی، ج ۲، ص ۶۲۴، باب فضل القرآن، ح ۲۱.

۲ - مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۶۵، در تفسیر سورة انفال، فضل السورة.

۳ - همان، ج ۵، ص ۸۷، در تفسیر سورة یونس، فضل السورة.

﴿سورة هود﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره هود را در هر جمعه بخواند، حق تعالی او را در قیامت در زمرة پیغمبران مبعوث گرداند و در قیامت گناهی از او ظاهر نشود». (۱)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است: «هر که از غرق ترسد این آیات را بخواند:

﴿بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ بِسْمِ اللّٰهِ الْمَلِكِ
الْحَقِّ الْمُبِينِ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾. (۲)

﴿سورة يوسف﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره یوسف را در هر روز یا در هر شب بخواند در قیامت مبعوث شود جمال او مانند جمال حضرت یوسف علیه السلام باشد و در آن روز به او فزعی و خوفی نرسد و از نیکان بندگان صالح خدا باشد». (۳)

﴿سورة رعد﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بسیار سوره رعد را بخواند هر گز صاعقه به او نرسد و اگر چه ناصبی باشد، و اگر مؤمن باشد

۱- همان، ص ۱۴۰، در تفسیر سوره هود فضل السورة.

۲- خصال، ج ۲، ص ۶۱۹، باب اربعاء.

۳- مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۰۶، در تفسیر سوره یوسف، فضل السورة.

خدا او را داخل بهشت گرداند بی حساب، و شفاعت او را قبول فرماید در اهل بیت و برادران مؤمنش»^(۱).

﴿سورة ابراهيم و سورة الحجر﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سورة ابراهيم و سورة حجر را در دو رکعت نماز در هر جمعه بخواند، هر گز به او فقر و دیوانگی و بلیه عظیمی نرسد»^(۲).

﴿سورة النحل﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر کس سورة نحل را در همراه بخواند در دنیا به قرض مبتلا نشود و هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهل تر آنها دیوانگی و خوره و پیسی باشد و مسکن او در جنت عدن باشد که در میان بهشتها واقع است»^(۳).

﴿سورة بنی اسرائیل﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سورة بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند نمیرد تا قائم آل محمد صلوات الله علیهم را دریابد و از اصحاب او باشد»^(۴) و منقول است که عمر بن حنظله به حضرت

۱ - همان، ج ۶، ص ۲۷۳، در تفسیر سوره رعد، فضل السورة.

۲ - همان، ص ۳۰۱، در تفسیر سوره ابراهیم؛ فضل السورة.

۳ - همان، ج ۶، ص ۳۴۷، در تفسیر سوره نحل، فضل السورة.

۴ - همان، ج ۶، ص ۳۹۳، در تفسیر سوره بنی اسرائیل، فضل السورة.

صادق علیه السلام شکایت نمود از صداع، حضرت فرمود: دست بر بالای سرت بگذار و این دو آیه را بخوان:

﴿قُلْ لَوْ كَانَتْ مَعَهُ إِلَهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَا ابْتِغَاؤَ إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا*
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ
عَنْكَ صُدُودًا﴾. (۱)

﴿سورة الكهف﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره کَهَف را در هر شب جمعه بخواند نمیرد مگر شهید و خدا او را در زمره شهدا محشور گرداند و در قیامت با شهیدان بایستد». (۲)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هر که سوره کَهَف را در هر شب جمعه بخواند کفاره گناهانی باشد که از جمعه تا جمعه دیگر کرده است». (۳) و در روایت دیگر وارد شده است که کسی که در روز جمعه بعد از نماز ظهر و عصر بخواند همین ثواب را داشته باشد». (۴)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: «هر که آیه ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ را تا آخر سوره بخواند در وقت خواب، از خوابگاه او تا کعبه نوری ساطع گردد که میان او پرباشد از ملائکه و تاصبح از برای او استغفار کنند». (۵)

۱ - مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۲۵۲۰ مسلسل فی الاستشفاء بالقرآن.

۲ - مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۴۷، در تفسیر سوره کَهَف، فضل السورة.

۳ - همان.

۴ - همان.

۵ - همان.

و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است که: «هر که این آیه را در وقت خواب بخواند، هر وقت که خواهد بیدار شود». (۱)

﴿سورة مریم﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر سورة مریم، نمیرد تا آنچه خواهد در خود و مال و فرزند ببیند و در آخرت از اصحاب عیسی بن مریم باشد و در آخرت به او بدهند مثل مُلکی که حضرت سلیمان علیه السلام در دنیا داشته است». (۲)

﴿سورة طه﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ترک مکنید سورة طه را که خدا این سوره را دوست می‌دارد، و هر که این سوره را می‌خواند دوست می‌دارد، و کسی که بر قرائتش مداومت نماید حق تعالی در قیامت نامه‌اش را به دست راستش دهد و او را برگانهانی که در اسلام کرده است حساب نکند و در آخرت آن قدر مزد به او عطا فرماید که او راضی شود». (۳)

﴿سورة الانبیاء﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سورة انبیاء را بخواند از روی محبت و خواهش نسبت به آن سوره، در باغستانهای بهشت با همه

۱ - کافی، ج ۲، ص ۶۳۲، باب النوادر، ح ۲۱.

۲ - مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۰۰، در تفسیر سوره مریم، فضل السورة.

۳ - همان، ج ۷، ص ۱، در تفسیر سوره طه، فضل السورة.

پیغمبران رفاقت کند و در دنیا در نظر مردم با هیبت باشد». (۱)

﴿سورة الحج﴾

از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «هر که در هر روز یک مرتبه بخواند در آن سال توفیق حج یابد، و اگر در آن سفر بمیرد داخل بهشت شود. راوی پرسید که اگر سنی باشد چون است؟ فرمود: عذابش تخفیف می یابد». (۲)

﴿سورة المؤمنون﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در هر جمعه سوره مؤمنون بخواند، حق تعالی خاتمه او را به خیر گرداند و در فردوس اعلیٰ منزلش بامنزل پیغمبران باشد». (۳)

﴿سورة النور﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «حفظ نماید اموال و فروج خود را از حرام به تلاوت کردن سوره نور، و به این سوره زنان خود را نیز از حرام حفظ نماید؛ به درستی که هر که این سوره را در هر شب یا در هر روز مداومت نماید هیچ یک از اهل خانه او زنا نکنند تا او بمیرد؛ چون بمیرد هفتاد هزار ملک تا قبر، او را مشایعت نمایند که همه از برای او دعا کنند

۱- همان، ص ۳۸، در تفسیر سوره انبیاء فضل السورة.

۲- همان، ص ۶۸، در تفسیر سوره حج، فضل السورة.

۳- همان، ص ۹۸، در تفسیر سوره مؤمنون. فضل السورة.

استغفار نمایند تا او را به قبر گذارند».^(۱)

و به سند معتبر منقول است که: «شخصی از وجع^(۲) و ضعف چشم به حضرت امام موسی علیه السلام شکایت نمود، حضرت فرمود: آیه نور را سه مرتبه در جامی بنویس، آن را بشور و در شیشه ضبط کن و مکرر به دیده بکش راوی گفت: صد میل کمتر کشیدم که دیده ام صحیح تر از اول شد».^(۳)

﴿سورة الفرقان﴾

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که: «ترک مکن تلاوت سوره فرقان را، به درستی که هر که در شب این سوره را بخواند حق تعالی او را حساب و عذاب نکند و منزلش در فردوس اعلی باشد».^(۴)

﴿سور الطوا سین﴾

﴿شعراء، نمل و قصص﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سه طس را در شب جمعه بخواند، از اولیا و دوستان خدا باشد و در حفظ و حراست الهی باشد و در دنیا فقر و بدحالی به او نرسد و در آخرت از بهشت به او آن قدر بدهند که راضی باشد و زیاده از رضای او به او عطا فرمایند و حق تعالی صد زن از حورالعین

۱- همان، ج ۷ ص ۱۲۲، در تفسیر سورة نور. فضل السورة.

۲- رنج و درد (فرهنگ نوین).

۳- مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۲۵۳۱ مسلسل فی الاستشفاء بالقرآن، للشبکور، ح ۱.

۴- مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۹، در تفسیر سورة فرقان، فضل السورة.

به او کرامت فرماید».^(۱)

﴿سورة العنكبوت و سورة الروم﴾

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره **عنكبوت** و **روم** را در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان بخواند واللّه که از اهل بهشت است و در این حکم استثنا نمی‌کنم و نمی‌ترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم هست».^(۲)

﴿سورة لقمان﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «کسی که سوره **لقمان** را در شب بخواند حق تعالی در آن شب ملکی چند مۆکل گرداند بر او که او را از شیطان و لشکرهایش حفظ کند تا صبح شود و اگر در روز بخواند او را از شیطان و لشکرش حفظ نمایند تا شب».^(۳)

﴿سورة السجده﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره **سجده** را در هر شب جمعه بخواند، حق تعالی در قیامت نامه‌اش را به دست راست او دهد و او را حساب نفرماید، هر چند گناهکار باشد و در بهشت از رفقای محمد

۱- همان، ص ۱۸۳، در تفسیر سوره شعرا، فضل السورة.

۲- همان، ج ۸، ص ۲۷۱، در تفسیر سوره عنكبوت، فضل السورة.

۳- همان، ص ۳۱۲، در تفسیر سوره لقمان، فضل السورة.

اهل بیت او صلی الله علیهم باشد»^(۱).

﴿سورة الاحزاب﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره احزاب را بسیار تلاوت نماید در قیامت در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله باشد»^(۲)، بعد از آن فرمود: «در سوره احزاب فضایح بسیاری از مردان و زنان قریش و غیر ایشان بود و درازتر از سوره بقره بود ولیکن کم کردند و تحریف دادند»^(۳).

﴿سورة سبأ و سورة فاطر﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هرکس سوره سبأ و سوره فاطر را در شب بخواند در حفظ و حراست الهی باشد و اگر در روز بخواند در آن روز مکروهی به او نرسد و حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آن قدر به او کرامت فرماید که بر خاطرش خطور نکرده باشد و آرزوهایش به آن نرسیده باشد»^(۴).

۱ - همان، ج ۸ ص ۳۲۵، در تفسیر سوره سجده، فضل السورة.

۲ - همان، ص ۳۳۴، در تفسیر سوره احزاب، فضل السورة.

۳ - ثواب الاعمال صدوق، ص ۱۳۷، باب قرآن ثواب السور، بحار الانوار، ج ۹۲، باب ۵۵، ص ۲۸۸

توضیح: چنین روایاتی که دلالت بر تحریف یا زیاده و نقصان قرآن دارد از درجه اعتبار ساقط است. زیرا مطابق نصوص و روایات معتبره و شهادت خود قرآن، این کتاب آسمانی از هرگونه تحریفی مصون و محفوظ است، و اعتقاد شیعه بر این است که در قرآن هیچگونه تحریف یا تغییر، و زیاده یا نقصانی اتفاق نیفتاده است. رجوع شود به کتاب «تدوین القرآن»، تألیف حجة الاسلام و المسلمین علی کورانی عاملی.

۴ - مجمع البیان، ج ۸ ص ۳۷۵، در تفسیر سوره سبأ، فضل السورة.

و به سند معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت خواب این آیه را بخواند:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾.
خانه بر سرش خراب نشود».^(۱)

و به سند معتبر دیگر منقول است که: «شخصی از اهل مرو به خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت نمود از درد سر، حضرت فرمود: نزدیک بیا، پس دست بر سر او گذاشتند و این آیه را خواندند: إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ تَا آخِر آیه».^(۲)

﴿سورة یس﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر چیزی را قلبی است و قلب قرآن سوره یس است؛ هر که این سوره را در روز بخواند در آن روز از بلاها محفوظ باشد و خدا او را روزی فراوان عطا فرماید تا شام، و کسی که در شب پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک رابه او موکل گرداند که او را از شر هر شیطان مردودی و هر آفتی حفظ نمایند، و اگر در روز بمیرد حق تعالی او را داخل بهشت گرداند و در غسل او سی هزار ملک حاضر شوند که از برای او استغفار کنند و مشایعت او نمایند تا قبرش با استغفار، و چون در لحدش گذارند آن ملائکه در میان قبرش ساکن گردند و عبادت الهی کنند و ثواب عبادت ایشان از آن او باشد، و قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند، و

۱ - من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۰ باب النوادر، فی وصایا النبی صلی الله علیه و آله.

۲ - مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۳۲، فی استجابة دعواته.

او را ایمن گرداند از فشار قبر، و پیوسته از قبر او نوری ساطع باشد تا اطراف آسمان تا وقتی که از قبر بیرون آید، پس حق تعالی او را از قبر بیرون آورد آن سی هزار ملک با او باشند و مشایعت او نمایند و با او سخن گویند و بر رویش خنده کنند و به هر خیری او را بشارت دهند تا او را از صراط و میزان بگذرانند و او را در مقام قرب به محلی بدارند که هیچ خلقی قُربش از او بیشتر نباشد مگر ملائکهٔ مقرب و پیغمبر مرسل، و او با پیغمبران بایستد نزد حق تعالی.

و در هنگامی که مردم اندوه داشته باشند او اندوه نداشته باشد، و در حالتی که مردم جزع نمایند او جزع نکند، پس پروردگار عالم به او خطاب فرماید که: ای بندهٔ من! هر که را خواهی شفاعت کن که شفاعت تو را قبول می‌نمایم و هر سوالی که خواهی از من بکن که سوالت را رد نمی‌کنم؛ پس او شفاعت کند و خدا قبول نماید، و او سؤال کند و خدا عطا فرماید، و دیگران را حساب کنند و او را حساب نکنند، و با دیگران در مقام حسابش باز ندارند و مذلت و خواری در آن صحرا به او نرسد و هیچ گناهی از گناهان او را نگیرند، پس نامهٔ خود را بگیرد و به جانب بهشت روان شود، پس مردم تعجب کنند که سبحان الله! این بنده را هیچ گناه نبوده و از رفیقان پیغمبر آخر الزمان ﷺ باشد. (۱)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در عمر خود یک مرتبه سورهٔ یس را بخواند حق تعالی به عدد هر خلقی که در دنیا است و هر خلقی که در آخرت است و هر خلقی که در میان آسمان

است به عدد هر یک از ایشان دو هزار هزار حسنه از برای او بنویسد، و دو هزار هزار گناه از او محو فرماید و فقر و قرض و خانه بر سرش فرود آمدن و به تعب و مشقت و دیوانگی و خوره و وسواس و دردهای ضرر رساننده مبتلا نشود، و حق تعالی سكرات و احوال مرگ را از او تخفیف دهد، و خود قبض روح او نماید و ضامن شود از برای او فراخی روزی را، در قیامت او را شاد گرداند و چندان ثواب به او کرامت فرماید که او راضی شود و حق تعالی خطاب فرماید به ملائکه آسمانها و زمین که من از فلان بنده راضی شدم برای او استغفار نمایم»^(۱).

و به سند دیگر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام از بواسیر شکایت نمود، حضرت فرمود: یمنی را با عسل بنویس و حل کن و بخور»^(۲).

و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «از برای رفع لکهای سفید و برص که در بدن به هم رسد، سوره یمنی را با عسل بنویسند و بیاشامند»^(۳).

و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «تعلیم نمایم [به] فرزندان خود سوره یمنی را که آن گلدسته قرآن است»^(۴).

۱ - ثواب الاعمال، صدوق، ج ۱، ص ۱۳۹، فی ثواب قرائت سور.

۲ - مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۲۲۴، ۲۵۴۴ مسلسل.

۳ - همان، ص ۲۲۷، ح ۲۵۴۸ مسلسل.

۴ - امالی طوسی، ص ۶۷۷، مجلس ۳۷، ح ۱۳.

﴿سورة الصافات﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره **الصافات** را در هر روز جمعه بخواند، پیوسته از جمیع آفتها و بلاها محفوظ باشد و در دنیا روزیش فراخ باشد و به بدن و مال و فرزندانش مکروهی نرسد نه از شیطان مردودی و نه از جبار معاندی، و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد خدا او را شهید بمیراند و شهید مبعوث گرداند و با شهیدان او را داخل بهشت گرداند و در درجه شهیدان او را جای دهد»^(۱)

و به سند معتبر از سلیمان جعفری منقول است که: «حضرت امام موسی علیه السلام به فرزند خود قاسم فرمود: برخیز ای فرزند! بر بالای سر برادرت سوره **الصافات** بخوان تا تمام کنی، او شروع به خواندن کرد چون به آیه **﴿أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا﴾** رسید قبض روحش شد، چون جامه بر روی میت کشیدند و بیرون آمدند، یعقوب بن جعفر به حضرت عرض کرد: چنین می دانستم که برای آسانی جان کندن، سوره یس را می باید خواند و شما فرمودید که **الصافات** بخوانیم حضرت فرمود: **الصافات** را بر سر هر کس که به شدت جان کندن گرفتار باشد بخوانند، البته حق تعالی راحتش را نزدیک می گرداند»^(۲)

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که از گزیدن عقب ترسد این آیات را بخواند:

﴿سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ

۱ - مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۳۶، در تفسیر سوره صافات، فضل السورة.

۲ - کافی، ج ۲، ص ۱۲۶، کتاب الجنایز، باب اذا عسر علی الميت، ح ۵.

عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱﴾.

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی خواهد که او را در قیامت به کیل وافی ثواب کامل بدهند، باید که بعد از هر نماز این آیه را بخواند:

﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾. (۲)

و در حدیث دیگر وارد شده است که «از هر مجلس که برخیزند و این آیه را بخوانند کفاره گناهان آن مجلس می شود». (۳)

﴿سورة ص﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ص را در شب جمعه بخواند حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آن قدر به او عطا فرماید که به هیچ احدی از خلق عطا نفرموده باشد مگر به پیغمبر مرسلی یا ملک مقربى و او را داخل بهشت گرداند و هر که را او خواهد از اهل خانه اش حتی خادمی که او را خدمت می کرده است». (۴)

﴿سورة الزُّمَر﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره زمر را بخواند حق

۱- خصال، ج ۲، ص ۶۱۹ حدیث اربعمأة.

۲- قرب الاسناد، ص ۳۳، ح ۱۰۷، احادیث متفرقة.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۳۸، باب ۹۸، ح ۶۳ ح م ۱۱۳۲.

۴- مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۶۳، در تفسیر سوره ص، فضل السورة.

تعالی شرف دنیا و آخرت به او کرامت فرماید و او را عزیز گرداند بی‌مال و خویشان، به حدی که هر که او را ببیند از او مهابتی در دلش به هم رسد و بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند، و در بهشت از برای او هزار شهر بنا کنند که در هر شهری هزار قصر باشد و در هر قصری صد حوریه و از چشمه‌ها و حوران و درختان و میوه‌ها آنچه در قرآن وصف فرموده به او کرامت فرماید»^(۱).

﴿سور الحوامیم﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سوره‌های «حُمَم» گلستان قرآنند، پس حمد بگویند و شکر کنید خدا را به حفظ کردن و تلاوت نمودن آنها. و به درستی که بنده بر می‌خیزد و «حُمَم»ها را تلاوت می‌نماید، و از دهان او شمیمی بیرون می‌آید، خوشبوتر از مشک ناب و عنبر. و به درستی که هر که در هر روز این سوره‌های شریف را تلاوت نماید، حق تعالی رحمت می‌فرستد بر او و بر همسایگان و دوستان و آشنایان و جمیع اقربا و خویشان او. و در قیامت برای او استغفار می‌کنند عرش و کرسی و ملائکه مقربان»^(۲).

و به سند دیگر، از آن حضرت منقول است که: «هر که حوامیم^(۳) را در شبی پیش از خوابیدن بخواند، در بهشت در درجه محمد و آل محمد و

۱- همان، ص ۴۸۷، در تفسیر سوره زمر، فضل السورة.

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۴۱، مکتبة الصدوق.

۳- سوره‌های حوامیم، یعنی هفت سوره‌ای که با حروف مقطعه «حُمَم» شروع می‌شوند: از سوره مؤمن (۴۰) تا سوره احقاف (۴۶).

ابراهیم و آل ابراهیم علیهم السلام باشد».^(۱)

و فرمود که: «حوامیم بیایند در روز قیامت به صورت خوشروترین مردم و خوشبوترین آنها با هزار هزار ملک، تا بایستند نزد عرش حق تعالی، پس ربّ اعلیٰ خطاب کند ایشان را که، کی شما را تلاوت می‌کرد و حق تلاوت شما را ادا می‌نمود؟

پس گروه بسیار بر خیزند که عدد ایشان را به غیر از خدا نداند. و خدا خطاب نماید ایشان را که، خوب کردید و نیکو تلاوت کردید «حوامیم» را در زندگانی دنیا، به عزت و جلال خود سوگند یاد می‌کنم که امروز هر حاجتی که از من بطلبید روا [خواهم کرد] اگر چه جمیع بهشت باشد و جمیع آنچه به بندگان [شایسته] خود داده‌ام.

پس هر چه ایشان سؤال و آرزو کنند، حق تعالی به ایشان تفضل کند. پس ایشان را به سوی منازل ایشان فرستد، که در بهشت برای ایشان مقرر ساخته. و مهیا کند برای ایشان در آن منازل آنچه چشمی ندیده و گوشی نشنیده و در خاطری خطور نکرده».^(۲)

﴿سورة المؤمن﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره مؤمن را در هر شب بخواند حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیمارزد و ایمان را از او سلب ننماید و آخرت را برای او بهتر از دنیا گرداند».^(۳)

۱- نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۱۰، روایت ۶ به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم قمی.

۲- همان.

۳- مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۱۲، در تفسیر سوره مؤمن، فضل السورة.

﴿سورة حم سجده﴾

از حضرت صادق ع منقول است که: «هر که **حم سجده** را بخواند حق تعالی در قیامت او را نوری عطا فرماید آن قدر که چشم کار کند، و او را سرور و شادی در آن روز کرامت فرماید، و در دنیا به حالی باشد که دیگران آرزوی حال او کنند.»^(۱) و در روایتی است که: «هر که این سوره را در شب جمعه بخواند، حق تعالی این ثواب او را کرامت فرماید.»

﴿سورة حمعسق﴾

از حضرت صادق ع منقول است که: «هر که مداومت نماید بر قرائت سوره حمعسق، چون در قیامت مبعوث شود روی او مانند برف سفید باشد و مانند آفتاب نورانی و چون به نزد عرش آید حق تعالی فرماید: ای بنده من! مداومت نمودی بر قرائت حمعسق و نمی دانستی که چه ثواب دارد و اگر منزلت آن سوره و ثوابش را می دانستی هرگز از خواندن او ملال به هم نمی رسانیدی و اکنون جزای خود را خواهی دانست. ای ملائکه! او را داخل بهشت گردانید و از برای او قصری مقرر ساخته‌ام از یاقوت سرخ، و درها و کنگره‌ها و دریچه‌هایش از یاقوت سرخ است، و از لطافت از اندرون بیرون را می توان دید و از بیرون اندرون را می توان دید، و در آن قصر دختران باکره جوان از حورالعین و هزار کنیز و هزار غلام از پسران گوشواره در گوش، یاپیوسته در حسن پاینده، به او عطا کرده‌ام.»^(۲)

۱- همان، ج ۹، ص ۳، در تفسیر سوره سجده، فضل السورة.

۲- همان، ص ۲۰، در تفسیر سوره حمعسق، فضل السورة.

﴿سورة حم زخرف﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر قرائت سوره حم زخرف، خدا او را در قبر از جانوران زمین و از فشار قبر ایمن گرداند و چون او را به مقام حسنات بیاورند، به امر الهی او را داخل بهشت گردانند». (۱)

﴿سورة الدخان﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره دخان را در نمازهای واجب و سنت بخواند، حق تعالی او را در زمره ایمان مبعوث گرداند و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب او را آسان کند و نامه او را بدست راست او دهند». (۲)

و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض نمود که چگونه شب قدر را بشناسم؟ فرمود که چون ماه مبارک رمضان بیاید هر شب صد مرتبه سوره دخان را بخوان، چون شب بیست و سوم شود تصدیق خواهی نمود به آنچه سؤال نمودی». (۳)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که: «هر که این سوره را در شب جمعه بخواند، حق تعالی گناهان او را بیامرزد». (۴)

۱- همان، ص ۳۸، در تفسیر سوره زخرف، فضل السورة.

۲- همان، ص ۶۰، در تفسیر سوره دخان، فضل السورة.

۳- کافی، ج ۱، ص ۲۵۲، کتاب الحجة فی شأن لیلۃ القدر، ذیل حدیث ۸

۴- مجمع البیان، ج ۹، ص ۶۰، در تفسیر سوره دخان، فضل السورة.

﴿سورة الجاثیه﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سورة جاثیه را بخواند ثوابش آن است که جهنم را نبیند و آواز خروشش را نشنود و با رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده باشد». (۱)

﴿سورة الأحقاف﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در هر شب یا در هر جمعه سورة احقاف را بخواند، در دنیا خوفی به او نرسد و از فزع روز قیامت ایمن گردد». (۲)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سوره‌های هم ریاحین بهشتند، پس چون توفیق خواندن آنها بیابید خدا را حمد و شکر بسیار کنید که توفیق تلاوت آنها به شما کرامت فرموده، به درستی که بنده‌ای که از خواب برخیزد و در نماز حوامیم بخواند از دهانش نسیمی خوشبوتر از مشک و عنبر بیرون آید و به درستی که حق تعالی رحم می‌کند تلاوت کننده و خواننده این سوره‌ها را و رحم می‌کند همسایگان و آشنایان و مصاحبان و خویشان او را در روز قیامت، عرش و کرسی و ملائکه مقرب از برای او استغفار می‌نمایند». (۳)

۱- همان، ص ۷۰، در تفسیر سوره جاثیه، فضل السورة.

۲- همان، ص ۸۱، در تفسیر سوره احقاف، فضل السورة.

۳- ثواب الاعمال، ص ۱۴۱، باب قرأته السور، باب ثواب قرأته حوامیم.

﴿سورة محمد ﷺ﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اَلَّذِينَ كَفَرُوا را بخواند، گناه نکند و در دین خود شک به هم نرساند و به فقر هرگز مبتلا نشود و هرگز از پادشاهی خوفی به او نرسد و همیشه از شرک و کفر محفوظ باشد تا بمیرد، و چون بمیرد حق تعالی هزار ملک به قبر او فرستد که نماز کنند و ثواب نماز ایشان از او باشد و چون از قبر بیرون آید، آن هزار ملک او را مشایعت کنند تا او را به محل ایمنان از خوفهای قیامت بدارند و در امان خدا و رسول ﷺ باشد»^(۱).

﴿سورة الفتح﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حفظ نماید اموال و زنان و بندهای خود را به خواندن سوره انا فتحنا، به درستی که کسی که برخواندن این سوره مداومت نماید در روز قیامت منادی از جانب رب العزه او را ندایی کند که همه خلائق بشنوند که تو از بندگان مخلص مایی. ای ملائکه! او را ملحق گردانید به بندگان شایسته من و او را داخل بهشت جاوید کنید و از شراب سر به مهر بهشت که با کافور ممزوج است به او بخوراند»^(۲).

و در بعضی روایات وارد شده است که: «هر که در شب ماه مبارک رمضان سوره انا فتحنا در نماز سنت بخواند در آن سال از بلاها محفوظ

۱ - مجمع البیان ج، ۹، ص ۹۵، در تفسیر سوره محمد ﷺ فضل السوره.

۲ - ثواب الاعمال، ص ۱۴۲ باب ثواب قرائت السور، ثواب قرائت سوره فتح.

باشد»^(۱).

و در حدیث دیگر منقول است که: «هر که در روز اول ماه مبارک رمضان دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اول بعد از حمد انا فتحنا و در رکعت دوم حمد و هر سوره که خواهد بخواند، حق تعالی از او دور گرداند هر بدی را که در آن سال است، و پیوسته در حفظ و حمایت الهی باشد تا سال آینده»^(۲).

﴿سورة الحُجرات﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره حجرات را بخواند در هر شبی یا در هر روزی، در بهشت از جماعتی باشد که به زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مشرف می شوند»^(۳).

﴿سورة ق﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره ق در نمازهای واجب و سنت، خدا روزی او را فراخ گرداند و نامه اش را بدست راست او دهد و او را حساب آسان کند»^(۴).

﴿سورة الذاریات﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ذاریات را در روز یا

۱ - اقبال الاعمال، ص ۲۲، در اعمال شب اول ماه رمضان.

۲ - همان، ص ۸۷، در اعمال روز اول ماه رمضان.

۳ - مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۸، در تفسیر سوره حجرات، فضل السورة.

۴ - همان، ص ۱۴۰، در تفسیر سوره ق، فضل السورة.

در شب بخواند خدا امر معیشت او را به اصلاح آورده و روزی او را وسعت دهد، و منور گرداند قبر او را به چراغی که نور بخشد تا روز قیامت». (۱)

﴿سورة الطور﴾

از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که سوره طور را بخواند، حق تعالی خیر دنیا و آخرت را برای او جمع نماید». (۲)

﴿سورة النجم﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره نجم را در هر شب یا در هر روز بخواند، در میان مردم به خیر و نام نیک زندگی نماید و گناهانش آمرزیده شود و محبوب دل‌های مردم گردد». (۳)

﴿سورة القمر﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اقتربت الساعة را بخواند، چون از قبر بیرون آید بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشت سوار شود». (۴)

۱- همان، ص ۱۵۱، در تفسیر سوره ذاریات. فضل السورة.

۲- همان، ص ۱۶۲، در تفسیر سوره طور، فضل السورة.

۳- همان، ص ۱۷۰، در تفسیر سوره نجم، فضل السورة.

۴- همان، ص ۱۸۴، در تفسیر سوره اقتربت، فضل السورة.

﴿سورة الرَّحْمَنِ﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ترک نکنید قرائت سوره الرحمن را و خواندن آن را در نماز، به درستی که این سوره در دل منافقان قرار نمی‌گیرد، و حق تعالی این سوره را در روز قیامت به بهترین صورتهای در نهایت خوشبویی در صحرای محشر حاضر می‌گرداند و می‌آید در محل قرب و کرامت می‌ایستد، حق تعالی به او خطاب می‌فرماید: کی در زندگانی دنیا تو را در نماز می‌خواند و مداومت می‌نمود خواندن تو را؟ می‌گوید: خداوند فلان و فلان، پس حق تعالی روهای ایشان را سفید می‌گرداند و می‌فرماید: هر که را خواهید شفاعت نمایید؛ پس ایشان آن قدر که خواهند شفاعت می‌نمایند، پس به ایشان می‌گویند که داخل بهشت شوید و در هر جا که خواهید ساکن شوید.»^(۱)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «مستحب است که بعد از نماز صبح و روز جمعه سوره الرحمن را بخوانی و هر مرتبه که بگویی فَبَائِ الْأَءِ رَبِّكُمْ تُكذَّبَانِ بگویی لَا بِشَيْءٍ مِنْ الْأَيْكُ رَبِّ أَكْذَبُ.»^(۲)

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: «هر که سوره الرحمن را بخواند و در هر مرتبه که بگوید، فَبَائِ الْأَءِ رَبِّكُمْ تُكذَّبَانِ بگوید لَا بِشَيْءٍ مِنْ الْأَيْكُ رَبِّ أَكْذَبُ اگر در شب بخواند و در آن شب بمیرد، شهید مرده و اگر در روز بخواند و در آن روز بمیرد، شهید مرده باشد.»^(۳)

۱- همان، ص ۱۹۵، در تفسیر سوره الرحمن، فضل السورة.

۲- همان.

۳- ثواب الاعمال، ص ۱۴۴، ثواب قرائة السور، ثواب قرائة الرحمن.

﴿سورة الواقعة﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در هر شب جمعه سوره **واقعه** بخواند خدا او را دوست دارد و مردم را دوست او گرداند و در دنیا بدحالی و فقر و احتیاج نبیند و به هیچ آفتی و بلایی مبتلا نشود و از رفقای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و این سوره مخصوص آن حضرت است». (۱)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که مشتاق بهشت و وصف آن باشد سوره **اذا وقعت** را بخواند و هر که خواهد وصف جهنم را ملاحظه نماید سوره **الم سجده** را بخواند». (۲)

و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره **واقعه** را در هر شب پیش از آن که بخوابد بخواند، در قیامت روی او مانند ماه شب چهارده نورانی باشد». (۳)

و به سند معتبر از اسماعیل بن عبدالحق منقول است که: «حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز نشسته می کردند، و در آن دو رکعت صد آیه می خواندند و می فرمودند: هر که این دو رکعت را بخواند و صد آیه در این دو رکعت بخواند، او را در آن شب از غافلان نویسند و اسماعیل گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این دو رکعت وتیره **اذا وقعت و قل هو الله** می خواندند». (۴)

۱ - مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۲، در تفسیر سوره واقعه، فضل السورة.

۲ - ثواب الاعمال، ص ۱۴۴، ثواب قرآن السور، ثواب قرآنة الواقعة، ح ۲.

۳ - مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۲، در تفسیر سوره واقعه، فضل السورة.

۴ - بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۰۸، باب ۵، ح ۵، نقل از فلاح السائل.

و از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که در هر شب این سوره را بخواند، هرگز فقیر و پریشان نشود».^(۱)

﴿سورة الحديد و مجادله﴾

از حضرت صادق ع منقول است که: «هر که سوره حديد و مجادله را در نماز فریضه بخواند و مداومت نماید خدا او را عذاب نکند و در خودش و اهلش بدحالی و احتیاج نبیند».^(۲)

﴿سورة الحشر﴾

از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که سوره حشر را بخواند جمیع خلق خدا از بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و حجب و آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و هوا و باد و مرغان و درختان و کوهها و آفتاب و ماه و ملائکه همه بر او صلوات فرستند و از برای او استغفار کنند و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد با شهادت مرده باشد».^(۳)

﴿سورة الممتحنة﴾

از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و سنت بخواند، خدا دل او رابه ایمان امتحان نماید و دیده اش را نور بدهد و خود و فرزندانش را به فقر و دیوانگی

۱ - مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۲، در تفسیر سوره واقعه، فضل السوره.

۲ - همان، ص ۲۲۹، در تفسیر سوره حديد، فضل السوره.

۳ - همان، ص ۲۵۵، در تفسیر سوره حشر، فضل السوره.

مبتلا نکند». (۱)

﴿سورة صف﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره صف در نمازهای واجب و سنت، خدا او را در صف ملائکه و انبیاء علیهم السلام جا دهد». (۲)

﴿سورة الجمعة و سورة المنافقين﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «واجب و لازم است بر هر که شیعه ما باشد که در نماز شام و خفتن شب جمعه، سوره جمعه و **سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى** بخواند و در نماز ظهر، سوره جمعه و **مَنَافِقِينَ** بخواند، چون چنین کند؛ چنان باشد که به عمل حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عمل نموده باشد، و ثواب او نزد خدا بهشت باشد». (۳)

﴿سورة تغابن﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره **تَغَابِنَ** را در هر نماز واجبی بخواند، آن سوره روز قیامت شفیع او باشد و گواه عادل باشد که شهادت دهد برای او نزد کسی که شهادت او را قبول فرماید. و از او جدا

۱- همان، ص ۲۴۷، در تفسیر سوره ممتحنه، فضل السورة.

۲- همان، ص ۲۷۷، در تفسیر سوره صف، فضل السورة.

۳- همان، ج ۱۰، ص ۲۸۳، در تفسیر سوره جمعه، فضل السورة.

نشود تا او را داخل بهشت گرداند»^(۱).

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره‌های مسبحات را همه پیش از خواب بخواند، نمیرد تا حضرت قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین را درک نماید، و اگر بمیرد او را در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم جادهند»^(۲).

﴿سورة الطلاق و التَّحْرِيم﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره طلاق و تحریم را در نماز واجب بخواند، خدا او را در قیامت پناه دهد از خوف و اندوه، و از آتش جهنم عافیت یابد. و او را داخل بهشت گرداند به سبب تلاوت کردن و محافظت نمودن حرمت این دو سوره، زیرا این دو سوره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اند»^(۳).

﴿سورة الملک﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره تبارک الذی بیده الملک را در شب در نماز واجب پیش از خواب بخواند، پیوسته در امان الهی باشد تا صبح شود، و در روز قیامت در امان الهی باشد تا داخل بهشت شود»^(۴).

۱- همان، ج ۱۰، ص ۲۹۶، در تفسیر سوره تغابن، فضل السورة.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، باب فضل القرآن، ح ۳.

۳- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۰۲، در تفسیر سوره طلاق، فضل السورة.

۴- همان، ص ۳۲۱، در تفسیر سوره ملک، فضل السورة.

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «سوره **ملك** مانعی است که از عذاب قبر منع می‌کند و نامش در تورات سوره **الملك** است، و هر که در شب بخواند بسیار عبادت و تلاوت کرده و نیکو کرده است، و در آن شب او را از غافلان ننویسند، و به درستی که من در نماز و تیره بعد از نماز خفتن، نشسته می‌خوانم و پدرم در روز و شب هر دو را می‌خواند.»

و هر که این سوره را بخواند چون نکیر و منکر به قبر او درآیند چون از جانب پاهایش بیایند پاها به ایشان گویند که شما را از جانب ما راهی نیست؛ زیرا این بنده هر شب و روز برپا می‌ایستاد و سوره **ملك** را می‌خواند، و چون از جانب شکمش بیایند، شکمش به ایشان خطاب نماید که شما را از جانب من راهی نیست، به درستی که این بنده در من جاداده بود سوره **ملك** را، و چون از جانب زبان بیایند به ایشان گوید که شما را از جانب من راهی نیست، زیرا که این بنده هر شب و روز سوره **ملك** را تلاوت می‌نموده و بر من جاری می‌ساخت.»^(۱)

﴿سورة قلم﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره **ن والقلم** را در نماز فریضه یا نافله بخواند، خدا او را ایمن گرداند از این که هرگز به فقر مبتلا شود، و چون بمیرد او را از فشار قبر نجات دهد.»^(۲)

۱- همان، ص ۳۲۰، در تفسیر سوره **ملك**، فضل السورة.

۲- همان، ص ۳۳۰، در تفسیر سوره **قلم**، فضل السورة.

﴿سورة الحاقّة﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بسیار بخوانید سوره حاقّه را، به درستی که خواندن آن در فرایض و نوافل از ایمان به خدا و رسول است، زیرا این سوره در واقعه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و معاویه علیه الهامیه نازل شده است و هر که این سوره را بخواند تا هنگام مردن ایمان از او برطرف نشود». (۱)

﴿سورة المعارج﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بسیار بخوانید سوره سنل سائل را، که هر که این سوره را بسیار بخواند، حق تعالی در قیامت از هیچ گناه از او سؤال ننماید و او را در بهشت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ساکن گرداند». (۲)

﴿سورة نوح﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که ایمان به خدا و خواندن قرآن دارد، باید که خواندن سوره نوح علیه السلام را ترک ننماید، به درستی که هر بنده که این سوره را برای خدا در نماز واجبی و سنتی بخواند، خدا او را در مساکن نیکوکاران ساکن گرداند و سه بهشت دیگر او را کرامت فرماید و دویست حوریه و چهار هزار زن به او تزویج فرماید». (۳)

۱ - همان، ص ۳۴۲، در تفسیر سوره الحاقّه، فضل السوره.

۲ - همان، ص ۲۵۱، در تفسیر سوره المعارج، فضل السوره.

۳ - همان، ص ۲۵۹، در تفسیر سوره نوح، فضل السوره.

﴿سورة الجن﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره جن را بسیار بخواند، در دنیا از چشم جنیان و دمیدن‌ها و سحر و مکرایشان محفوظ باشد، و در بهشت از رفقای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باشد». (۱)

﴿سورة المزمل﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره مزمل را در نماز خفتن یا در نماز شب بخواند، شب و روز و آن سوره هر سه شاهد و گواه او باشند در قیامت، و خدا او را با زندگانی نیکو زنده دارد، و به مردن نیکو بمیراند». (۲)

﴿سورة المدثر﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در نماز واجب سوره مدثر را بخواند، بر خدا لازم است که او را در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم جا دهد، و در زندگانی دنیا هرگز شقاوت، او را در نیابد». (۳)

﴿سورة القيامة﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید سوره لا اقسَم را و به آن عمل نماید خدا او را با حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم محشور

۱- همان، ص ۳۶۵، در تفسیر سوره جن، فضل السورة.

۲- همان، ص ۳۷۵، در تفسیر سوره مزمل، فضل السورة.

۳- همان، ص ۳۸۳، در تفسیر سوره مدثر، فضل السورة.

گرداند در بهترین صورتهای، و آن حضرت او را بشارت فرماید و بر رویش خندد تا از صراط و میزان او را بگذراند»^(۱).

﴿سورة الدَّهْرِ﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هرکه سورهٔ هل اتی علی الإنسان را در هر صبح پنجشنبه بخواند، خدا به او هشتصد دختر باکره و چهار هزار زن و حورالعین کرامت فرماید و با حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باشد»^(۲).

و به سند معتبر از علی بن عمر منقول است که: «به خدمت امام علی النقی علیه السلام رفتم در روز سه شنبه، حضرت فرمود که دیروز تو را ندیدم! گفتم: نخواستم در روز دوشنبه حرکت کنم، حضرت فرمود: هر که خواهد که خدا او را از شرّ روز دوشنبه نگاه دارد باید در رکعت اول نماز صبح آن روز سورهٔ هل اتی علی الإنسان بخواند، چنانچه حق تعالی در آن سوره می فرماید: «پس خدا ایشان را نگاه داشت از شرّ آن روز و به استقبال ایشان فرستاد نصرت و خوشحالی و سرور و شادی را»^(۳).

و در حدیث رجاء بن ضحاک وارد است که: «حضرت امام رضا علیه السلام در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه، در رکعت اول ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ مِی خواندند و در رکعت دوم هَلْ أَتَىكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾»^(۴).

۱- همان، ص ۳۹۳، در تفسیر سوره قیمة، فضل السورة.

۲- همان، ص ۴۰۲، در تفسیر سوره انسان، فضل السورة.

۳- امالی طوسی، ص ۲۲۴، مجلس ۸، ح ۳۹.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۵.

﴿سورة المرسلات و النبأ و سورة النازعات﴾

از حضرت صادق ع منقول است که: «هر که سوره و المرسلات را بخواند، حق تعالی میان او و حضرت رسول صلی الله علیه و آله را آشنایی بیندازد». (۱)
 «و هر که هر روز سوره **عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ** را بخواند، از دنیا نرود تا توفیق زیارت کعبه بیابد». (۲) «و هر که سوره **نازعات** را بخواند نمیرد مگر سیراب، و مبعوث نشود مگر سیراب، و داخل بهشت نشود مگر سیراب». (۳)

﴿سورة عبس و سورة كوزت﴾

از حضرت صادق ع منقول است که: «هر که سوره **عبس و تولى** و سوره **اذا الشمس كوزت** را بخواند، در حفظ الهی باشد از خیانت، و در سایه کرامت و مرحمت الهی باشد تا زنده [است]». (۴)

﴿سورة الأنفطار و سورة المطففين و سورة الأنشاق﴾

از حضرت صادق ع منقول است که: «هر که سوره **اذا السماء انفطرت** و **اذا السماء انشقت** را در فریضه یا نافله بسیار بخواند، خدا هیچ حاجت او را رد ننماید و او را هیچ مانعی از خدا دور نگرداند در آخرت، پیوسته او نظر به کرامتهای الهی نماید و خدا نظر رحمت به او بدارد تا از حساب خلائق

۱ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۴، در تفسیر سوره مرسلات، فضل السورة.

۲ - همان، ص ۴۲۰، در تفسیر سوره نبأ، فضل السورة.

۳ - همان، ص ۴۲۸، در تفسیر سوره نازعات، فضل السورة.

۴ - همان، ص ۴۳۵، در تفسیر سوره عبس، فضل السورة.

فارغ شود»^(۱).

و به سند دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در نماز واجب سوره ویل للمطففین بسیار بخواند، حق تعالی در قیامت برات ایمنی از آتش جهنم به او کرامت فرماید و او را بی حساب به بهشت برد»^(۲).

﴿سورة البروج﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره والسَّمَاء ذات البروج را در فرایض بخواند، چون سوره پیغمبران است، حق تعالی او را در قیامت با پیغمبران و مرسلان و صالحان محشور گرداند و با ایشان او را باز دارد»^(۳).

﴿سورة الطارق﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره والسَّمَاء والطارق را در فرایض بخواند، او را در قیامت نزد خدا قدر و منزلت عظیم بوده باشد و از رفقای پیغمبران باشد در بهشت»^(۴).

﴿سورة الأعلى﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره سَبَّح اسم رَبِّكَ

۱ - همان، ص ۴۴۷، در تفسیر سوره انفطار، فضل السورة.

۲ - همان، ص ۴۵۱، در تفسیر سوره مطففین، فضل السورة.

۳ - همان، ص ۴۶۳، در تفسیر سوره بروج، فضل السورة.

۴ - همان، ص ۴۶۹، در تفسیر سوره طارق، فضل السورة.

الأعلى را در فریضه یا نافله بخواند، در روز قیامت به او گویند که از هر در از درهای بهشت که می خواهی داخل شو». (۱)

﴿سورة الغاشية﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره هَلْ أَتِيكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ در نماز واجب یا سنّت، خدا او را فروگیرد به رحمت خود در دنیا و آخرت، و در روز قیامت برات ایمنی از عذاب جهنم به او کرامت فرماید». (۲)

﴿سورة الفجر﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بخوانید سوره فجر را در نمازهای فریضه و نافله که آن سوره حضرت امام حسین علیه السلام است و هر که این سوره را بخواند در بهشت در جوار آن حضرت باشد». (۳)

﴿سورة البلد﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ را در نماز واجب بخواند، در دنیا از جمله صالحان معروف شود، و در آخرت معروف گردد که او را منزلت عظیم نزد حق تعالی هست، و در قیامت از

۱- همان، ص ۴۷۳، در تفسیر سوره اعلی، فضل السورة.

۲- همان، ص ۴۷۷، در تفسیر سوره غاشیه، فضل السورة.

۳- همان، ص ۴۸۱، در تفسیر سوره فجر، فضل السورة.

رفقای پیغمبران و شهیدان و صالحان باشد».^(۱)

﴿سورة الشمس و سورة الليل﴾

﴿و سورة الضحی و سورة الم نشرح﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بسیار بخواند در روزی یا در شبی سورة وَالشَّمْسِ وَ الضُّحٰی و سورة وَاللَّیْلِ اِذَا یَغْشٰی و سورة وَالضُّحٰی و الْم نَشْرَح را، هر چیز که نزد او حاضر باشد در قیامت برای او شهادت دهد، حتی مو و پوست و گوشت و خون و عروق و عصبها و استخوانها و جمیع اعضای او، حق تعالی بفرماید که: من شهادت شما را قبول کردم از برای بنده خود، ای ملائکه! برید او را به بهشت و هر جا که او اختیار نماید به او عطا کنید. گوارا باد فضل و رحمت من از برای بنده من».^(۲)

﴿سورة التین﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سورة وَالتِّیْنِ را در فریاض و نوافل خود بخواند، عطا فرمایند به او از بهشت هر جا که به پسندد».^(۳)

﴿سورة العلق﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در روز یا در شب سورة

۱- همان، ص ۴۹۰، در تفسیر سورة بلد، فضل السورة.

۲- همان، ص ۴۹۶، در تفسیر سورة شمس، فضل السورة.

۳- همان، ص ۵۱۰، در تفسیر سورة تین، فضل السورة.

إِقْرَاءِ بِاسْمِ رَبِّكَ را بخواند، در آن روز یا در آن شب بمیرد، چنان باشد که شهید مرده باشد و خدا او را با شهیدان محشور گرداند، و چنان باشد که در راه خدا در میان لشکر رسول خدا ﷺ جهاد کرده باشد»^(۱).

﴿سورة القدر﴾

به سند معتبر از حضرت صادق عليه السلام منقول است که: «هر که سوره اَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را بلند بخواند، چنان باشد که شمشیر کشیده باشد و در راه خدا جهاد کند، و اگر آهسته بخواند، چنان باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود دست و پا زند، و هر که ده بار بخواند، خدا هزار گناه از گناهان او را محو نماید»^(۲).

و به روایت دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که سوره اَنَا أَنْزَلْنَاهُ را در نماز فریضه بخواند، منادی از جانب حق تعالی ندا فرماید که: خدا گناهان گذشته تو را آمرزید؛ عمل را از سر گیر»^(۳).

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام منقول است که: «هر که پیش از طلوع آفتاب قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و اَنَا أَنْزَلْنَاهُ را بخواند در آن روز به گناهی مبتلا نشود؛ هر چند شیطان سعی نماید»^(۴).

و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم عليه السلام منقول است که: «به درستی که حق تعالی را در روز جمعه هزار نفحه و نسیم از رحمت خود

۱- همان، ص ۵۱۲، در تفسیر سوره علق. فضل السورة.

۲- همان، ص ۵۱۶، در تفسیر سوره قدر، فضل السورة.

۳- همان، در تفسیر سوره قدر، فضل السورة.

۴- خصال صدوق، ج ۲، ص ۶۲۲، حدیث اربعمأة.

هست. هربنده‌ای را آنچه خواهد از او عطا می‌فرماید، پس هر که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه بخواند حق تعالی آن نفعه رحمت را و مثل آن را به او عطا فرماید»^(۱)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون شب ماه مبارک رمضان درآید، در هر شب هزار مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را بخوان و چون شب بیست و سیم درآید، دل خود را محکم بدار و گوشه‌های خود را بگشا از برای شنیدن عجایب از آنچه خواهی دید»^(۲)

و به سندهای معتبر از آن حضرت منقول است که: «اگر کسی در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را هزار مرتبه بخواند، چون صبح کند، یقین او شدید و محکم شده باشد به اعتراف نمودن به چیزی چند که مخصوص ما است از غرایب فضایل، و نیست این مگر بسبب چیزی که در خواب مشاهده نماید»^(۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که جامه‌ی نو ببرد **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را سی و شش مرتبه بخواند و در هر مرتبه چون برسد به تنزل الملائكة اندکی آب بردارد و برجامه بپاشد، پاشیدن سهلی، پس دو رکعت نماز در آن جامه بخواند و دعا کند و در دعا بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَأُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُصَلِّي فِيهِ لِرَبِّي» و حمد الهی بکند؛ پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن جامه کهنه شود»^(۴)

۱- امالی صدوق، مجلس ۸۸، ص ۴۸۵، ح ۱۱.

۲- اقبال الاعمال، ص ۶۴، در اعمال شب قدر.

۳- همان، ص ۲۱۱، در اعمال شب ۲۳، ماه رمضان.

۴- نواب الاعمال، ص ۴۴، ح ۱ نواب قرآنه سورة القدر عند قطع الثوب.

و به سند معتبر منقول است که: «چون حضرت امام رضا علیه السلام جامه نو می پوشیدند، قدحی آب می طلبیدند و ده مرتبه اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و ده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و ده مرتبه قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بر آن ظرف می خواندند و بعد از آن، آن آب را بر جامه می پاشیدند و می فرمودند: هر که پیش از پوشیدن جامه چنین کند پیوسته در فراخی عیش باشد، مادامی که تاری از آن باقی باشد». (۱)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «چون حق تعالی جامه نوئی به کسی عطا فرماید، باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی بعد از حمد، آیه الكرسی و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بخواند، بعد از آن حمد کند خداوندی را که عورت او را به جامه پوشیده و او را در میان مردم زینت بخشیده و کلمه لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بسیار بگوید، و کسی که چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و به عدد هر تاری که در آن جامه باشد خدا ملکی موکل گرداند که تقدیس خدا کند و از برای او استغفار نماید و بر او دعا و ترحم کند». (۲)

و در روایت دیگر وارد شده است که: «هر که قدحی بگیرد و آبی در آن قدح ریزد و سی و پنج مرتبه سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ را بر آن قدح بخواند و آب را بر جامه خود بپاشد پیوسته در وسعت باشد تا آن جامه کهنه شود». (۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «از برای عوده از بلاها سبوی تازه می گیری و از آب پر می کنی و سی مرتبه سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

۱ - عیون الاخبار، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱، باب ۲۸.

۲ - خصال صدوق، ص ۶۲۳، حدیث اربعمأة.

۳ - مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۷، باب فی الدعاء، ح ۸، ح مسلسل ۶۶۸.

ششم: آن که در امان خدا باشد تا صبح.

هفتم: آن که حق تعالی ملکی خلق نماید که کف دست او بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین باشد و در موضع هر ذره از بدن او مویی باشد و هر مویی به قوت جن و انس استغفار کنند برای صاحب این عمل تا روز قیامت». (۱)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «نوری که در قیامت با مؤمنان می باشد، نور سوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر است و فرمود: هر که این سوره را در نماز بخواند، نماز او در علین بالا رود و مقبول می شود و ثوابش مضاعف گردد، و هر که این سوره را بخواند و دعا کند دعایش به لوح محفوظ بالا رود و مستجاب گردد، و هر که این سوره را بخواند محبت او در دل‌های مردم به هم رسد، و هر که حاجتی از کسی خواهد چون نزد او رود این سوره را بخواند تا حاجتش برآورده شود، و هر که از پادشاهی یا ظالمی ترسد در وقتی که نظرش بر او می افتد این سوره را بخواند از شر او ایمن گردد، و کسی که باشخصی منازعه و دعوایی داشته باشد این سوره را بخواند بر خصم غالب آید، و خواننده این سوره هنوز فارغ نمی شود از خواندن که برات بیزاری او از آتش جهنم نوشته می شود». (۲)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است: «هر که در شبی صد مرتبه این سوره را بخواند پیش از صبح بهشت را می بیند». (۳)

و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت صادق علیه السلام

۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۲۹، باب ۱۱۰، ذیل حدیث ۱۰، به نقل از کفعمی.

۲- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۳۰، باب ۱۱۰، ذیل حدیث ۱۰، به نقل از کفعمی.

۳- همان، ص ۳۳۱، باب ۱۱۰، ذیل حدیث ۱۰، به نقل از کفعمی.

عرض نمود که هشت دختر مرا به هم رسیده و روی پسر تا حال ندیده‌ام، دعا فرما که خدا مرا پسری کرامت فرماید، حضرت فرمود: چون می‌نشینی که مشغول جماع شوی دست راست خود را بر طرف راست ناف زن بگذار و هفت مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانٍ** و بعد از آن مشغول شو و چون حمل ظاهر شود در شب هر وقت که از پهلوی به پهلوی گردی باز دست بر جانب راست نافش بگذار و هفت مرتبه آن سوره را بخوان، آن شخص گفت: چنین کردم، هفت پسر از پی یکدیگر خدا مرا روزی کرد». (۱)

و به سند معتبر منقول است از ابی‌عمر و که گفت: «بسیار حالم پریشان شد از فقر و احتیاج، به خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشتم حال خود را، حضرت فرمود: مداومت کن بر قرائت سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانٍ** تا **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانٍ**، من یک سال خواندم و اثری ندیدم، بار دیگر به خدمت حضرت نوشتم حال خود را و عرض کردم که از خواندن آن سوره نفعی به من نرسید، حضرت به من نوشتند آن را که یک سال خوانده‌ای کافی است، الحال سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانٍ** را بخوان، من چنین کردم، بعد از اندک وقتی ابن ابی‌داود قرضم را ادا کرد، و وظیفه‌ای برای من و عیالم مقرر کرد و مرا وکیل کرد و به بصره فرستاد، و پانصد درهم برای من مقرری قرار داد و من از بصره نامه نوشتم به خدمت حضرت امام علی علیه السلام و به علی بن مهزیار دادم و فرستادم و در آن نامه نوشتم که به پدرت حال خود را عرض نمودم و به من چنین نوشت و عمل کردم، حالم خوب شده است می‌خواهم بفرمایی که آیا اکتفا کنم به خواندن سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانٍ** در نمازهای واجب و سنت، یا در غیر

نماز هم می‌باید خواند و اندازه‌اش بفرمایی که چه مقداری باید خواند؟ حضرت نوشتند: هیچ سوره از قرآن را ترک مکن نه کوچک و نه بزرگ، و از خواندن **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** در شبانه روزی صد مرتبه کافی است»^(۱).
و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است: «هر که بعد از نماز عصر ده مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** بخواند مثل اعمال جمیع خلائق از ثواب به او کرامت فرمایند»^(۲).

و به سند معتبر منقول است که: «حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون در ماه تازه داخل می‌شدند، در روز اول ماه دو رکعت نماز می‌کردند و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ** و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** می‌خواندند و بعد از نماز آنچه میسر بود تصدق می‌نمودند و سلامتی آن ماه را به این عمل می‌خریدند»^(۳).

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است: «هر که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را بعد از صبح ده مرتبه و نزد زوال شمس ده مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه بخواند، دو هزار ملک در سی سال ثواب آن را بنویسند و فرمود: هر که هفت مرتبه بعد از طلوع صبح بخواند، هفتاد صف از ملائکه، هفتاد صلوات و هفتاد رحمت بر او بفرستند»^(۴).

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را هزار مرتبه در روز دوشنبه و هزار مرتبه در روز پنجشنبه بخواند، حق تعالی از آن ملکی خلق

۱- کافی، ج ۵ باب النوادر، ص ۳۱۶، ح ۵۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۲۷، ص ۱۰۵۳، ح ۳.

۳- بحار، ج ۹۷، باب ۱، ص ۱۳۳، ح ۱، ذیل حدیث.

۴- همان، ج ۹۲، باب ۱۱۰، ص ۳۳۰، ذیل حدیث ۱۰.

نماید که کف دست او از هفت آسمان و هفت زمین بزرگتر باشد و در بدن او هزار هزار مو خلق کند و از هر مویی هزار هزار زبان بیافریند که هر زبانی به قوت جمیع انس و جن استغفار نمایند برای خواننده این سوره، و حق تعالی ثواب استغفار ایشان را دو هزار هزار مرتبه مضاعف گرداند»^(۱)

و به سند معتبر منقول است که: «ابوعلی بن راشد به خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض نمود که شما به محمد بن الفرج نوشته بودید بهترین سوره‌ها که در نماز واجب خوانند اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ است و بر من دشوار است که این دو سوره را در نماز صبح بخوانم، حضرت فرمود: بر تو گران نباشد و الله که فضیلت در این دو سوره است»^(۲)

و به سند صحیح منقول است که: «حمیری به خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام نوشت که از آباء شما بما رسیده است حدیثی که عجب دارم از کسی که اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ در نمازش نمی‌خواند چگونه نمازش مقبول می‌شود»^(۳) و روایتی دیگر رسیده است: «نمازی که در آن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نخوانند مُزَكِّيٌّ و مقبول نیست و در روایت دیگر رسیده که هر که در نماز واجبش سوره هَمَزَه را بخواند خیر دنیا به او می‌دهند، پس آیا جایز است که هَمَزَه و آن دو سوره را ترک نماید؟ حضرت در جواب نوشتند: ثواب این سوره‌ها که به شما رسیده، حق است و اگر سوره‌ای را که ثوابی در آن سوره به شما رسیده باشد، ترک کنید و قُلْ هُوَ اللَّهُ و اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بخوانید از برای فضیلت این دو سوره ثواب این دو سوره را می‌یابید با ثواب آن سوره که ترک

۱ - همان، ص ۳۳۱، ذیل حدیث ۱۰.

۲ - کافی، ج ۳، ص ۳۱۵، باب قرائة القرآن، ح ۱۹.

۳ - غیبة شیخ طوسی، ص ۳۷۷، ح ۳۴۵، در ذکر بعض التوقیعات.

کرده‌اید؛ و اگر غیر این دو سوره را هم بخوانید، جایز است و نماز شما تمام و کامل است؛ ولیکن ترک افضل کرده خواهید بود»^(۱)

﴿سورة البینة﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره لم یکن را بخواند از شرک بیزار گردد و دین پیغمبر صلی الله علیه و آله برای او کامل شود و در قیامت داخل مؤمنان کامل مبعوث شود و خدا او را حساب نماید حساب آسان»^(۲)

﴿سورة الزلزلة﴾

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ملال به هم مرسانید از خواندن سوره إذا زلزلت، به درستی که هر که در نمازهای نافله این سوره را بسیار خواند، هرگز خدا او را به زلزله و صاعقه و آفتهای عظیم دنیا مبتلا نگرداند و او را به این آفتهای نمیراند و در وقت جان کندن ملک بزرگواری از جانب پروردگارش به نزد او بیاید و بر بالای سرش بایستد و به ملک الموت از جانب حق تعالی بگوید: بارِ فُوق و مدارا سر کن با دوست خدا، که خدا را به خواندن سوره إذا زلزلت بسیار یاد می‌کرد و این سوره نیز سفارش به ملک الموت کند، پس ملک [الموت] گوید: حق تعالی مرا چنین امر فرموده است که سخن او را بشنوم و اطاعت او بکنم و تا امر نکند قبض

۱- همان.

۲- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۱، در تفسیر سوره بینه، فضل السورة.

روحش نکنم، پس ملک الموت نزد او باشد تا پرده از پیش دیده مؤمن برگیرند و جای خود را در بهشت ببینند و بعد از دیدن او را امر نماید که قبض روحم بکن، پس ملک الموت در نهایت ملایمت و آسانی قبض روح او بکند و هفتاد هزار ملک روح او را مشایعت کنند و به زودی به بهشت رسانند»^(۱).

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر که چهار مرتبه إِذَا زُلْزِلَتْ بخواند چنان است که تمام قرآن را خوانده است»^(۲).

﴿سورة العاديات﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سورة والعاديات با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام محشور شود و در بهشت از رفقای آن حضرت باشد»^(۳).

﴿سورة القارعة﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سورة قارعه را بسیار تلاوت نماید خدا او را از فتنه دجال در دنیا و از حرارت جهنم در آخرت امان بخشد»^(۴).

۱ - کافی، ج ۲، ص ۶۲۶، باب فضل القرآن، ح ۲۴.

۲ - بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۳۳، باب ۱۱۲، ح ۱، عیون اخبار الرضا علیه السلام.

۳ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۷، در تفسیر سورة عادیات، فضل السورة.

۴ - همان، ص ۵۳۰، در تفسیر سورة قارعه، فضل السورة.

﴿سورة التَّكَاثُر﴾

از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام منقول است که: «هر که سوره اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُر را در نماز واجب بخواند حق تعالی ثواب صد شهید برای او بنویسد و هر که در نافله بخواند ثواب پنجاه شهید خدا برای او بنویسد و در نماز واجبش چهل صف از ملائکه با او نماز کنند». (۱)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر که سوره اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُر را در وقت خواب بخواند خدا او را از عذاب قبر نگاه دارد». (۲)

﴿سورة العصر﴾

از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ منقول است که: «هر که سوره والعصر را در نمازهای نافله بخواند خدا او را در روز قیامت با روی نورانی و دندان خندان و چشم روشن و خوشحال مبعوث گرداند تا او را داخل بهشت کند». (۳)

﴿سورة الهُمزة﴾

از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام منقول است که: «هر که سوره وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ را در نمازهای فریضه بخواند خدا فقر را از او دور گرداند و روزی او را فراخ نماید و او را به مرگ بد نماند». (۴)

۱- همان، ص ۵۳۲، در تفسیر سوره تکاثر، فضل السورة.

۲- همان، ص ۵۳۳، در تفسیر سوره تکاثر، فضل السورة.

۳- همان، ص ۵۳۵، در تفسیر سوره عصر، فضل السورة.

۴- همان، ص ۵۳۶، در تفسیر سوره همزه، فضل السورة.

﴿سورة الفیل والقریش﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در نمازهای واجب سوره اَلَمْ تَرَ کَیْفَ را بخواند برای او شهادت دهند در قیامت هر دشت و کوهی و کلوخی که او از جمله نماز گذاران بوده است و حق تعالی ندا فرماید: راست گفتید، شهادت شما را قبول کردم؛ ای ملائکه! او را بی حساب داخل بهشت کنید که من او را و عمل او را دوست می دارم».^(۱)

و همچنین از آن حضرت منقول است که: «هر که سوره لَا یَلَافُ را بسیار تلاوت نماید چون مبعوث شود، بر اسبی از اسبان بهشت سوار شود تا بر سرمائده نور بنشیند».^(۲) بدان که مشهور میان علما آن است که یکی از این دو سوره را به تنهایی در نماز واجب نمی توان خواند، بلکه اگر خوانند باهم می باید خواند و همچنین است حکم وَالضُّحٰی وَالْمِ نَشْرٰحِ.

﴿سورة الماعون﴾

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اَزَآیَتِ الَّذِیْ یُکَذِّبُ بِالْذِیْنِ را در نمازهای فریضه و نافله بخواند از جماعتی باشد که خدا نماز و روزه ایشان را قبول فرموده است و او را در قیامت به اعمال دنیا حساب نکنند».^(۳)

۱- همان، ص ۵۳۹، در تفسیر سوره فیل، فضل السورة.

۲- همان.

۳- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۶، در تفسیر سوره ماعون، فضل السورة.

﴿سورة الكوثر﴾

از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام منقول است که: «هر که سوره
 إِنَّا أَعْطَيْنَا رَا در نمازهای فریضه و نافله بسیار بخواند خدا در قیامت او را از
 حوض کوثر آب دهد و او را در زیر درخت طوبی در جوار حضرت رسول ﷺ
 جا دهد.»^(۱)

﴿سورة الكافرون﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلْ يَا أَيُّهَا
 الْكَافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ را در نماز فریضه بخواند خدا او را و پدر و مادرش را و
 فرزند پدر و مادرش را بیمارزد، و اگر شقی باشد نام او را از دیوان اشقیاء محو
 نماید و در دیوان سعادت بنویسد و او را در زندگی دنیا سعادت مند بدارد و او را
 شهید بمیراند و شهید مبعوث گرداند.»^(۲)

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «پدرم
 می فرمود: قُلْ هُوَ اللَّهُ ثلث قرآن است و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ربع قرآن.»^(۳)
 و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: هر که وقتی که به
 رختخواب رود و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند خدای تعالی
 بیزاری از شرک از برای او بنویسد.»^(۴)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حضرت

۱ - ثواب الاعمال، ص ۱۵۵، فی ثواب قرائة السور.

۲ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۵۱، در تفسیر سوره کافرون، فضل السورة.

۳ - کافی، ج ۲، ص ۶۲۱، باب فضل القرآن، ح ۷.

۴ - همان، ص ۶۲۶، باب فضل القرآن، ح ۲۳.

رسول ﷺ در سفری نماز کردند و ما به آن حضرت اقتدا کردیم در رکعت اول قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ خواندند و در رکعت دوم قُلْ هُوَ اللَّهُ و چون فارغ شدند فرمودند: از برای شما ثلث قرآن و ربع قرآن خواندم.^(۱)

و به سند صحیح از حضرت صادق ع منقول است که: «ترک مکن خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را در هفت نماز؛ در نافله صبح، و دو رکعت اول نماز پیشین، و دو رکعت اول نماز شام، و دو رکعت اول نماز شب، و نماز احرام، و نماز صبح اگر هوا بسیار روشن شده باشد و سوره طولانی نتوان خواند، و نماز طواف».^(۲)

و در روایت دیگر وارد شده است که: [امام صادق ع] «در این نمازها در رکعت اول قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ می خواند مگر در نافله صبح که در کعت اول قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ می خواند».^(۳)

﴿سورة النصر﴾

از حضرت صادق ع منقول است که: «هر که سوره إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ را در نماز فریضه یا نافله بخواند خدا او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد، و چون از قبر بیرون آید با او نامه‌ای باشد گویا، در آن نامه امان از صراط و از آتش جهنم و صدای جهنم بوده باشد، و بر هر چیز که بگذرد او را بشارت به نیکی دهد تا داخل بهشت شود، و حق تعالی از برای او در دنیا از اسباب خیر

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۷، باب ۳۱، ح ۱۰۱.

۲- کافی، ج ۳، ص ۳۱۶، باب قرائت القرآن، ح ۲۲.

۳- همان، ذیل حدیث ۲۲.

آنقدر بگشاید که بخاطرش خطور نکرده باشد و آرزوی آن نداشته باشد».^(۱)

﴿سورة ابی لهب﴾

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون سوره تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ را بخوانید لعن و نفرین کنید بر ابولهب که او از جمله تکذیب کنندگان بوده، تکذیب پیغمبر صلی الله علیه و آله و آنچه آورده است می نمود».^(۲)

﴿سورة الاخلاص﴾

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ را یک مرتبه بخواند حق تعالی بر او برکت فرستد، و هر که دو مرتبه بخواند حق تعالی بر او و اهلش برکت فرستد، و هر که سه مرتبه بخواند حق تعالی به او و اهلش و به همسایگانش برکت دهد، و هر که دوازده مرتبه بخواند خدا در بهشت دوازده قصر از برای او بنا کند و کاتبان اعمال، به یکدیگر گویند که بیایید برویم به قصرهای برادر خود نظر کنیم، و هر که صد مرتبه بخواند خداوند عالمیان گناهان بیست و پنج سال او را بیامرزد به غیر از خون نا حق و مال مردم، و کسی که چهار صد مرتبه بخواند خدا او را اجر چهار صد شهید کرامت فرماید از شهیدان، که اسبانسان را پی کرده باشند و خونشان را ریخته باشند. و کسی که هزار مرتبه در شبانه روز بخواند نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند یا دیگری برای او ببیند».^(۳)

۱ - ثواب الاعمال، ص ۱۵۵، باب ثواب قرآنه السور.

۲ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۵۸، در تفسیر سوره تبت، فضل السوره.

۳ - کافی، ج ۲، ص ۶۱۹، باب فضل القرآن، ح ۱.

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه ﷺ بر سعد بن معاذ نماز کردند و فرمودند: هفتاد هزار ملک بر او نماز کردند که جبرئیل ﷺ در میان ایشان بود. از جبرئیل ﷺ پرسیدم که به چه عمل مستحق این شده بود که شما بر او نماز کنید؟ گفت: به سبب این که قُلْ هُوَ اللَّهُ می خواند؛ ایستاده و نشسته و سواره و پیاده در رفتن و برگشتن»^(۱).

و به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که صد مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ را در وقت خواب بخواند خدای تعالی گناه پنجاه ساله او را بیامزد»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت صادق ﷺ منقول است که فرمود: «خود را حفظ نمایید از شرّ مردم به خواندن سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ، رو به جانب راست خود کن و بخوان، و به جانب چپ رو کن و بخوان، و به جانب راه خود رو کن و بخوان، و رو به پشت سر کن و بخوان، و به جانب بالای سر نظر کن و بخوان، و به جانب پایین نظر کن و بخوان؛ و اگر خواهی که نزد حاکم جابری روی چون نظرت بر او افتد سه مرتبه بخوان و هر یک مرتبه که می خوانی یک انگشت را عقد کن از دست چپ، و انگشتان را چنین نگاه دار تا از نزد او بیرون آیی»^(۳).

و از حضرت صادق ﷺ منقول است که: «هر که یک روز بر او بگذرد و پنج نماز کند و در آن پنج نماز قُلْ هُوَ اللَّهُ نخواند، به او خطاب کنند که ای

۱- همان، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۳.

۲- همان، ص ۶۲۰، باب فضل القرآن، ح ۴.

۳- همان، ص ۶۲۴، باب فضل القرآن، ح ۲۰.

بنده خدا تو از نماز گزاران نیستی».^(۱)

و به سند معتبر دیگر منقول است از آن حضرت که: «هر که بر او یک هفته بگذرد و قُلُّ هُوَ اللَّهُ در آن هفته نخواند و بمیرد بر دین ابی لهب مرده باشد».^(۲)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که او را مرضی پیش آید یا شدتی رو دهد قُلُّ هُوَ اللَّهُ از برای رفع آن نخواند، او از اهل آتش است».^(۳)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشد باید که بعد از نماز واجب، خواندن قُلُّ هُوَ اللَّهُ را ترک ننماید؛ به درستی که هر که بعد از فریضه قُلُّ هُوَ اللَّهُ بخواند، خدا به او خیر دنیا و آخرت کرامت فرماید، و گناهان او و پدر و مادر او را و فرزندان پدر و مادر او را بیامرزد».^(۴)

و به سند صحیح از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلُّ هُوَ اللَّهُ را بعد از نماز صبح یازده مرتبه بخواند در آن روز بر او گناهی لازم نشود؛ هرچند بینی شیطان بر خاک مالیده شود».^(۵)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «کسی که به رختخواب رود و یازده مرتبه قُلُّ هُوَ اللَّهُ بخواند، خدا خانه او و خانه همسایگانش را حفظ نماید».^(۶)

۱- همان، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۰.

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۵۶، باب ثواب قرائة السور، ح ۲.

۳- همان، ح ۳.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۱.

۵- ثواب الاعمال، ص ۱۵۷، باب ثواب قرائة السور، ح ۸.

۶- همان، ص ۱۵۶، باب ثواب قرائة السوره، ح ۷.

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت خواب قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند حق تعالی پنجاه هزار مَلَك موکل گرداند که او را در آن شب حراست نمایند».^(۱)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که در وقت خواب قُلْ هُوَ اللَّهُ را بخواند گناه پنجاه ساله او آمرزیده شود».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که یک مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند چنان باشد که ثلث قرآن و ثلث تورات و ثلث انجیل و ثلث زیبور را خوانده باشد».^(۳)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حق تعالی به عوض باغ فدک به حضرت فاطمه علیها السلام اطاعت تب را کرامت فرمود که تب مطیع آن حضرت باشد، پس هر که حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان او را دوست دارد و تبی به هم رساند و هزار مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و به حق فاطمه سؤال نماید زوال تب را، تب او به امر الهی زایل گردد».^(۴)

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که را صداعی یا غیر آن عارض شود و دستهای خود را بگشاید و سوره فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّهُ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند و

۱ - خصال، ج ۲، ص ۶۳۱، حدیث اربعمأة.

۲ - توحید صدوق، ص ۹۵، ح ۱۲، باب معنی قل هو الله احد.

۳ - توحید صدوق، ص ۹۵، ح ۱۵، باب معنی قل هو الله احد.

۴ - مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۸۷، باب الاستشفاء بالقرآن، ح ۲۷.

دست بر روی خود بکشد، آن آزار بر طرف شود». (۱)

﴿سورة الفلق و سورة الناس﴾

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سبب نزول معوذتین آن بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تب به هم رسانیدند، جبرئیل علیه السلام این دو سوره را آورد و تعویذ آن حضرت گردانید». (۲)

و به سند معتبر از صابر منقول است که: «حضرت صادق علیه السلام امامت ما کردند در نماز شام، معوذتین خواندند و بعد از فراغ فرمودند: این دو سوره از قرآن است». (۳)

و از حضرت امام رضا علیه السلام به سند معتبر منقول است که: «هرکه در حدّ صبا» (۴) و طفولیت تعهد نماید در هر شبی خواندن **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** را هر یک سه مرتبه و **قُلْ هُوَ اللَّهُ** را صد مرتبه و اگر نتواند پنجاه مرتبه، حق تعالی از او دور گرداند دیوانگی و مرضیهایی را که عارض اطفال می شود و استسقا و فساد معده و غلبه خون را تا سنّ پیری، مادام که تعهد و مداومت بر این نماید». (۵)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هرکه در سه رکعت وتر، معوذتین و **قُلْ هُوَ اللَّهُ** بخواند به او خطاب کنند که ای بنده خدا بشارت

۱- همان، ح ۲۶.

۲- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۰، در تفسیر سوره ناس.

۳- کافی، ج ۳، ص ۳۱۷، باب قرائة القرآن، ح ۲۶.

۴- کودکی.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۲۳، باب فضل القرآن، ح ۱۷.

باد تو را که خدا وترت را قبول کرد».^(۱)

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز جمعه سوره حمد را یک مرتبه و هریک از معوذتین و قُلْ هُوَ اللَّهُ را هفت مرتبه و آیه الکرسی و آیه السخرة و آخر سوره براءة، ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ... الخ﴾، هریک را یک مرتبه بخواند کفاره گناهان او باشد از جمعه تا جمعه دیگر».^(۲)

از معمر بن خلاد منقول است که: «در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم در راه خراسان و وکیل آن حضرت بودم، و مرا امر فرمود که غالیه^(۳) راست کن، چون راست کردم و در شیشه کردم، حضرت را بسیار خوش آمد؛ پس فرمود: ای معمر! چشم زدن حق است از برای دفع تأثیر چشم زدن در کاغذی سوره حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ و معوذتین را بنویس و در غلاف شیشه غالیه بگذار».^(۴)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «تأثیر چشم زدن حق است و ایمن نیستی که چشم خودت در تو یا در دیگری تأثیر کند، پس اگر از تأثیر چشم بترسی سه مرتبه بگو: مَا شَاءَ اللَّهُ لِأَقْوَةِ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. و اگر یکی از شما زینتی کند که خوشایند باشد چون از منزل خود بیرون رود قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند که از چشم به

۱ - ثواب الاعمال، ص ۱۵۸، فی ثواب قرائة السور.

۲ - همان، ص ۶۰، ثواب قرائة بعض السور بعد الجمعة.

۳ - غالیه: بوی خوشی است مرکب از مشک و عنبر و جز آن، به رنگ سیاه که موی را بدان خضاب کنند. (فرهنگ معین، ص ۲۳۸۲)

۴ - مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۳۱، باب الاستشفاء بالقرآن، ح مسلسل ۲۵۵۲.

او ضرر نرسد به اذن خدا».^(۱)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «کسی که در خواب ترسد در وقت خواب معوذتین و آیه الکرسی بخواند».^(۲)

۱- همان، حدیث مسلسل، ۲۵۵۳، و ۲۵۵۴.

۲- همان، ج ۲، ص ۴۳، فیما یفعل عند النوم، ذیل ح ۶، ذیل حدیث مسلسل ۲۰۹۷.

تنویر دوم

در بیان فضل دعا و شرایط و آداب آن

است و این مشتمل است بر چند نجم:

- ✽ نجم اول: در بیان فضیلت دعا و فواید آن است
- ✽ نجم دوم: در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا
- ✽ نجم سوم: در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها

①

نجم اول

﴿ در بیان فضیلت دعا و فوائد آن است ﴾

بدان که افضل عبادات و نزدیکترین راههای قرب بنده به جناب قاضی الحاجات طریقه دعا و تضرع و مناجات است، و به کثرت دعا و مناجات، یقین به ذات و صفات کمالیه الهی زیاده می‌گردد، و توکل و تفویض به جناب مقدّس او بیشتر می‌شود، و موجب قطع طمعها و علایق از خلق می‌شود، و همین طریقه از جمیع ائمه ما صلوات الله علیهم اجمعین منقول است که بعد از ادای فرایض و سنن پیوسته مشغول تضرع و مناجات بوده‌اند، بخصوص حضرت سیّدالسّاجدین علیه السلام، چنانچه حق تعالی می‌فرماید:

﴿ وَ قَالَ رَبُّكُمْ اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ ﴾^(۱)

یعنی: «گفت: پروردگار شما که بخوانید مرا در جمیع مطالب تا دعای شما را مستجاب کنم، به درستی که آن جماعت که تکبر می‌نمایند و سرکشی می‌کنند از عبادت من، زود باشد که داخل جهنم شوند با مذلت و خواری».

و در احادیث بسیار از ائمه اطهار علیهم السلام منقول است که: «مراد از عبادت در این آیه دعا است». ^(۱) پس حق تعالی اول امر به دعا فرموده و دیگر وعده استجاب نموده، و بعد از آن، دعا را عبادت شمرده و ترک دعا را تکبر خوانده و بر ترکش وعده دخول جهنم فرموده و در موضع دیگر می فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾. ^(۲)

که ترجمه اش این است: چون سؤال نمایند از تو بندگان من، از صفت من، یا نزدیکی و دوری من، یا کیفیت دعا کردن من که آهسته دعا کنند یا بلند، پس بگو به ایشان که من نزدیکم به ایشان به علم و احاطه و لطف و رحمت، و مستجاب می گردانم دعای دعا کننده را در هنگامی که مرا خواند، پس باید که بندگان اجابت کنند مرا در دعا کردن که از ایشان طلبیده ام، یا آن که چون من اجابت می کنم در دعا باید که ایشان اجابت من کنند در جمیع تکالیف من، و باید که ایمان آورند به وعده من در اجابت دعا و در ایمان خود ثابت باشند، شاید که راه راست یابند و به رشد و صلاح خود پی برند.

و به سند معتبر منقول است که: «از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند: کدام عبادت بهتر و افضل است؟ حضرت فرمود: هیچ عبادتی بهتر نیست نزد حق تعالی از آن که از او سؤال نمایند، و از رحمت های غیر متناهی که نزد اوست طلب نمایند، و هیچ کس نزد خدا دشمن تر و بدتر

۱ - کافی، ج ۲، ص ۴۶۷، باب فضل الدعاء والحثّ علیه، ح ۷ - ۵ - ۱.

۲ - سوره بقره، آیه ۱۸۶.

نیست از کسی که تکبر کند از عبادت الهی که دعا است، و از عطاها و رحمت‌های الهی سؤال ننماید»^(۱).

از میسر بن عبدالعزیز منقول است که: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ای میسر! دعا بکن و مگو که هر چه مقدر شده است خواهد شد، به درستی که نزد خدا منزلتی هست که به آن نمی‌توان رسید مگر به دعا و مسألت، و اگر کسی دهان خود را ببندد و دعا نکند و سؤال ننماید از خدا، چیزی به او نمی‌دهد پس بطلب تا عطا کند. ای میسر! هر که دری را بسیار بگوید البته برویش می‌گشایند»^(۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که از فضل خدا سؤال ننماید فقیر می‌شود»^(۳).

و در حدیث دیگر فرمود: «بر شما باد به دعا، به درستی که شما را قرب به خدا حاصل نمی‌شود به عبادتی مثل دعا، و ترک مکنید طلب کردن حاجت کوچکی را برای خوردی آن حاجت، به درستی که حاجت کوچک و بزرگ همه به دست خدا است»^(۴).

و در حدیث دیگر فرمود: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود که: محبوب‌ترین اعمال نزد حق تعالی در زمین دعا است و فرمود: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دعا بسیار می‌کردند»^(۵).

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۶۶، باب فضل الدعاء والحث علیه، ح ۲.

۲- همان، ح ۳.

۳- همان، ح ۴.

۴- امالی مفید، ص ۲۰، مجلس دوم، ح ۹.

۵- کافی، ج ۲، ص ۴۶۷، باب فضل الدعاء والحث علیه، ح ۸.

و به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «دعا حربۀ مؤمن است برای دفع دشمنان، و عمود دین است که به آن دین مؤمن برپاست و نور آسمان و زمین است».^(۱)

و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که: «به صحابه فرمودند: می‌خواهید دلالت کنم شما را بر حربۀ و سلاحی که شما را نجات دهد از شر دشمنان شما، و شما را روزی زیاده گرداند؟ گفتند: بلی. فرمود: دعا کنید و بخوانید پروردگار خود را در شب و روز، به درستی که حربۀ مؤمن دعاست».^(۲)

و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «بر شما باد به حربۀ پیغمبران که آن دعاست».^(۳) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «دعا از نیزه تیز، کارگرتر است».^(۴) و فرمود: «دعا ردّ می‌کند قضا را هر چند از آسمان نازل شده و محکم گردیده باشد».^(۵) و فرمود: «بسیار دعا کنید که دعا کلید جمیع رحمتها است، و موجب فیروزی به همه حاجتها است، و به کرامتهای الهی نمی‌توان رسید مگر به دعا، و هر دری را که بسیار می‌کوبند البته به روی آدمی می‌گشایند».^(۶)

و در حدیث دیگر فرمود: «بر تو باد به دعا که شفای جمیع دردهاست».^(۷)

۱ - همان، ص ۴۶۸، باب الدعای سلاح المؤمن، ح ۱.

۲ - همان، ح ۳.

۳ - همان، ح ۵.

۴ - همان، ص ۴۶۹، ح ۶.

۵ - همان، ص ۴۶۹، باب الدعای یرد القضاء و البلاء، ح ۳.

۶ - همان، ص ۴۷۰، باب الدعای یرد البلاء و القضاء، ح ۷.

۷ - همان، ص ۴۷۰، باب الدعای شفاء من کل داء، ح ۱.

و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «هر بلایی که بر بنده مؤمن نازل شود و خدا او را دعا الهام نماید البته آن بلا، زود زایل گردد. و هر بلایی که بر مؤمن نازل شود و توفیق دعا نیابد و ترک کند، البته آن بلا بطول می‌انجامد؛ پس بر شما باد به دعا و تضرع به سوی خداوند عالمیان». (۱)

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «دوا کنید بیماران خود را به تصدق، و دفع کنید انواع بلاها را به دعا، و حفظ کنید مالهای خود را به دادن زکات؛ به درستی که هیچ مرغی به دام نمی‌افتد مگر آن که تسبیح خود را ترک نماید». (۲)

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «دفع کنید موجهای بلا را از خود به دعا پیش از آن که نازل گردد، به حق خداوندی که دانه را شکافته و انواع گیاه را از آن بیرون آورده، و خلائق را خلق فرموده، که بلا به سوی مؤمن تندتر می‌آید از سیلی که از بالای کوه به پایین آید و از دویدن اسبان تند، و هیچ نعمتی و طراوت عیشی از بندگان برطرف نمی‌شود مگر به گناهان ایشان، اگر استقبال کنند بلا را به دعا و تضرع و انابت و توبه، بر ایشان نازل نخواهد شد، و اگر وقتی که بلا نازل شود و نعمت از ایشان زایل گردد به خدا پناه برند و تضرع نمایند با نیتهای درست، و سستی نورزند در عبادت و بندگی، و ترک گناهان بکنند؛ البته خدا هر فاسدی را برای ایشان به اصلاح می‌آورد و هر نعمتی را که از ایشان سلب نموده، به ایشان بر می‌گرداند». (۳)

۱ - همان، ص ۴۷۱، باب الهام الدعاء، ح ۲.

۲ - قرب الاسناد، ص ۱۱۷، ح مسلسل ۴۱۰.

۳ - خصال صدوق، ص ۶۲۴، حدیث اربعاً.

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سه چیز است که به آنها هیچ [چیز] ضرر نمی‌کند، دعا کردن در هنگام بلاها و شدت‌ها، و استغفار کردن بعد از گناه، و شکر کردن در وقت نعمت». (۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی روزی‌های مؤمنان را از جاهای چند مقرر فرموده که گمان نداشته باشند، زیرا بنده هرگاه نداند که روزیش از کجا می‌رسد، دعا بسیار می‌کند». (۲)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که را چهار چیز عطا فرمایند، او را از چهار چیز محروم نمی‌گردانند؛ هر که را دعا دادند از اجابت محروم نمی‌سازند، و هر که را استغفار کرامت کردند توبه‌اش را قبول می‌فرمایند، و هر که را شکر عطا کردند نعمتش را زیاده می‌کنند، و هر که را صبر دادند از اجر و ثواب محروم نمی‌گردانند». (۳)

۱- امالی طوسی، ص ۲۰۴، مجلس ۷، ح ۴۹، ح مسلسل ۳۴۹.

۲- امالی صدوق، ص ۱۵۳، مجلس ۳۴، ح ۶.

۳- امالی طوسی، ص ۶۹۳، مجلس ۳۹، ح ۱۶.

نجم دوم

﴿ در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا ﴾

بدان که چون دعا مکالمه و سخن گفتن و عرض نیاز کردن است به حضرت قاضی الحاجات، باید که آدمی معنی دعا را بداند و بفهمد، و باحضور قلب دعا کند، و لا اقل آدابی [را] که در حاجت طلبیدن از مخلوقین - که در عجز و ناتوانی مثل اویند - رعایت می نماید، همان قدر را در حاجت طلبیدن از خداوند عظیم الشان - که خالق و رازق و مالک جمیع امور اوست - رعایت کند؛ و ظاهر است که اگر کسی حاجتی به مخلوقی عرض کند چند چیز را رعایت می کند:

اول، آن که بداند که چه می گوید، و اگر از روی مستی و بی خبری حرفی گوید باینزگی، و دلش از آنچه می گوید خبر نداشته باشد، اگر سیاستش نکنند به سخنش نیز اعتنایی نخواهند کرد، پس در هنگام مناجات با خداوند خود، باید که دلش خبر داشته باشد از آنچه بر زبانش جاری می شود، و از روی جدّ و جهد و اهتمام طلب نماید، و به حاجت خود بی اعتنا نباشد. چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حق تعالی قبول نمی فرماید دعایی را که از دل غافل صادر شود و فرمود: چون برای میّت خود دعا کنید چنین دعا نکنید که دل شما از آن غافل باشد، ولیکن باید که

جهد وسیعی کنید از برای او در دعا». (۱) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «خدا مستجاب نمی‌کند دعایی را که با دل سخت و صاحب قساوت دعا کنند». (۲)

و در حدیث دیگر فرمود: «خدا مستجاب نمی‌کند دعایی را که با دل فراموشکار غافل کنند. پس هر گاه دعا کنید دل خود را با خدا دارید و یقین کنید که دعای شما مستجاب است». (۳)

دوم، آن که کسی را که شخصی برای دفع شداید به او پناه می‌برد البته پیوسته ملازمت او می‌کند، و در غیر حال شدت به او پناه می‌برد، تا هنگام شدت و بلایی که رو می‌دهد، روی آن داشته باشد که به او پناه برد، همچنین باید که در درگاه خالق در حالت نعمت دعا و تضرع کند، و خدا را به سبب وفور نعمت فراموش نکند، تا در حال شدت‌ها و سختیها که پناه به او برند، حاجت به زودی برآورده شود، با آن که هیچ آنی نیست که بنده را، صد هزار گونه احتیاج در امور دنیا و آخرت، به جناب مقدس ایزدی نباشد.

چنانچه به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «کسی که پیش از نزول بلا پیوسته دعا کند، چون بلا نازل شود دعایش مستجاب [است] و ملائکه می‌گویند: این صدای آشنایی است، و دعای او را از آسمان منع نمی‌کنند؛ و کسی که پیش از نزول بلا پیوسته دعا نکند، بعد از بلا دعایش مستجاب نیست و ملائکه می‌گویند که: ما این صدا را نمی‌شناسیم. و در حدیث دیگر فرمود که: کسی که پیش از نزول بلایی

۱ - کافی، ج ۲، ص ۴۷۳، باب، الاقبال علی الدعاء، ح ۲.

۲ - همان، ص ۴۷۴، ح ۴.

۳ - همان، ص ۴۷۳، ح ۱.

ترسد و پیش از نزول آن بلا دعا کند برای رفع آن بلا، خدا آن بلا را هرگز به او ننماید»^(۱).

و در حدیث دیگر فرمود: «کسی که خواهد دعای او در شدت‌ها مستجاب شود باید که در هنگام رخا و نعمت دعا بسیار بکند»^(۲) و بر این مضمون احادیث بسیار است.

سوم، آن که کسی که به مخلوقی حاجتی دارد، خدمات شایسته برای او می‌کند که مرضی طبع او باشد، و از چیزهایی که کراهت دارد اجتناب می‌نماید تا چون حاجتی از او بخواهد برآورده شود، همچنین در درگاه خدا هر که عبادت و بندگی و اطاعت الهی بیشتر کرده است دعایش به اجابت نزدیک‌تر است؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در این حدیث فرموده‌اند: «دعای بی عمل صالح، از باب تیر انداختن از کمان بی‌زه است»^(۳).

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «بهترین دعاها آن است که صادر شود از سینه پاکیزه از عیب‌ها و صفات ذمیمه و دل پرهیزکار؛ و در مناجات [است] سبب نجات؛ و به اخلاص در اعمال، خلاصی از عقاب حاصل می‌شود؛ پس هرگاه فزع و خوف شما بسیار شود پناه به خداوند خود برید»^(۴).

و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که حق تعالی می‌فرماید: دعا کنید تا دعای شما را مستجاب

۱- همان، ص ۴۷۲، باب تقدم فی الدعاء، ح ۲ - ۱

۲- همان، ح ۴.

۳- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۳۰، فیض الاسلام.

۴- کافی، ج ۲، ص ۴۶۸، باب الدعاء سلاح المؤمن، ح ۲.

گردانم، و ما دعا می‌کنیم و مستجاب نمی‌شود. حضرت فرمود: دعای شما برای آن مستجاب نمی‌شود که وفا نمی‌کنید به پیمان‌هایی که حق تعالی از شما گرفته است در عمل نمودن به اوامر و ترک نمودن مناهی، و حق تعالی می‌فرماید: وفا کنید به عهد و پیمان من تا وفا کنم به عهد و پیمان شما، والله! اگر شما وفا کنید از برای خدا، خدا نیز وفا می‌کند از برای شما.»^(۱)

و از نوف بکالی منقول است که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حق تعالی وحی نمود به حضرت عیسی علیه السلام که بگو به گروه بنی اسرائیل داخل خانه‌ای از خانه‌های من نشوید مگر با دل‌های طاهر و پاک، و دیده‌های خاشع و دست‌های پاکیزه از کثافت حرام و شبهه، و بگو به ایشان که بدانید از هیچ یک از شما دعایی مستجاب نمی‌کنم هر گاه مظلّمه کسی نزد او باشد، و مال کسی به ظلم در ذمه او باشد.»^(۲)

و در ابواب سابقه گذشت حدیثی که هر که خواهد که دعایش مستجاب شود باید کسبش را حلال کند، و این امر بسی ظاهر است که هر چند آدمی را قرب زیاد می‌شود دعایش به قبول نزدیک‌تر است، چنانچه نزد پادشاهان ظاهر هر که قربش بیشتر است حاجتش روا تر است. و ایضاً چنانچه سابقاً تحقیق کردیم، هر چند مناسبت میان فاعل و قابل بیشتر می‌شود قابلیت استفاضه زیاد می‌شود، و مانعی که از فیض هست از طرف قابل است، هر چند قابل کاملتر می‌شود مانع کمتر می‌شود و قابلیت رحمت، زیاد می‌شود و فیض بیشتر فیض می‌شود.

۱- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴۶ در تفسیر آیه ۴۰ از سوره بقره.

۲- خصال، ص ۳۳۷، باب الستة، ح ۴۰.

چهارم، از شرایط استجاب دعا، کمال معرفت آن خداوندی است که از او حاجتی می‌طلبید، و چنانچه در گذشته مجملی اشاره کردیم که هر کسی خدای را به قدر معرفت شناخته، در خور آن معرفت از او فیض می‌برد و از خداوند شناخته خود سؤال می‌کند؛ پس هر قدر که از مراتب قدرت و رحمت و کرم و عظمت و جلال و سایر صفات کمال را تمام و کامل می‌شناسد تأثیرات آن صفات به او زیاده عاید می‌گردد؛ و به این معنی اشاره دارد آن حدیث که به اسناد بسیار منقول است که: «من نزد گمان نیکویی که بنده‌ام به من دارد هستم، هر قدر که گمان او به من نیکوتر است، من به او نیکوتر معامله می‌نمایم».^(۱)

و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «جماعتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمودند که چه علت دارد که ما دعا می‌کنیم و دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ حضرت فرمود: زیرا شما کسی را دعا می‌کنید که نمی‌شناسید».^(۲)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون دعا کنی گمان کن که حاجت در خانه تو است».^(۳)

و در حدیث دیگر فرمود: «اگر کسی از شما خواهد که از خدا هر حاجتی که سؤال نماید به او عطا کند، باید که از همه مردم مایوس و نا امید باشد و از غیر خدا امید نداشته باشد. پس چون خدا این حالت را از دل او یابد

۱- کافی، ج ۲، ص ۷۲، باب حسن الظن بالله، ح ۳.

۲- توحید صدوق، ص ۲۸۹، باب إِنَّهُ لَا يُعْرِفُ إِلَّا بِهِ، ح ۷.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۷۳، باب اليقين في الدعاء، ح ۱.

هرچه سؤال کند به او عطا نماید». (۱) و این معنی در باب سؤال از مخلوقین هم ظاهر است که هر که عظمت پادشاهی را بیشتر [می‌داند] و وسعت ملک و خزانه و کرم او را بیشتر می‌داند، توقع عطا از او زیاده دارد، و پادشاه نیز در خور متوقع او و شناسایی او به او عطا می‌کند. در این باب سخن بسیار است و این رساله گنجایش تفصیل آن ندارد.

پنجم، از شرایط استجابت، مبالغه و الحاح در دعاست، و الحاح نزد مخلوقین، به اعتبار تنگی حوصله و قلت کرم ایشان بدنما است، اما حق تعالی دوست می‌دارد به سبب وسعت لطف و رحمت نامتناهی که نزد او [است] در سؤال مبالغه و الحاح نمایند.

چنانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «والله! الحاح نمی‌نماید بنده مؤمنی بر حاجت خود، مگر این که حق تعالی حاجت او را برمی‌آورد». (۲) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «حق تعالی مکروه و دشمن می‌دارد الحاح کردن مردم را بر یکدیگر در سؤال، و این را از برای خود پسندیده و دوست می‌دارد که از او سؤال نمایند و از آنچه نزد اوست طلب نمایند». (۳)

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «حق تعالی رحم کند بر بنده‌ای که طلب نماید از حق تعالی حاجتی را، پس الحاح نماید در دعا، خواه مستجاب شود دعای او و خواه نشود». (۴)

۱ - عدة الداعی، ص ۱۳۴، بیان المنقطعین الی الله و اجابة دعائهم.

۲ - کافی، ج ۲، ص ۴۷۵، باب الحاح فی الدعاء، ح ۳.

۳ - همان، ح ۴.

۴ - همان، ح ۶.

و حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فرمود: بنده چون دعا می‌کند حق تعالی پیوسته در مقام برآوردن حاجت اوست، مادام که استعجال نکند»^(۱).

و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی مراد بندگان خود را می‌داند در هنگامی که او را دعا می‌کنند، و لکن دوست می‌دارد که حاجتهای خود را بیان کنند و نزد او ذکر کنند»^(۲).

ششم، از آداب دعا مخفی گردانیدن دعاست، زیرا که کریمان مخفی حاجت را طلبیدن، دوست‌تر می‌دارند. و دعای پنهان به اخلاص نزدیک‌تر، و از ریا دورتر است.

چنانچه از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که: «یک دعای مخفی به جا آوری بهتر است از هفتاد دعا که اظهار نمایی و علانیه به جا آوری»^(۳).

و اگر حاجت عظیمی داشته باشد استعانت به دعای مؤمنان بجوید و در مجامع ایشان دعا کند نیز خوبست. و اگر منظور ناچیز دانستن خود و حقیر شمردن دعای خود باشد و از ریا ایمن باشد، در مجامع دعا کردن بهتر است. و برکات انفاس مؤمنان و اجتماعات ایشان بسیار است، و خود را در میان رحمت‌های عامی که برایشان نازل می‌شود داخل گردانیدن، فوز عظیم است.

چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چهل نفر که جمع

۱- همان، ص ۴۷۴، ح ۱.

۲- همان، ص ۴۷۶، باب تسمیة الحاجة فی الدعاء، ح ۱.

۳- همان، ص ۴۷۶، باب اخفاء الدعاء، ح ۱.

شوند دعا کنند البته دعای ایشان مستجاب است، و اگر چهل نفر به هم نرسد چهار نفر که هر یک ده مرتبه خدا را در حاجتی بخوانند البته حق تعالی دعای ایشان را مستجاب می‌کند، و اگر چهار نفر نباشند و یک نفر خدا را چهل مرتبه در حاجتی بخواند البته خداوند عزیز جبار دعایش را مستجاب می‌گرداند»^(۱).

و در حدیث دیگر فرمود: «چهار نفر جمع نمی‌شوند برای دعا مگر آن که وقتی که متفرق می‌شوند دعای ایشان مستجاب شده است، و فرمود: پدرم را حاجتی که رو می‌داد زنان و اطفال را جمع می‌فرمود و دعا می‌کرد و ایشان آمین می‌گفتند»^(۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «دعا خواننده و آمین گوینده در ثواب شریکند»^(۳).

هفتم، رعایت نمودن اوقاتی است که مظنه استجاب دعا است، زیرا که حق تعالی بعضی از زمانها و مکانها را در استجابت دخیل گردانیده است. چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «طلب نماید دعا را در چهار ساعت؛ نزد وزیدن بادهای، و گردیدن سایه‌ها یعنی اول پیشین،^(۴) و نزد آمدن باران، و نزد ریختن اول قطره از خون مؤمنی که شهید شود بر زمین، به درستی که درهای آسمان را در این اوقات می‌گشایند»^(۵).

۱- همان، ص ۴۸۷، باب الاجتماع فی الدعاء، ح ۱.

۲- همان، ح ۳-۲.

۳- همان، ح ۴.

۴- ظهر.

۵- کافی، ج ۲، ص ۴۷۶، باب الاوقات والحالات، ح ۱.

و در حدیث دیگر فرمود: «دعا در چهار محل مستجاب است؛ در نماز وتر، و بعد از نماز صبح، و بعد از نماز شام، و بعد از نماز ظهر». (۱)

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «غنیمت شمارید دعا را در چهار وقت؛ نزد خواندن قرآن، و نزد اذان، و نزد آمدن باران، و نزد ملاقات کردن دو صف برای شهادت». (۲)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: «بهترین وقتها که خدا را بخوانید سحرها است». (۳) و منقول است که: «چون حضرت صادق علیه السلام اراده طلب حاجتی داشتند نزد زوال شمس طلب می نمودند، و چون این اراده می نمودند اول چیزی تصدق می کردند و خود را به بوی خوش، خوشبو می کردند و به مسجد می رفتند و حاجات خود را می طلبیدند». (۴)

و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «حق تعالی از بندگان خود دوست می دارد هربنده را که بسیار دعا کند؛ پس بر شما باد به دعا کردن در سحر تا طلوع آفتاب، به درستی که این ساعتی است که درهای آسمان گشوده می شود و روزی ها قسمت می شوند، و حاجتهای عظیم برآورده می شود». (۵)

و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «در شب ساعتی هست که هر که توفیق بیابد که در آن ساعت نماز کند و خدا را بخواند، البته دعایش مستجاب

۱- همان، ص ۴۷۷، ح ۲.

۲- همان، ح ۳.

۳- همان، ح ۶.

۴- همان، ح ۷.

۵- همان، ص ۴۷۸، ح ۹.

است در هر شبی که باشد، و آن بعد از نصف شب است تا به قدر سدس^(۱) شب بگذرد»^(۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «سه وقت است حاجت بنده از خدا محبوب نمی‌شود، بعد از نماز واجب، و نزد آمدن باران، و نزد ظاهر شدن معجزه از حجت‌های خدا در زمین»^(۳).

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی را که به سوی پروردگار خود حاجتی باشد در سه ساعت طلب نماید: در ساعتی در روز جمعه، و ساعتی که زوال شمس می‌شود که در آن وقت بادهای رحمت می‌وزد و درهای آسمان گشاده می‌شود و رحمت الهی نازل می‌گردد و خروس به آواز می‌آید؛ و یک ساعت در آخر شب نزدیک طلوع صبح، به درستی که در سحر دو ملک ندا می‌کنند از جانب حق تعالی، که آیا کسی هست که در این وقت توبه کند تا توبه‌اش را قبول کنیم؟ آیا کسی هست که سؤال کند و به او عطا کنیم؟ آیا کسی هست که طلب آمرزش کند تا گناهِش را بیامرزیم؟ آیا کسی هست که حاجتی داشته باشد و عرض کند تا حاجتش را برآوریم؟ پس اجابت نمایید در آن وقت داعی خدا را؛ و طلب نمایید روزی را در مابین طلوع صبح تا طلوع آفتاب که آن، دخیل‌تر است در روزی از سفرها کردن برای تجارت، و آن ساعتی است که خدا در میان بندگان خود روزی قسمت می‌فرماید»^(۴).

۱ - یک ششم

۲ - کافی، ج ۲، ص ۴۷۸، ح ۱۰.

۳ - امالی طوسی، ص ۲۸۰، مجلس ۱۰، ح ۸۰، ح مسلسل ۵۴۲.

۴ - خصال صدوق، ص ۶۱۵ و ۶۱۶، حدیث اربعه‌آه.

و فرمود: «درهای آسمان را برای شما می‌گشایند در پنج وقت: نزد آمدن باران، و نزد جهاد فی سبیل الله، و نزد اذان، و نزد خواندن قرآن، و نزد زوال آفتاب، و نزد طلوع صبح».^(۱)

و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ساعتی که در آن ساعت دعا مستجاب می‌شود در روز جمعه، وقتی است که امام از خطبه فارغ شود تا وقتی که مردم به نماز برخیزند؛ و ساعت دیگر، آخر روز جمعه است تا فرو رفتن آفتاب».^(۲) و در حدیث دیگر فرمود: «ساعت استجابت اول زوال است».^(۳)

و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که: «حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود: در روز جمعه ساعتی هست که هر مسلمانی در آن ساعت از خدا چیزی طلب نماید البته به او عطا فرماید، گفتم: یا رسول الله! کدام ساعت است؟ فرمود: وقتی که نصف قرص آفتاب فرو رود. پس حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود که: حضرت فاطمه علیها السلام به غلام خود می‌فرمود: برو بر بلندی و چون ببینی که نصف قرص آفتاب غروب کرد، مرا اعلام کن که من دعا کنم».^(۴)

و به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «بر تو باد به دعا کردن در وقتی که در سجود باشی که بنده در سجود از جمیع احوال به خدا نزدیک‌تر است».^(۵)

۱ - همان، ص ۶۱۸ حدیث اربعمأة.

۲ - عدة الداعی، ص ۴۶، باب الثانی فی اسباب الاجابة.

۳ - همان، ص ۴۷.

۴ - معانی الاخبار، ص ۳۹۹، باب نوادر المعانی.

۵ - کافی، ج ۳، ص ۳۲۴، ح ۱۱، از باب السجود و التسبیح... و ما یقال بین السجودین.

هشتم، از شرایط و آداب دعا، تضرع و زیادت مذلت و شکستگی است؛ چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هرگاه شما را رقت به هم رسد دعا کنید که دل را رقت حاصل نمی‌شود، مگر وقتی که از برای خدا خالص گردد و متوجه خدا شود، و آن علامت استجاب است.»^(۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «چون بدن تو قشغریه^(۲) آید و بلرزد و چشمانت گریان شود، پس در دعا اهتمام کن که رحمت الهی متوجه تو گردیده و هنگام اجابت است.»^(۳)

و در حدیث دیگر فرمود: «اگر از امری خایف باشی یا حاجتی به خدا داشته باشی، اول خدای را به بزرگی و عظمت یاد کن و بر او ثنا کن چنان که او سزاوار است، و صلوات بر محمد و آل او صلوات الله علیهم اجمعین بفرست و حاجت خود را بطلب، و خود را به گریه بدار و سعی کن که گریه کنی اگر چه به مقدار سرمگسی باشد، به درستی که پدرم می‌فرمود که: نزدیکترین حالات بنده به خدا در هنگامی است که در سجده باشد و گریان باشد.»^(۴)

و تضرعاتی که به دست می‌باشد در حالت دعا، موافق احادیث معتبره آن است که: اگر هنگام رغبت و رجا باشد، کف دست را به سوی آسمان کنی، چنانچه دست پیش کسی داری که چیزی به دست دهد؛ و اگر حالت خوف و بیم باشد، پشت دستها را به آسمان می‌داری، یعنی من از اعمال

۱ - مکارم الاخلاق، ۲، ص ۹۶، باب البكاء، ح ۱۴، مسلسل ۲۲۷۵.

۲ - لرزش، لرزه (فرهنگ نوین).

۳ - مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۴، باب الاوقات الدعاء، ح ۷، مسلسل ۲۰۲۱.

۴ - کافی، ج ۲، ص ۴۸۳، باب البكاء من کتاب الدعاء، ح ۱۰.

خود ناامید شده‌ام، و از کثرت بدی اعمال روی طلب از تو ندارم؛ و در حالت تضرع انگشت سبابه راست را به جانب راست و چپ حرکت می‌دهی که نمی‌دانم از اصحاب یمینم یا از اصحاب شمال، و از نیکوکارانم نزد تو یا از بدکاران؛ و در هنگام تبث و انقطاع، انگشت سبابه دست چپ را بلند می‌کنی و پست می‌کنی، مانند کسی که به ابرام چیز از کسی طلبد، یا اشاره به آن است که نمی‌دانم مرا بلند می‌کنی یا پست خواهی گذاشت؛ و در هنگامی که گریه بسیار شود و اسباب و علامت اجابت ظاهر گردد، دستها را از جانب سر بلند می‌کنی یا از پیش روی خود پیش می‌بری، که گویا حاجتم را داده‌اند، و دست فراز می‌کنم که بگیرم».^(۱)

ای عزیز! ببین که حق تعالی به آن مرتبه جلال و عظمت و استغنا و بی‌نیازی، با گدایان خوان احسانش چه نحو سلوک کرده، و ایشان را رخصت چه گستاخیها داده و به آن رفعت شأن، خود را چه نزدیک گردانیده، و به این وسائل بندگان را به آشنایی خود خوانده، و بندگان بانهایت احتیاج و پستی چه مستغنیانه^(۲) با پروردگار خود سلوک می‌نمایند، و رو از چنین خداوند کریمی که پیوسته خوان احسانش را برای نیکوکار و بدکار کشیده می‌گردانند، و رو به عاجزان و لثیمان ممکنات می‌برند و از رحمت‌های خدا، خود را محروم می‌گردانند.

نهم، بدان که کسی را که حاجتی به درگاه بزرگی باشد اول یساوان^(۳) و دربانان آن درگاه را از خود خشنود می‌گرداند که دخول مجلس پادشاه او را

۱- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۵، باب الاوقات الدعاء، ح ۱۳ - ۱۰ مسلسل ۲۰۲۷ - ۲۰۲۴.

۲- از سر بی‌نیازی.

۳- حاشیه نشینان و ملازمان و نوکرها (فرهنگ فارسی معین).

به آسانی حاصل شود و حاجتش زودتر برآورده شود؛ دربانان درگاه مالک الملوک، فقرا و مسکینانند، باید که پیش از طلب حاجت تصدقی بکنند تا حاجتش زودتر برآورده شود.

چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «هرگاه از شما احدی بیمار شود طبیب را می طلبد و به او چیزی می دهد، و اگر حاجتی به پادشاهی دارد رشوه به دربانان می دهد؛ پس اگر حاجتی به خدا داشته باشد باید که تصدقی بکند خواه کم و خواه زیاد».

دهم، آن که اگر کسی حاجتی دارد، گاه هست که در درگاه کریمان حاجت دیگران را وسیله حاجت خود می کند؛ به این که یا اول حاجت دیگران را مقدم می دارد که آن کریم را خوش آید که او اهتمام به شأن دیگران زیاده از خود دارد و این معنی موجب زیادتی حاجت روایی او است؛ یا آن که آن حاجتی که خود دارد برای دیگران می طلبد تا کریم بداند که با وجود احتیاج خود، آن حاجت را برای دیگران می طلبد، پس آن حاجت را برای او نیز بر وجه اکمل روا کند؛ یا آن که در هنگام حاجت خواستن، دیگران را با خود شریک می گرداند، و این معنی نیز خوش آیند طبع کریمان است که آدمی همین در فکر خود نباشد و دیگران را در وقتی که احسانی به او می رسد فراموش نکند، چنانچه حق تعالی در سوره فاتحه کتاب حین تعلیم بندگان فرموده که در عرض عبادت و طلب استعانت، دیگران را با خود شریک کند.

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «چون یکی از شما دعا بکند و مخصوص

خود نگرداند، دعا به استجابت نزدیک تر می شود». (۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که چهل مؤمن را مقدم دارد و از برای ایشان دعا کند و بعد از آن برای خود دعا کند، دعایش مستجاب می گردد». (۲)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که: «هیچ دعایی زودتر مستجاب نمی شود از دعای غایبی برای غایبی». (۳)

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «نزدیکترین دعاها به اجابت، دعای مؤمنی است که از برای برادر مؤمن خود کند غایبانه، پس ملکی موکل است به دعای او که می گوید: آمین؛ و از برای تو خدا دوبرابر آنچه از برای برادر خود دعا کردی عطا می فرماید». (۴)

و حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «دعا از برای برادر مؤمن خود غایبانه کردن، باعث زیادتی روزی می شود و بلاها را دفع می کند». (۵)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که: «هر مؤمنی که از برای مؤمنین و مؤمنات دعا کند، خدا به عدد هر مؤمنی که گذشته است و خواهد آمد، از اول تا آخر دنیا، به مثل آنچه برای ایشان دعا کرده است به او برگرداند؛ و به درستی که بنده را در قیامت امر کنند که به جهنم برند، پس ملائکه او را کشند که به جهنم برند، در آن حال مؤمنان و مؤمنات گویند:

۱ - کافی، ج ۲، ص ۴۸۷، باب العموم فی الدعاء، ح ۱.

۲ - خصال صدوق، ج ۲، ص ۵۳۸، ابواب الاربعین، ح ۳.

۳ - عدة الداعی، ص ۱۸۳، باب ۱۴، الدعاء للاخوان.

۴ - کافی، ج ۲، ص ۵۰۷، باب الدعاء للاخوان، ح ۴.

۵ - همان، ح ۲.

پروردگارا! این بنده در دنیا برای ما دعا می‌کرد ما را شفاعت ده در حق او، پس خدا ایشان را شفیع او گرداند و به شفاعت ایشان نجات یابد»^(۱).

و از ابراهیم بن هاشم منقول است که گفت: «عبدالله بن جنذب را در عرفات دیدم که هیچ کس وقوف را از او بهتر بجانی‌آورد، پیوسته دست به آسمان بلند کرده و آب دیده بر دو طرف روی او جاری بود. به حدی که بر زمین می‌ریخت، و چون مردم فارغ شدند و برگشتند، به او گفتم که هرگز وقوفی به خوبی تو ندیده‌ام! گفت: واللّٰه که دعا نکردم مگر از برای برداران مؤمن خود؛ زیرا از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هر که برای برادر مؤمن خود دعا کند در غیبت او، از عرش او را ندا کنند که از برای تو باد صد هزار برابر آنچه از برای او دعا کردی، و نخواستم که صد هزار برابر محقق مضمون را ترک کنم برای یکی که ندانم مستجاب می‌شود یا نه»^(۲).

و از حضرت علی بن الحسین صلوات اللّٰه علیهما منقول است که: «هرگاه ملائکه می‌شنوند که مؤمنی برای برادر مؤمن خود غایبانه دعا می‌کند، یا او را به نیکی یاد می‌کند، به او می‌گویند که نیکو برادری هستی تو از برای برادر خود، دعای خیر از برای او می‌کنی و او از تو غایب است، و او را به نیکی یاد می‌کنی. حق تعالی به تو عطا فرمود دو برابر آنچه از برای او دعا کردی، و بر تو ثنا گفت دو برابر آنچه تو بر برادر خود ثنا گفتی، و تو را است فضل و زیادتی بر او؛ و اگر بشنوند که برادر خود را به بدی یاد می‌کند و

۱- همان، ص ۵۰۸ ح ۵

۲- همان، ح ۶

بر او نفرین می‌کند، به او می‌گویند که بد برادری هستی برای برادر خود، باز ایست از بد گویی و نفرین او، ای آن کسی که خدا گناهان و عیبهای تو را پوشیده است، متوجه احوال خود شو، به عیوب خود نظر کن و خدا را شکر کن که عیبهای تو را پوشیده است و بدان که خدا بنده خود را به^(۱) از تو می‌شناسد.»^(۲)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون ظلمی بر کسی واقع شود و نفرین کند بر کسی که بر او ظلم کرده است، حق سبحانه و تعالی می‌فرماید: شخصی دیگر هست که گمان می‌کند تو بر او ظلم کرده‌ای و تو را نفرین می‌کند، اگر می‌خواهی نفرین تو را و او را هر دو مستجاب گردانم، و اگر می‌خواهی هر دو را تأخیر کنم تا عفو و رحمت من هر دو را فراگیرد.»^(۳)

یازدهم، از جمله آداب دعا آن است که: خدای را پیش از طلبیدن حاجت، به بزرگواری و عظمت و جود و کرم ستایش کند، و نعمتهای او را بر خود و دیگران یاد کند، و او را بر آن نعمتها شکر کند؛ چنان که اگر کسی به نزد بزرگی می‌رود که مطلبی عرض کند از آداب نیست که ابتدا شروع به مطلبی کند، بلکه آداب آن است که پیش از مطلب او را ستایشی در خور بزرگواری او بکند؛ و حق تعالی در سوره کریمه حمد این آداب را تعلیم فرموده است که پیش از عرض حاجت، حمد و ثنا فرموده و خود را به

۱ - بهتر .

۲ - کافی، ج ۲، ص ۵۰۸، باب الدعای للاخوان، ح ۷.

۳ - دعوات رواندی، ص ۲۵، باب فی آداب الدعاء، ح ۳۸.

رحمانیت و رحیمیت و سایر صفات لطف و رحمت ستایش فرموده، و بعد از آن عبادت را به وسیله امام الحاجه عرض کرده، زیرا حاجت طلبان را ارمغانی در خور توانایی خود گذرانیدن مناسب است، و بعد از آن طلب استعانت و هدایت را تعلیم فرموده.

و ایضاً حمد الهی و نعمتهای خود نمودن، موافق وعده الهی موجب مزید نعمت است و حسن طلبی است که: تو خداوندی که پیوسته احسان کرده‌ای، اگر اکنون نیز احسان نمایی، بعید نیست. و نعمتهای خدا را بر دیگران یاد کردن نیز حُسن طلبی است که چون به همه عالم احسان کردی سزاوار است که به من نیز احسان بکنی؛ چنان که شخصی نزد بزرگی می‌رود و قصیده‌ای یا نثری را برای او می‌خواند و کرمه‌های او را یاد می‌کند که بر او نیز کرم کند.

و بنابر این وارد شده است که «بهترین دعاها، الحمد لله است».^(۱) و ایضاً، «چون گناهان آدمی موجب محرومی از خیرات و سعادات است، پیش از دعا، استغفار از گناهان باید کرد تا موجب رفع موانع شود، و به حمد و ثنا او را قریبی به جانب مقدس ایزدی حاصل شود که حاجتش به زودی برآورده شود، و بر این مضامین احادیث بسیار است».^(۲)

چنانچه منقول است که: «مفضل به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که دعای جامعی مرا تعلیم فرما. حضرت فرمود: حمد الهی بکن که چون حمد الهی کردی، هر که نماز می‌کند برای تو دعا می‌کند؛ می‌گوید

۱ - کافی، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحمید، ح ۲ قریب به این مضمون.

۲ - دعوات رواندی، ص ۲۳، فصل ۲، ح ۲۷.

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ؛ یعنی خدا مستجاب کند دعای حمد کنندگان خود را»^(۱).

و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه یکی از شما خواهد که از خداوند خود حاجتی سؤال نماید از حوایج دنیا و آخرت، باید که ابتدا کند به ثنا و مدح خداوند عالمیان و صلوات بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بعد از آن حاجت خود را بطلبد»^(۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «اول خدا را به صفات کمال مدح کن، پس ثنا کن او را بر نعمتها و شکر کن. پس اقرار به گناه خود بکن و بعد از آن سؤال کن، واللّٰه که هیچ بنده‌ای از گناه به در نمی‌آید مگر به اقرار گناهان خود»^(۳).

و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه حاجتی داشته باشید حمد و ثنای پروردگار خود بگوئید، به درستی که کسی که حاجتی از پادشاهی طلب می‌نماید از برای او مهیا می‌کند از ستایش، بهترین سخنانی را که بر آن قدرت دارد که او را به آن سخن بستاید»^(۴).

و فرمود: «بدرستی که شخصی داخل مسجد حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شد، و دو رکعت نماز کرد، و از خدا حاجتی سؤال کرد، حضرت فرمود: این بنده تعجیل کرد بر خداوند خود، دیگری آمد و دو رکعت نماز کرد و بعد از آن خدا را ثنا گفت و صلوات بر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاد. حضرت فرمود: حاجت خود را

۱ - عدة الداعي، ص ۲۶۰، فی اقسام الذکر.

۲ - کافی، ج ۲، ص ۴۸۴، باب الثناء قبل الدعاء، ح ۱.

۳ - همان، ح ۳.

۴ - همان، ص ۴۸۵، صدر حدیث ۶.

به طلب که خدا عطا می فرماید»^(۱)

دوازدهم، از شرایط دعا، صلوات فرستادن است بر محمد و آل محمد علیهم السلام، زیرا اگر کسی حاجتی به درگاه پادشاهی دارد مناسب این است که تحفه برای مقربان آن پادشاه بفرستد تا ایشان شفیع او باشند؛ و اگر ایشان هم شفاعت نکنند، چون آن پادشاه مطلع می شود [که] به ایشان تحفه داده و مقربان او را نوازش فرموده، او را خوش می آید و حاجتش را روا می کند. و ایضاً کسی که محبوب بزرگواری است، نزد آن بزرگوار مدح او کردن و از برای او مطلب طلبیدن هر چند محتاج آن طلب نباشد، آن محبوب، آن بزرگوار را خوش می آید که محبوب او را ستایش می کنند، و به این اسباب صلوات موجب قبول دعا می گردد.

نکته لطیف کاملی در این باب در بیان شفاعت کبری گذشت، و تفصیل این سخن را در شرح صحیفه کامله بیان کرده ایم.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «دعا محبوب است از آسمان و مستجاب نمی شود تا صلوات بر محمد و آل او صلوات الله علیهم فرستند»^(۲)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که دعا کند و پیغمبر صلی الله علیه و آله را یاد نکند دعا بر بالای سرش ایستاده، بال می زند؛ و چون صلوات فرستاد بالا می رود»^(۳)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که را به خدا حاجتی باشد، اول صلوات بر

۱- همان، ذیل حدیث ۶ و صدر حدیث ۷.

۲- همان، ص ۴۹۱، باب الصلوة علی النبی صلی الله علیه و آله ح ۱ و ص ۴۹۳، ح ۱۰.

۳- همان، ص ۴۱۹، ح ۲.

محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بفرستد و بعد از آن حاجت خود را بطلبد؛ پس دعای خود را ختم کند به صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم. به درستی که خدا کریم تر است از آن که دو طرف دعا را قبول فرماید و میان را رد کند، زیرا صلوات بر محمد و آل او عليهم السلام البته مقبول است و رد نمی شود. (۱)

و فرمود: «چون نام پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مذکور شود بسیار صلوات بر او بفرستید که هر که یک صلوات بر آن حضرت بفرستد حق تعالی بر او هزار صلوات بفرستد در هزار صف از ملائکه، و هیچ خلقی نماند مگر آن که بر او صلوات فرستند به سبب صلوات خدا و ملائکه بر او، پس کسی که به چنین رحمتی رغبت ننماید، او جاهل و غافل است و خدا و رسول و اهل بیت از او بیزارند». (۲)

و حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «صلوات بر من و اهل بیت من، نفاق را از دل برطرف می کند». (۳) و به روایت دیگر فرمود: «صداهای خود را بلند کنید به صلوات بر من که نفاق را زایل می گرداند». (۴)

و به سند معتبر از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است که: «هر که صدمرتبه بگوید: «يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» صد حاجت او برآورده شود که سی حاجت از حاجتهای دنیا باشد». (۵)

۱- همان، ص ۴۹۴، ح ۱۶.

۲- همان، ص ۴۹۲، ح ۶.

۳- همان، ح ۸.

۴- همان، ص ۴۹۳، ح ۱۳.

۵- همان، ص ۴۹۳، باب الصلوة على النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ح ۹.

و به روایت دیگر فرمود: «هیچ عملی در اعمال میزان، سنگین تر از صلوات نیست، و به درستی که اعمال شخصی را در قیامت به میزان می‌گذارند سبک می‌آید؛ حضرت رسول ﷺ صلوات بر خود را در میزان او می‌گذارد، سنگین می‌شود و بر اعمالش زیادتی می‌کند.»^(۱)

و به سند معتبر منقول است که: «حضرت صادق علیه السلام به صباح بن سبابه فرمود: می‌خواهی تو را چیزی تعلیم نمایم که خدا به سبب آن، تو را از آتش جهنم نگاه دارد، گفت: بلی. فرمود: بعد از نماز صبح صد نوبت بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تا خدا روی تو را از گرمی آتش دوزخ نگاه دارد.»^(۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که در روز جمعه صدمرتبه بر من صلوات بفرستد حق تعالی شصت حاجت او را برآورد؛ سی حاجت دنیا و سی حاجت آخرت.»^(۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون شب جمعه می‌شود، نازل می‌شوند از آسمان ملائکه به عدد ذرات هوا یا به عدد مورچگان، و قلم‌های طلا و لوح‌های نقره در دست دارند و نمی‌نویسند تا روز شنبه عمل را بغیر از صلوات بر محمد و آل محمد صلوات‌الله علیهم، پس در این شب و روز بسیار صلوات بفرستید.»^(۴) و فرمود: «سنت مؤکد است که در هر روز جمعه بر محمد علیه السلام و اهل بیت او هزار مرتبه صلوات

۱- همان، ص ۴۹۴، ص ۱۵.

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۸۶، ثواب من صلی علی محمد و آله بعد الفجر.

۳- همان، ص ۱۸۷، ثواب من صلی علی محمد و آله یوم الجمعة.

۴- خصال صدوق، ص ۳۹۳، باب السبعة، ذیل حدیث ۹۵.

بفرستند و در روزهای دیگر صد مرتبه».

و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «هیچ عملی در روز جمعه بهتر نیست از صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم»^(۱).

و به سند دیگر منقول است که: «هر که بعد از عصر روز جمعه بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

حق تعالی صد هزار حسنه در نامه عملش ثبت نماید، و صد هزار گنااهش را محو نماید، و صد هزار حاجتش را برآورده و صد هزار درجه برای او بلندکند»^(۲).

و در روایت دیگر آن است که: «اگر هفت مرتبه بخواند، خدا به عدد هر بنده حسنه به او عطا فرماید و عملش در آن روز مقبول گردد، و چون در قیامت مبعوث شود، در میان دو چشمش نوری ساطع باشد»^(۳). و در بعضی احادیث، این زیادتی هست: «وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَ عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»، هر یک را بخوانند خوب است^(۴).

و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «هر که قادر نباشد بر چیزی که کفاره گناهان خود را بدهد، صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم

۱- همان، ج ۲ ص ۳۹۴، باب ماجاء فی یوم السبت، ح ۱۰۱.

۲- امالی صدوق، ص ۳۲۶، مجلس ۶۲، ح ۱۸.

۳- فقه الرضا، ص ۱۲۸، باب ۸، صلوة یوم الجمعة والعمل فی لیلتها.

۴- جمال الاسبوع، فصل ۴۷، ص ۲۷۶، خبر ۶.

بفرستد که گناهانش را درهم می شکند»^(۱)

و حضرت امام علی النقی علیه السلام فرمود: «حق تعالی ابراهیم را خلیل خود گردانید؛ برای آن که صلوات بر محمد و آل محمد بسیار می فرستاد»^(۲)
و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که این نحو بر محمد و آل محمد صلوات فرستد: «صَلَوَاتُ اللَّهِ وَصَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». از گناهان پاک شود مانند روزی که از مادر متولد شده است»^(۳)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام به سند معتبر منقول است که: «چون عطسه کنید، بگویید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ»^(۴)

به سند معتبر دیگر منقول است که: «کسی که صدای عطسه کسی را بشنود و حمد الهی بکند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد، هرگز به درد دندان و درد چشم مبتلا نشود»^(۵)

و به سندهای معتبر بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: «فرمود: صلوات فرستید بر من و آل من و هر که صلوات نفرستد بر من و آل من، بوی بهشت را نشنود با آن که بوی بهشت از پانصد سال راه شنیده

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۴، باب ۲۸، ح ۵۲

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۴، باب ۳۱، ح ۳

۳- معانی الاخبار، ص ۳۶۸، باب معنی الصلوة علی النبی وآله، ح ۱

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۵۵، باب العطاس، ح ۹

۵- همان، ص ۶۵۶، ح ۱۷

می‌شود».^(۱)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بشارت می‌دهم تو را که جبرئیل علیه السلام مرا خبر داد، کسی که از امت من صلوات فرستد بر من و بعد از آن صلوات بر آل من بفرستد، درهای آسمان برای او گشوده می‌شود و ملائکه هفتاد صلوات بر او می‌فرستند، و اگر گناهکار باشد می‌ریزد گناهانش، چنانکه برگ از درختان می‌ریزد، و حق تعالی می‌فرماید: لبيك اى بنده من و سعديك! تو را اجابت کردم و مدد و اعانت تو می‌نمایم، و به ملائکه می‌فرماید: اى ملائکه من! شما هفتاد صلوات بر او فرستادید، من هفتصد صلوات بر او می‌فرستم. و اگر بر من صلوات بفرستد و بر اهل بیت من صلوات نفرستد میان صلوات او و آسمان هفتاد حجاب بهم رسد و حق تعالی می‌فرماید که: «لألييك و لأسعديك» اجابت تو نمی‌کنم و مدد و اعانت تو نمی‌نمایم، اى ملائکه من دعای او را بالا می‌آرید، مگر این که با پیغمبر من عترت او را ملحق گرداند؛ پس دعای او پیوسته در حجاب است تا ملحق گرداند به من اهل بیت مرا».^(۲)

ظاهر احادیث معتبره آن است که هر وقت که نام مبارک آن حضرت مذکور شود، صلوات بر او و آل اطهار فرستادن واجب است.^(۳) و در احادیث معتبره وارد است که فرمود: «کسی که من نزد او مذکور

۱ - امالی صدوق، ص ۱۶۷، مجلس ۳۶، ح ۹.

۲ - همان، ص ۴۶۴، مجلس ۸۵، ح ۱۸.

۳ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴، باب ۳۵، ح ۱ و خصال ج ۲، ص ۶۰۷ ابواب المائة فما فوقه ح ۹، خصال من شرایع.

شوم و صلوات بر من نفرستد که گناهانش آمرزیده شود، پس او دور است از رحمت الهی».^(۱)

و در احادیث دیگر فرمود: «بخیل و بدترین بخیلان کسی است که من نزد او مذکور شوم و صلوات بر من نفرستد».^(۲)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که صلوات مرا فراموش کند راه بهشت را گم کرده است».^(۳)

و به سند معتبر از مالک جهنی منقول است که گفت: «من گلی به دست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم، حضرت گرفتند و بو کردند و بر دیده‌های خود گذاشتند و بعد از آن فرمودند: هر که گلی را بگیرد و بو کند و برچشمانش گذارد و بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، هنوز آن گل را بر زمین نگذاشته که خدا او را بیامرزد».^(۴)

۱ - کافی، ج ۲، ص ۴۹۵، باب الصلوة علی النبی صلی الله علیه و آله، ح ۱۹.

۲ - معانی الاخبار، ص ۲۴۶، باب معنی البخل، ح ۹.

۳ - کافی، ج ۲، ص ۴۹۵، باب الصلوة علی النبی صلی الله علیه و آله، ح ۲۰.

۴ - امالی صدوق، ۲۱۹، مجلس ۴۵، ح ۷.



نجم سوم

﴿ در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها ﴾

بدان که چون حق سبحانه و تعالی وعده فرموده است که دعای بندگان خود را مستجاب گرداند، البته خُلف در وعده الهی نمی‌باشد، پس این که دعاها اثر استجابتش ظاهر نمی‌شود به چند وجه جواب می‌توان گفت:

وجه اول: آن که چون حق تعالی حکیم علیم است، کارهای او البته منوط به حکمت و مصلحت می‌باشد، پس وعده [ای] که فرموده مشروط به حکمت است؛ یعنی اگر مصلحت شما باشد مستجاب می‌کنم، چنانچه اگر کریمی گوید: هر که از من چیزی می‌طلبد عطا می‌کنم، و شخصی بیاید و بگوید: افعی کشنده به دست من بده و یا زهر قاتلی را بده بخورم؛ و آن سائل ضرر آنها را نداند و دادن به او موجب هلاک او گردد، البته عطا نکردن در چنین حال به کرم انساب^(۱) است، بلکه عطا کردن جور است، و ظاهر است که اکثر آرزوهای خلائق موجب ضرر ایشان است که نمی‌دانند و از روی جهالت سؤال می‌نمایند.

و حضرت امام زین العابدین علیه السلام در دعای طلب حاجات صحیفه کامله به این معنی اشاره فرموده: «ای خداوندی که متبَدَل نمی‌سازد حکمت او را، وسیله‌ها»^(۲).

۱ - اُنسب: شایسته تر، در خورتر، مناسبت تر. (فرهنگ فارسی معین).

۲ - صحیفه سجادیته، دعای سیزدهم، اوائل دعا.

اگر کسی گوید: هرگاه چنین باشد دعا چه فایده دارد؟ زیرا هر چه صلاح بندگان در آن است البته خدای تعالی به عمل می آورد.

در جواب می گویم: ممکن است که یک امری بدون دعا، مصلحت در عطای او نباشد و مصلحت مشروط به دعا باشد.

پس امور بر سه قسم است:

بعضی آن است که بدون دعا، مصلحت در عطای آن هست، آن را بدون دعا کرامت می فرماید.

و بعضی هست که با دعا نیز مصلحت در دادن آن نیست، آن را مطلقاً منع می فرماید.

و بعضی هست که با دعا، مصلحت در عطای آن هست و بی دعا مصلحت نیست؛ چنین امری عطایش موقوف به دعا است، و چون آدمی تمیز این امور به عقل خود نمی تواند کرد، باید که در جمیع امور محتمله که به عقل خود خوب داند دعا بکند، و اگر حاصل نشود عطایش موقوف به دعا است، و اگر حاصل نشد از دعا مأیوس نشود و بداند که البته صلاح او در آن چیز نبوده که حق تعالی دعایش را مستجاب نکرده با آن که اصل دعا کردن عبادتی است بهترین عبادتها، و موجب قرب می شود.

چنانچه حضرت صادق علیه السلام فرمود: «دعا کن و مگو که آنچه مقدر شده است خواهد شد، به درستی که دعا عبادت است»^(۱) و تفصیل این کلام بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله.

وجه دوم: آن است که هر چیز را شرطی چند می باشد و چند مانعی

است، که تا آن شرایط به عمل نیاید و آن موانع بر طرف نشود، ثمره بر آن فعل مترتب نمی‌شود؛ مثل آن که حق تعالی فرموده که: نماز کنید تا شما را بیمارزم، نماز را شرایطی هست که اگر بدون آن شرایط به عمل آورد مقبول نیست. پس اگر کسی نماز بی‌وضو بکند نماز نکرده است و مستحق آمرزش نیست.

و همچنین مانعی چند از تأثیر می‌دارد و چنانچه فرموده‌اند: «نماز موجب قرب است»^(۱) اگر کسی نماز کند و جمیع قبایح را بجا آورد تأثیر آن قبایح که موجب بُعد و حرمان است، مانع است از تأثیر نماز در قرب و همچنین اگر طیبی گوید که ریوند^(۲) مسهل است، یعنی اگر با شرایطی که مقرر است بخورند و چیزی که منافی عمل او باشد بجا نیاورند اسهال می‌کند، پس اگر ریوند را بدون سَخَق^(۳) که یکی از شرایط عمل آن است با یک مثقال تریاک که منافی عمل آن است بخورد و عمل نکند، گفته طیب خطا نخواهد بود.

و همچنین دعا را شرایط هست، چنانچه در گذشته دانستی از تضرع و زاری و اهتمام و خدانشناسی و عبادت و ترک معاصی و خوردن حلال و تقدیم حمد و ثنا و صلوات و غیر اینها از شرایط و رفع موانعی که گذشت. پس به هر یک از اینها که اخلاص کند و دعایش مستجاب نشود، منافات با وعده الهی ندارد، و چون این معنی در ضمن احادیثی که قبلاً در باب شرایط مذکور شد به وضوح پیوسته، به همین اکتفا می‌نماییم.

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۶۴۳ خطبه ۱۹۰.

۲- یک داروی گیاهی.

۳- کوبیدن، ساییدن (فرهنگ فارسی امید).

وجه سوم: آن است که گاه هست که حق تعالی دعایی را مستجاب می‌فرماید و مصلحت در تأخیر آن می‌داند، یا برای این که در این وقت به او ضرر می‌رساند یا می‌خواهد که او دعا کند و درجات او در مراتب قرب، بلند گردد، و اگر بزودی حاجت او را برآورد ترک دعا می‌کند و به آن درجات عالیّه فایز نمی‌گردد. و بسیار باشد که حاجت مؤمنی را مستجاب گردانند و بعد از چندین سال به او دهند.

چنانچه منقول است که: «از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می‌شود که دعای کسی مستجاب شود و در رسانیدن به او تأخیر شود؟ فرمود: بلی تا بیست سال.»^(۱) و در حدیث دیگر فرمود: «از وقتی که موسی و هارون علیهم السلام بر فرعون و قومش نفرین کردند^(۲) و حق تعالی فرمود که دعای شما مستجاب شد^(۳) تا وقتی که خدا فرعون را هلاک کرد چهل سال گذشت.»^(۴)

و به سند صحیح منقول است که: «ابن ابی نصر به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض نمود که: چندین سال است که از خدا حاجتی سؤال می‌کنم و روا نمی‌گردد، و از دیر شدن این حاجت در دلم چیزی به هم رسیده. حضرت فرمود: ای احمد! زینهار که شیطان را بر خود راه مده که تو را از رحمت خدا نا امید گرداند. به درستی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: به درستی که مؤمن از حق تعالی حاجتی سؤال می‌نماید و خدا تأخیر

۱ - کافی، ج ۲، ص ۴۸۹، باب من ابطأت علیه الاجابة، ح ۴.

۲ - اشاره به آیه ۸۸ سوره یونس می‌باشد.

۳ - سوره یونس، آیه ۸۹.

۴ - کافی، ج ۲، ص ۴۸۹، باب من ابطأت علیه الاجابة، ح ۴.

می‌اندازد استجاب او را، برای این که دوست می‌دارد شنیدن آواز وی و ناله و زاری او را».

پس حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که: «والله! که آنچه خدا تأخیر می‌کند و از مؤمنان منع می‌فرماید در دنیا، و در آخرت به ایشان می‌دهد، بهتر است از آنچه در دنیا به ایشان می‌دهد».

بدرستی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمود: سزاوار این است که دعای مؤمن در هنگام نعمت و رخا مثل دعای او باشد در وقت شدت و بلا، و چنین نباشد که همین که به او عطا کنند سست شود و دعا را کم کند، پس باید که مؤمن را هرگز از دعا ملال حاصل نشود. به درستی که دعا را رتبه و منزلت عظیم نزد خدا هست و بر تو باد به صبر کردن در بلاها و تنگیها، و طلب حلال نمودن و صلۀ رحم کردن. و زینهار که بپرهیز از عداوت کردن و معارضه نمودن با مردم، به درستی که ما اهل بیت صلۀ رحم می‌کنیم با کسی که از ما قطع می‌کند، و احسان می‌کنیم با کسی که با ما بدی می‌کند. والله! که در این امر، عافیت نیکو مشاهده می‌نماییم.

و بدان که صاحب نعمت در دنیا اگر سؤالی کند و به او عطا کنند، دیگر چیزی غیر آن سؤال خواهد کرد و نعمت الهی در نظر او سهل خواهد شد. و چون نعمت الهی بر مسلمان بسیار شد او را خطر عظیم هست به جهت حقوقی که از خدا بر او واجب می‌شود، و بیم آن هست که فریفته شود و حقوق الهی را ادا ننماید و موجب طغیان او گردد.

بگو به من که اگر سخنی به تو بگویم اعتماد بر گفته من خواهی کرد؟
گفتم: فدای تو گردم! اگر به فرموده شما اعتماد نکنم، به گفته که اعتماد
خواهم کرد؟! و حال آن که تو حجت خدایی بر خلق.

فرمود: پس اعتماد به فرموده خدا بیشتر داشته باش، بدرستی که خدا به تو وعده کرده، آیا خدا نفرموده است که «چون بندگان از توسؤال نمایند از حال من، بگو که من به ایشان نزدیکم؛ مستجاب می‌کنم دعای دعا کننده‌ای که مرا بخواند»^(۱) و می‌فرماید: «نا امید م‌شوید از رحمت الهی»^(۲) و می‌فرماید: «خدا وعده می‌کند شما را مغفرت عظیم از جانب خود و فضل بسیار»^(۳)، پس باید که اعتماد شما بر خدا زیاد باشد از اعتماد بر دیگران، و در خاطر خود راه م‌دهید به غیر از گمان نیک به خداوند، تا گناهان شما آمرزیده شود»^(۴).

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بسیار است که حق تعالی دعای شخصی را مستجاب می‌فرماید و تأخیر می‌نماید تا مدتی، که او زیاده دعا کند»^(۵).

و در حدیث دیگر فرمود: «گاه هست که بنده دعا می‌کند، پس حق تعالی می‌فرماید به دو ملک که موکلند به او که من حاجت او را مستجاب کردم، ولیکن الحال به او م‌دهید تا او دعا کند، که من دوست می‌دارم آواز او را بشنوم، و گاه هست که بنده دعا می‌کند، پس حق تعالی می‌فرماید: زود حاجتش را بدهید که من صدای او را دشمن می‌دارم»^(۶).

۱ - سورة بقره، آیه ۱۸۶.

۲ - سورة زمر، آیه ۵۳.

۳ - سورة بقره، آیه ۲۶۸.

۴ - کافی، ج ۲، ص ۴۸۸، باب من ابطأت علیه الاجابة، ح ۱.

۵ - همان، ص ۴۸۹، ح ۲.

۶ - همان، ص ۴۹۰، ح ۷.

و در حدیث دیگر فرمود: «پیوسته مؤمن با خیر و حالت نیکو است و امیدوار رحمت حق تعالی است مادام که استعجال نکند، که نا امید شود و ترک دعا کند. راوی گفت: چگونه استعجال کند؟ فرمود: استعجال آن است که گوید: این قدر مدت دعا کردم و اجابت را نمی بینم.»^(۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «روزی حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام در کوه بیت المقدس می گشت که چراگاهی برای گوسفندان خود پیدا کند، ناگاه صدای شخصی به گوشش رسید. از پی صدا رفت. دید شخصی مشغول نماز است و طولش دوازده شبر است. چون فارغ شد، حضرت خلیل الله پرسید: ای بنده خدا از برای که نماز می کنی؟ گفت: از برای خدای آسمان.

حضرت ابراهیم علیه السلام پرسید: آیا به غیر از تو، کسی از قوم تو باقی مانده است؟ گفت: نه، پرسید که: خوراک تو از کجا به دست تو می آید؟ گفت: در تابستان میوه این درخت را جمع می کنم و در زمستان به آن معاش می کنم. فرمود: منزلت در کجا است؟ اشاره به کوهی کرد که در برابر بود.

حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: مرا با خود نمی ببری که امشب با تو بسر بریم. گفت: در میان راه آب عظیمی هست که نمی توان گذشت! حضرت فرمود: تو چگونه عبور می نمایی. گفت: بر روی آب راه می روم. حضرت فرمود: مرا با خود ببر، شاید که خدا به من هم این کرامت بفرماید که بر روی آب راه روم چنانکه به تو کرامت فرموده. پس عابد دست حضرت ابراهیم علیه السلام را گرفت و با هم رفتند. چون به آب رسیدند هر دو روی آب روان

شدند و گذشتند. چون به خانهٔ عابد رسیدند، حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: کدام روز عظیم تر است؟ عابد گفت: روز جزا، که مظالم بندگان را از یکدیگر می‌گیرند. حضرت فرمود: بیا دست برداریم و خدا را بخوانیم که ما را از شر آن روز ایمن گرداند. عابد گفت که: دعای مرا چه می‌کنی؟ واللّه! که سه سال است که برای مطالبی دعا می‌کنم و هنوز مستجاب نشده است.

حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: می‌خواهی تو را خبر دهم که برای چه دعای تو را حبس کرده‌اند. گفت: بلی. فرمود: حق تعالی چون بنده‌ای را دوست می‌دارد، دعای او را حبس می‌نماید و زود بر نمی‌آورد تا او بسیار مناجات کند و از جناب مقدس او سؤال نماید و تضرع کند؛ و چون بنده‌ای را دشمن می‌دارد، دعایش را زود مستجاب می‌گرداند یا ناامیدی در دل او می‌افکند که دیگر دعا نکند.

بعد از آن فرمود که: حاجت توچه چیز بود؟ گفت: روزی گلهٔ گوسفندی بر من گذشت و پسر نیکورویی با آن گله بود و آن پسر، گیسوی مشکبویی داشت، پرسیدم که این گوسفندان از کیست؟ گفت: از ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام. پس من دعا کردم که خداوندا! اگر تو را در زمین خلیل و دوستی هست به من بنما. ابراهیم علیه السلام فرمود: خدا دعای تو را مستجاب گردانیده، منم ابراهیم، دوستِ خداوندِ رحمن. پس حضرت با او معانقه فرمود و چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث شدند مصافحه مقرر شد.^(۱)

وجه چهارم: آن است که حق - سبحانه و تعالی - بعضی از بندگان را که حاجتی طلبند و صلاح ایشان در آن نباشد، اضعاف مضاعفِ آن حاجت را

در دنیا و آخرت به ایشان کرامت می‌فرماید؛ پس دعای ایشان را رد نفرموده و حاجت ایشان را بر وجه اکمل روا کرده است، چنانکه اگر کسی از پادشاهی، فلسی طلب نماید و آن پادشاه در عوض، جواهری به او عطا کند که صد هزار تومان قیمت آن باشد، هیچ عاقل نمی‌گوید که حاجت او را رد کرده است، بلکه او را مدح می‌کنند که اضعاف مضاعف آنچه سائل طلبیده به او عطا فرموده.

پس در درگاه پادشاه پادشاهان، این گدایان جاهل و سائلان نادان، مطالب خسیسه را منظور نظر خود می‌گردانند، و از حق تعالی سؤال می‌نمایند، و آن کریم علی الاطلاق، نعمتهای بی‌انتها و رحمت‌های بی‌عدد و احصا در برابر، عطا می‌فرماید، و قدر آنها را نمی‌دانند، و از عدم حصول آن مطلب خسیس شکایت می‌نمایند، اما آنچه در آخرت به ایشان کرامت می‌فرماید، درجات رفیعه و مراتب عالیهٔ بهشت است که نامزد محرومانِ حاجات دنیا و ناکامان عرصهٔ نیستی و فنا گردانیده.

چنانچه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «گاه هست که بنده در حاجتی خدا را می‌خواند و حق تعالی می‌فرماید: اجابت دعای او را تأخیر کنید که من مشتاق آواز و دعای اویم؛ پس چون روز قیامت می‌شود حق تعالی می‌فرماید: ای بندهٔ من! مرا خواندی در دنیا و اجابت تو را تأخیر کردم و فلان ثواب را به عوض، برای تو مقرر ساخته‌ام. و در فلان حاجت دیگر مرا خواندی و اجابت تو را تأخیر کردم و فلان ثواب عظیم را به عوض، به تو داده‌ام، پس آن مؤمن از بسیاری عطاها و ثواب‌ها که مشاهده

نماید، آرزو کند که ای کاش هیچ دعای من در دنیا مستجاب نمی‌شد»^(۱).
و اما آنچه در دنیا عطا می‌فرماید، مراتب قرب و کمالات نامتناهی است که
لازم دعا است.

**ای عزیز! بدان که - حق سبحانه - و تعالی بندگان نادان را به نوعی، از
روی غایت لطف و مهربانی، با طبع جهول ایشان مدارا می‌نماید و به دام و
دانه خواهش‌های طبع سرکش ایشان، از روی حکمت، ایشان را به ساحت
کبریایی خود می‌کشاند؛ چنانچه بلا تشبیه، بازی^(۲) را، پادشاهی خواهد
شکار کند، اگر اول به او گوید که بیا که من تو را بر سر دست خود می‌گیرم، و
شهباز اوج عزتت می‌گردانم، هیچ فایده در تسخیر آن نمی‌کند، بلکه اول او
را به طعمه و دانه، آشنای دام خود می‌گرداند و چون قابل شد، بر روی دست
خویشش جا می‌دهد، و به هر جایش که می‌فرستد به زودی بر می‌گردد.**

و اگر پدر مهربان، طفلی را خواهد که به کسب علوم و حقایق فرستد، اگر
صد هزار دلیل و برهان برای او بگوید فایده نمی‌کند، بلکه او را به جوز و
مویز و وعده قبای رنگین و عبای زرین به مکتب آشنا می‌کند، و چون لذت
فهم حقایق و حکمتها را یافت، به سیاست‌های عظیم، او را از آن شغل باز
نمی‌توان داشت. همچنین این حیوانات عدیم الشعور^(۳) و طفل طبغان
مغرور، چون فضیلتی و کمالی و لذتی و بهره‌ای بغیر از خوردنی و پوشیدنی و
دینار و درهم و خیل و حشم و سایر لذات جسمانی نیافته‌اند، حکیم مطلق
و کریم لایزال، با نهایت مرتبه عظمت و استغنا و جلال، ایشان را به درگاه

۱ - کافی، ج ۲، ص ۴۹۰، باب من ابطأت علیه الاجابة، ح ۹.

۲ - باز: نام پرنده‌ای شکاری.

۳ - بی شعور.

خود خوانده که: هر چه خواهید از من بطلبید، و نمک آش خود را از من بخواهید، و سبزی طعام را از من بطلبید، تا آن که از این راه، رو به درگاه او آورند و از بسیاری دعا و توسل و مناجات - با نهایت بیگانگی - به مرتبهٔ آشنایی و قرب فایز گردند و لذت مناجات او بیابند و از خلق، رو بر تافته، در جمیع امور رو به او داشته باشند.

زهی کرم بی انتها! که به دام و دانه و نمک و سبزی، ما را به ساحت قرب خود می‌رساند و به وسیله خواهش‌های نفسانی، مقرب حضرت یزدانی می‌گرداند. و آن جاهل نادان، شبهه می‌کند یا دلگیر است که حاجتم برآورده نشده است «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ»^(۱).

مگر نمی‌دانی که اصل دعا کردن، عبادتی است و در این ضمن، بندگی خدا کرده‌ای، و با مالک الملوک مناجات کرده‌ای، و ثوابهای آخرت تحصیل نموده‌ای، و پا بر بساط قرب خداوند جبار گذاشته‌ای و خداوند عالم را انیس و هم‌راز خود گردانیده‌ای، و به سمع یقین و ایمان، لَبَّیک‌ها از عرش رفعت شنیده‌ای. و اگر معنی مناجات و لذت آن را بفهمی، و رازهای نهان را به گوش دل بشنوی، و دلداریها و بنده نوازی‌های آن محبوب حقیقی را در هنگام تضرع و دعا ادراک نمایی، حاجت‌ها و آرزوهای خود را گم خواهی کرد، [که] اگر رخصت دخول مجلس پادشاهان عاجز [دنیا] بیایی، و گوشهٔ چشم التفاتی از ایشان ببینی، تمام حاجت‌های خود را فراموش می‌کنی.

هیئات، هیئات!! جسم خاکی را همین بس نیست که او را با جناب ربّ الارباب، به مشافهه رخصت مکالمه و عرض حاجات داده‌اند، و کلیدهای

خزاین رحمت را به زبانش سپرده‌اند، و متکفل امور و مصالح او گردیده‌اند. و حضرت ربّ العزّه می‌فرماید که: تو دعا بکن و خیر خود را به من گذار؛ و او سرکشی می‌کند و از روی علم ناقص و جهل کامل خود، بر آن جناب گستاخی می‌کند، و تحکم می‌نماید. اگر غفلت، عقلها را پریشان نکرده بود، بایست که کسی که این احادیث متواتره را بشنود که حضرت عزّت می‌فرماید: حاجت او را بر می‌آورید، که من آواز او را دوست می‌دارم و مشتاق ناله اویم»، در ناکامی حاجت بر نیامدن، از شوق، به کام دل بمیرد و دیگر دست جانش دامان خواهش نگیرد.

چون سخن نازک شد و عبارت نارسا است و مطلب وسیع، سخن را مختصر کرده، ختم می‌کنم این مبحث را، به ذکر جماعتی که دعای ایشان مستجاب است و جمعی که دعای ایشان مستجاب نیست.

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سه کس است که دعای ایشان مستجاب است؛ کسی که به حج بیت الله الحرام رود دعایش مستجاب است؛ پس نیک به احوال بازماندگانشان برسید تا در حق شما دعا کنند. و کسی که به جهاد فی سبیل الله رود؛ پس نیکو خلافت کنید در اهل ایشان. و کسی که بیمار باشد دعایش مستجاب است؛ پس او را به خشم می‌آورید و دلتنگ نگردانید». (۱)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «پنج دعا است که از پروردگار عالم محبوب نمی‌گردد: دعای امام عادل، و دعای مظلوم، - حق تعالی به او می‌فرماید: البته از برای تو انتقام می‌کشم اگر چه بعد از مدتی

باشد - و دعای فرزند صالح از برای پدر و مادرش، و دعای پدر صالح از برای فرزندش، و دعای مؤمن از برای برادر مؤمنش غایبانه؛ حق تعالی می‌فرماید: تو را دو برابر او کرامت کردم».^(۱)

و از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «بپرهیزید از نفرین مظلوم، که دعای او را از حجابها می‌گذرانند تا آن که حق تعالی به سوی او نظر می‌فرماید و می‌فرماید: بلند کنید دعای او را که من مستجاب می‌کنم. و بپرهیزید از نفرین پدر، که از شمشیر تیز تندتر است».^(۲)

و در حدیث دیگر فرمود: «چهار کس اند که دعای ایشان ردّ نمی‌شود تا آن که درهای آسمان برای ایشان گشوده می‌شود، و دعای ایشان به عرش می‌رسد: دعای پدر از برای فرزند، و نفرین مظلوم بر ظالم، و دعای کسی که به عمره رفته باشد، تا برگردد، و دعای روزه دار تا افطار نماید».^(۳)

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «سه دعا است که از حق تعالی محجوب نمی‌شود: دعای پدر برای فرزند اگر به او نیکی کرده، و نفرین پدر بر فرزند اگر عاق او گردد؛ و نفرین مظلوم بر ظالم، و دعای مظلوم برای کسی که او را یاری کند و حق او را از ظالم بگیرد؛ و دعای مؤمنی که در حق برادر مؤمنی دعا کند که به او مواسات و احسان کرده باشد برای خشنودی اهل بیت رسول خدا صلوات الله علیهم، و نفرینی که مؤمن بر کسی کند که محتاج به او شده باشد و مضطر باشد و او قدرت بر مواسات

۱ - همان، ص ۲۰، باب فیمن یتستجاب دعائه، ح ۲، ح مسلسل ۲۰۴۳.

۲ - عدة الداعی، ص ۱۳۲، باب الثالث فی الداعی، القسم الاول.

۳ - امالی صدوق، ص ۲۱۸، مجلس ۴۵، ح ۴.

و احسان به او داشته باشد و نکند»^(۱).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «پنج کس اند که دعای ایشان مستجاب نیست: مردی که حق تعالی طلاق زنش را به دست او گذاشته و آن زن، او را آزار می‌کند و مالی دارد که مهر او را بدهد و او را رها کند و نمی‌کند و بر او نفرین می‌کند؛ و کسی که غلامش سه مرتبه بگیریزد و او را نفروشد و بر او نفرین کند، باز چون بگیریزد دعا کند که خدا او را به او برگرداند؛ و شخصی که در زیر دیوار خم شده شکسته گذرد و تند نگذرد و دعا کند که بر سرش نیاید؛ و شخصی که مالی به کسی قرض دهد و گواه نگیرد، و دعا کند که خدا مالش را به او رساند؛ و شخصی که قدرت بر طلب روزی داشته باشد و در خانه خود بنشیند و طلب نکند و گوید که خدایا مرا روزی ده»^(۲).

۱ - عدة الداعی، ص ۱۳۳، باب الثالث فی الداعی، القسم الاول.

۲ - خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الخمسة، ح ۷۱.



تنویر سوّم

در ذکر بعضی از انکار و دعوات و تعقیبات

است که به اسانید معتبره منقول گردیده است و این مشتمل بر چند باب است:

❁ باب اول: در بیان فضیلت اذکار است

❁ باب دوّم: در بیان اذکاری که مخصوص وقتی چندند

باب اول

﴿ در بیان فضیلت انکار است و آن مشتمل است بر چند فصل ﴾

①

فصل اول

﴿ در فضیلت تسبیحات اربع است ﴾

به سند معتبر از حضرت امام حسن علیه السلام منقول است که: «جمعی از یهود به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و اعلم ایشان از چند مسأله سؤال نمود، و چون جواب شنید [ند] مسلمان شدند. و از جمله مسأله‌ها این بود که پرسید: یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم! مرا خبر ده از کلماتی که حق تعالی آنها را برای حضرت ابراهیم علیه السلام اختیار نمود در هنگامی که خانه کعبه را بنا کرد، حضرت فرمود: بلی، این کلمات بود: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

یهودی پرسید: چه ثواب دارد کسی که این کلمات را بگوید؟ حضرت فرمود: چون بنده، سبحان الله می‌گوید، با او تسبیح می‌گویند آنچه در زیر عرشند، پس به گوینده تسبیح ده برابر ثواب تسبیح آنها عطا می‌کند. و چون الحمد لله می‌گوید، حق تعالی نعیم دنیا را به او کرامت می‌فرماید و وصل می‌کند آن را به نعیم آخرت، و این کلمه‌ای است که چون اهل بهشت داخل بهشت می‌شوند این کلمه را می‌گویند، و سخنانی که در دنیا می‌گفته‌اند همه منقطع می‌شود به غیر این سخن.

و اما «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» پس بهشت جزای آن است، چنانچه حق تعالی می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» یعنی نیست جزای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مگر بهشت. یهودی گفت: راست می‌گویی ای محمد ﷺ! (۱)

به سند معتبر دیگر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که «سبحان الله» می‌گوید، حق تعالی برای او در بهشت درختی غرس می‌نماید؛ و کسی که «الْحَمْدُ لِلَّهِ» می‌گوید، درختی برای او می‌کارد؛ و کسی که «لا اله الا الله» می‌گوید، درختی برای او می‌کارد؛ و کسی که «الله اکبر» می‌گوید، درختی برای او غرس می‌نماید.

شخصی از قریش به حضرت عرض نمود: پس ما در بهشت درخت بسیار داریم. حضرت فرمود: بلی؛ ولیکن بپرهیزید از این که آتشی بفرستید که آن درختان را بسوزاند، زیرا که حق تعالی می‌فرماید که: ای گروه مؤمنان! اطاعت نمایید خدا و رسول را و باطل مکنید عملهای خود را». (۲)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که: «فقرا به خدمت حضرت رسول ﷺ آمدند و گفتند: یا رسول الله! اغنیا را مالی هست که به آن بنده آزاد کنند، و ما نداریم؛ و ایشان را مالی هست که به آن حج کنند، و ما را نیست؛ و ایشان مال دارند که به آن تصدق کنند، و ما نداریم؛ و ایشان مال دارند که به وسیله آن در راه خدا جهاد کنند، و ما نداریم.

حضرت فرمود: هر که صد مرتبه «الله اکبر» بگوید بهتر است از صد مرتبه بنده آزاد کردن، و هر که صد مرتبه «سبحان الله» بگوید بهتر است از

۱- امالی صدوق، ص ۱۵۸ و ص ۱۵۹، مجلس ۳۵، در ضمن ح ۱.

۲- همان، ص ۴۸۶، مجلس ۸۸ ح ۱۴.

صد شتر با خود بردن به حج که بکشند آنها را از برای خدا، و هر که صد مرتبه «الحمد لله» بگوید بهتر است از صد اسب که زین و لجام کرده مردم را سوار کنند و به جهاد فرستند، و هر که صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید کسی از او در آن روز عملش بهتر نباشد مگر کسی که زیاده از صد مرتبه بگوید. پس چون این خبر به اغنیا رسید ایشان نیز این اعمال را بجا آوردند. فقرا به خدمت آن حضرت آمدند و گفتند که اغنیا نیز این کارها کردند؛ حضرت فرمود که این فضل خداست به هر که می خواهد عطا می فرماید»^(۱)

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «حق تعالی بر خود واجب گردانیده است که هر مؤمنی صد مرتبه «اللَّهُ اكْبَرُ» بگوید و صد مرتبه «الحمد لله» و صد مرتبه «سبحان الله» و صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید «اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْخُورَالْعَيْنِ» البته حق تعالی حوریّه‌ای در بهشت به او کرامت فرماید؛ و این پانصد کلمه مهر آن حوریّه باشد. پس از این جهت حق تعالی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حی فرمود که مهر زنان مؤمنه را پانصد درهم، سنّت گرداند»^(۲)

و به سند معتبر منقول است که: بسیار بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» را که هیچ چیز نزد خدا محبوب تر از این دو کلمه نیست»^(۳)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «سبحان الله» نصف میزان اعمال است، و «الحمد لله» پر می کند میزان اعمال را، و

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۰۵ باب التسبیح و التهلیل والتکبیر، ح ۱

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۴، باب ۳۲، ج ۲۵

۳- کافی، ج ۲، ص ۵۰۶، باب التسبیح و التهلیل و التکبیر، ح ۲

«اللَّهُ أَكْبَرُ» ما بین آسمان و زمین را پر می‌کند»^(۱).

و به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «بسیار بگویند «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، به درستی که این کلمات می‌آیند در روز قیامت با خیرات و ثوابهای عظیم که از پیش رو و عقب خود دارند، و اینها بقیات صالحات، یعنی امور شایسته که از برای آدمی باقی می‌ماند نفع آنها، و حق تعالی فرموده است که باقیات صالحات بهتر و پاینده‌تر است از متاعهای زندگانی دنیا»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که: «حضرت رسول ﷺ روزی به اصحاب خود التفات نموده، فرمودند که: برای خود سپرها اخذ کنید و مهیا سازید، صحابه گفتند: مگر دشمنی به ما روی آورده است که سپر از برای دفع ضرر ایشان مهیا می‌باید کرد؟ فرمود: نه، ولیکن از برای دفع آتش جهنم از خود بگویند: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»^(۳).

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که: هر که بگوید «سُبْحَانَ اللَّهِ» نه از روی تعجب، حق تعالی از آن تسبیح مرغی خلق فرماید که آن مرغ را زبانی بوده باشد، و در میان ملائکه مسبحان تسبیح الهی کند تا روز قیامت، و همچنین است «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ»^(۴).

۱ - همان، ح ۳.

۲ - ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۲۶، باب ثواب من قال سبحان الله ...، ح ۲.

۳ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۷، صدرح ۳۲، در تفسیر سوره کهف.

۴ - ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۲۷، باب ثواب من قال سبحان الله، ح ۱.

فصل دوم

﴿ در ثواب تهلیل است و ثواب انواع آن ﴾

از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «حق تعالی به حضرت موسی علیه السلام خطاب فرمود: اگر آسمانها و ساکنان آنها و زمینهای هفت گانه در یک کفه ترازو باشند و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در کفه دیگر، این بر آنها زیادتی می‌کند.»^(۱)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول ﷺ فرمود: تلقین کنید مرده‌های خود را در وقت جان کندن به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که گناهان را خراب می‌کند و در هم می‌کشد. صحابه گفتند: یا رسول الله! کسی که در صحت بگوید چون است؟ حضرت فرمود: این بیشتر باعث درهم شکستن و برطرف شدن گناهان می‌شود، به درستی که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مونس من است در حال حیات و نزد مردن و در هنگام مبعوث شدن، همانا جبرئیل علیه السلام به من گفت که یا محمد صلی الله علیه و آله! در قیامت جمعی را خواهی دید که از قبرها رو سفید مبعوث می‌شوند، و به آواز بلند می‌گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و جمعی روسیاه می‌شوند و فریاد

می‌کنند یا وِیْلَهُ یا تُبْورَاهُ»^(۱).

و به سند دیگر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «قیمت بهشت
«لا اله الا الله» است»^(۲).

و به سند دیگر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید برای او درختی در بهشت بکارند از یاقوت سرخ که ریشه‌اش از مشک سفید باشد، و میوه‌اش از عسل شیرین تر و از برف سفیدتر باشد، و از مشک خوشبوتر و در آن درخت میوه‌ها باشد به شکل پستان دختران باکره که چون شکافته شود هفتاد حله از میان آن بیرون آید»^(۳).

و از حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام منقول است که: «هر بنده مسلمانی که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید آن کلمه بالا رود، و هر سقفی را بشکافد، و به هر گناهی از گناهان او که برسد محو نماید، تا چون به حسنات او رسد قرار گیرد»^(۴).

و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام منقول است که: «هیچ عملی ثوابش عظیم تر از شهادت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نیست»^(۵).

و به سند صحیح از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «بهترین عبادتها گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است»^(۶).

۱- ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۶، ح ۳.

۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۹۶ و ۲۰۱، ح ۱۵ و ۳۳.

۳- همان، ح ۵.

۴- همان، ص ۱۷، ح ۷.

۵- کافی، ج ۲، ص ۵۱۶، باب من قال لا إله إلا الله، ح ۱.

۶- همان، ذیل ح ۲، ص ۵۱۷.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، عمل او در آن روز بهترین اعمال مردم باشد مگر کسی که بیشتر از او این کلمه را گفته باشد».^(۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «هر عبادتی را اندازه [ای] هست که به آن منتهی می شود، مگر ذکر حق تعالی که آن را حدی نیست که به آن منتهی شود؛ چنانچه حق تعالی نمازهای پنجگانه را واجب گردانیده است، کسی که آنها را ادا نماید به حدش رسانیده است؛ و همچنین کسی که روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد، قرضش را ادا کرده است؛ و کسی که یک مرتبه حج کند، اندازه اش به عمل آمده است؛ به غیر ذکر و یاد خدا که حق تعالی به اندک راضی نشده است، و اندازه و نهایتی برای آن مقرر نساخته است. بعد از آن آیه را خواندند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبَّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ که ترجمه ظاهر لفظش این است که: ای گروه مؤمنان! یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار، و تسبیح و تنزیه کنید او را در بامداد و پسین، پس نهایتی برای ذکر مقرر نساخت. بعد از آن فرمود: پدرم بسیار یاد خدا می کرد، با او که راه می رفتم مشغول ذکر بود، و چون با او طعام می خوردم او را مشغول ذکر می دیدم، و چون با مردم سخن می گفت سخن گفتن او را از یاد خدا باز نمی داشت، و پیوسته می دیدم که زبانش به کامش چسبیده بود و مشغول ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بود، و در صبح ما را جمع می کرد و امر می فرمود که مشغول ذکر و یاد خدا باشیم تا طلوع آفتاب، و می فرمود که هر که قرآن

می تواند خواند قرآن را بخواند، و هر که قرآن نمی تواند خواند ذکر خدا بکند، و خانه‌ای که در آن قرآن می خوانند و یاد خدا می کنند برکت آن خانه بسیار می شود، و شیاطین از آن خانه دوری می کنند، و آن خانه روشنی می دهد اهل آسمان را، چنانچه ستاره‌های روشن، اهل زمین را روشنی می دهند؛ و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نمی شود، و یاد خدا در آن نمی کنند، برکت آن خانه کم است، و ملائکه از آن خانه دوری می کنند، و شیاطین در آنجا حاضر می باشند»^(۱).

و حضرت رسول ﷺ فرمود: «آیا شما را خبر دهم به بهترین اعمال که بیشتر موجب رفع درجات شما گردد و نزد خداوند شما، مقبول تر باشد از برای شما، از دینار و درهم، و بهتر باشد از برای شما از این که با دشمنان دین ملاقات کنید، و بکشید و کشته شوید؟ گفتند: بلی.

فرمود: یاد خدا بسیار کنید. پس فرمود: شخصی به خدمت حضرت رسول ﷺ آمد و پرسید که بهترین اهل این مسجد کیست؟ فرمود: هر که ذکر خدا بیشتر کند. فرمود که: هر که را خدا زبان ذکر کننده عطا فرماید، همانا خیر دنیا و آخرت به او کرامت فرموده است»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که خدا را بسیار یاد کند او را بسیار دوست دارد، و هر که ذکر خدا بسیار کند حق تعالی دو برات برای او بنویسد، یکی بیزاری از آتش جهنم و یکی بیزاری از نفاق»^(۳).

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۹۸، باب ذکر الله عزوجل کثیراً، ح ۱.

۲- همان، ص ۴۹۹، ذیل روایت ۱.

۳- همان، ص ۵۰۰، ح ۳.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را از روی اخلاص بگوید داخل بهشت شود، و اخلاص او آن است که این کلمه طیبه او را مانع شود از مرتکب شدن هر چیزی که خدا آن را حرام کرده است.»^(۱)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید بر غیر وجه تعجب، خدا از آن کلمه مرغی خلق فرماید که تا روز قیامت بر بالای سر گوینده آن کلمه بال زند، و ذکر خدا کند، و ثوابش از او باشد.»^(۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: «تلقین کنید مرده‌های خود را به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» به درستی که هر که آخر کلامش «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» باشد داخل بهشت می‌شود.»^(۳)

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «چون حضرت نوح علیه السلام داخل کشتی شد حق تعالی به او وحی نمود که هر وقت خوف غرق شدن داشته باشی هزار مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگو.»^(۴)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «جبرئیل علیه السلام به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: یا محمد! خوشا به حال کسی از امت تو که بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ.»^(۵)

۱- ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۹، باب من قال لا إله إلا الله مخلصاً، ح ۱.

۲- همان، ص ۲۲، باب من قال لا إله إلا الله من غير تعجب، ح ۱.

۳- امالی صدوق، ص ۴۳۴، مجلس ۸۰، ح ۵.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۵، باب ۳۱، ضمن ح ۲۰۶.

۵- کافی، ج ۲، ص ۵۱۷، باب من قال لا إله إلا الله وحده وحده وحده، ح ۱.

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ**، بگوید، خداوند عزیز جبار او را پناه دهد از فقر، و وحشت قبر او را به انس مبدل گرداند، و سبب توانگری او گردد، و چنان باشد که در بهشت را کوبد»^(۱).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز سی مرتبه این تهلیل را بخواند رو کند به توانگری، و پشت کند به درویشی و فقر، و در بهشت را بکوبد»^(۲).

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز پانزده مرتبه این تهلیل را بگوید: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَضَدِّقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا**، حق تعالی روی رحمت خود را به سوی او بدارد، و از او روی لطف برتابد تا او را داخل بهشت گرداند»^(۳).

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که بگوید: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ**، حق تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد، و به روایت دیگر دو هزار هزار حسنه برای او ثبت نماید»^(۴).

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز ده مرتبه این دعا را بخواند **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا**، بنویسد حق تعالی

۱ - محاسن برقی، ص ۳۲، باب ۱۸، ح ۲۲، ثواب قول **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** ...

۲ - ثواب الاعمال، ص ۲۳، باب من قال فی کل یوم ثلاثین مرة ...، ح ۱.

۳ - ثواب الاعمال، ص ۲۴، باب من قال فی کل یوم خمس عشر مرة ...، ح ۱.

۴ - کافی، ج ۲، ص ۵۱۸، باب من قال اشهد ان لا اله الا الله ...، ح ۱.

عزّ شأنه از برای او چهل و پنج هزار حسنه، و محو کند ازنامه گناهان او چهل و پنج هزار گناه، و بلند گرداند از برای او چهل و پنج هزار درجه.»^(۱) و در روایت دیگر وارد شده است که: «این دعا، حرزی باشد برای او در آن روز از شرّ شیطان و مردم صاحب سلطنت؛ و در آن روز گناه کبیره او را فرانگیرد.»^(۲)

و به روایت دیگر وارده شده است که: «هرکه در هر روزی این دعا را بخواند، حق تعالی برای او چهل و پنج هزار درجه بلند گرداند، و چنان باشد که در آن روز دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد، و حق تعالی در بهشت خانه‌ای برای او بنا فرماید.»^(۳)

۱- همان، ص ۱۹۵، باب من قال عشر مرات فی کل یوم «اشهد ان لا اله الا الله»، ح ۱.

۲- همان، ذیل ح ۱.

۳- ثواب الاعمال، ص ۱۹، باب ۲۱، ح ۱.

فصل سوم

﴿ در فضیلت تسبیح است ﴾

به سند معتبر از یونس بن یعقوب منقول است که: «[او] از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمود: کسی که صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید [آیا] او ذکر بسیار کرده، و به فرموده خدا در این که امر به ذکر کثیر نموده، عمل کرده است؟ فرمود: بلی.»^(۱)

و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هر که بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» حق تعالی سه هزار حسنه از برای او ثبت نماید، و سه هزار گناه از او محو نماید، و سه هزار درجه از برای او مرتفع گرداند، و مرغی در بهشت از برای او خلق نماید که تسبیح الهی کند، و ثواب تسبیحش از او باشد.»^(۲)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود: «چون بنده «سُبْحَانَ اللَّهِ» می گوید جمیع ملائکه بر او صلوات می فرستند.»^(۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر کسی سی مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» رو کند به

۱- نواب الاعمال، ج ۱، ص ۲۷، ثواب من قال سبحان الله مائة مرة ح ۱.

۲- همان، ثواب من قال سبحان الله و بحمده، ح ۱.

۳- معانی الاخبار، ص ۹، باب معنی سبحان الله، ح ۳.

توانگری، و پشت کند از فقر، و بگوید در بهشت را»^(۱).

و از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ» ایزد تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد، و هزار هزار گناه از او محو نماید، و هزار هزار درجه برای او بلند کند؛ و هر که زیاده بگوید، خدا ثوابش را زیاده کند؛ و هر که استغفار کند، خدا گنااهش را بیامزد»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است که: «هر که هر روز سی مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید حق تعالی از او دفع نماید هفتاد نوع از بلا را که سهل تر آنها فقر باشد»^(۳). و به سند دیگر همین مضمون از حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است^(۴).

و به سند دیگر از آن حضرت منقول است که: «حق سبحانه و تعالی چون نور مقدس نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ را خلقت نمود او را در حجاب القُدرة دوازده هزار سال ساکن گردانید، و در آن جا آن حضرت این تسبیح می گفتند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى [و بِحَمْدِهِ]» و در حجاب العظمه یازده هزار سال ماندند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ عَالَمِ السِّرِّ» و در حجاب المنه ده هزار سال ماندند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَلْهُو» و در حجاب الرّحمة نه هزار سال ساکن بودند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى» و در حجاب السعاده هشت هزار سال بودند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَسْهُو» و در حجاب الكرامه

۱- امالی صدوق، ص ۲۳۲، مجلس ۴۷، ح ۱۳.

۲- معانی الاخبار، ص ۴۱۱، نوادر المعانی، ح ۹۸.

۳- امالی صدوق، ص ۵۴، مجلس ۱۳، ح ۴.

۴- خصال، ج ۲، ص ۵۰۵، ابواب الستة عشر، ج ۲.

هفت هزار سال به این تسبیح مشغول بودند: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ غَنِيٌّ
لَا يَفْتَقِرُ» و در حجاب المنزله شش هزار سال به این تسبیح مشغول بودند:
«سُبْحَانَ الْعَلِيمِ الْكَرِيمِ» و در حجاب الهدایه پنج هزار سال ماندند و این
تسبیح می فرمودند: «سُبْحَانَ ذِي الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» و در حجاب النبوه چهار
هزار سال سکنی داشتند به این تسبیح [مشغول بودند]: «سُبْحَانَ رَبِّ
الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ» و در حجاب الرّفعه سه هزار سال ماندند و این تسبیح
می گفتند: «سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ» و در حجاب الهیبه دو هزار
سال بودند و خدا را این تسبیح می نمودند: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ» و در
حجاب الشّفاعة هزار سال به این تسبیح اشتغال داشتند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ
الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ». (۱)

فصل چهارم

در فضیلت تحمید و انواع محامد است

به سند معتبر منقول است که: «از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که کدام عمل نزد خدا بهترین اعمال است؟ فرمود: حمد او کردن».^(۱) و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» شکر جمیع نعمتهای خدا را ادا کرده است».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه التَّحِيَّةُ وَالثَّنَاءُ منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که را خدا نعمتی به او کرامت فرماید حمد الهی بکند، و هر که روزی او دیر برسد استغفار بکند، و هر که را اندوهی رو دهد یا کار دشواری پیش آید بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»».^(۳)

و به سند معتبر دیگر از حضرت امام رضا علیه التَّحِيَّةُ وَالثَّنَاءُ منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم را امری رو می داد که موجب سرور بود می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ» و چون امری رو می داد که مورث الم ^(۴) بود می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»».^(۵)

۱ - کافی، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحمید و التمجید، ح ۲.

۲ - خصال، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الخمسة، ذیل ح ۷۲.

۳ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶، باب ۳۱، ح ۱۷۱.

۴ - موجب ناراحتی می شد.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر روز حمد الهی می کردند سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدن، به این حمد که «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ»^(۶).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون کسی را بینی که به بلایی مبتلا گردیده است، سه مرتبه این تحمید را آهسته بخوان که او نشنود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي غَافِنِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ فَعَلَ» بعد از آن فرمود: هر که در این حال این دعا را بخواند، هرگز به آن نوع بلا مبتلا نشود»^(۷).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که: «هر که بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ» کاتبان اعمال از نوشتن باز می مانند و می گویند: خداوند! ما غیب را نمی دانیم، یعنی حمدی را که تو سزاواری ثواب آن را نمی دانیم؛ حق تعالی در جواب ایشان می فرماید که: آنچه بنده من گفته شما بنویسید و ثوابش بر من است»^(۸).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز هفت مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ كَأَنَّتْ أَوْهِي كَأَنَّتْ» شکر نعمتهای گذشته و آینده را ادا کرده است»^(۹).

۵- امالی طوسی، ص ۵۰، مجلس دوم، ح ۳۳، ح مسلسل ۶۴

۶- کافی، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحمید و التمجید، ح ۳.

۷- امالی صدوق، ص ۲۲۰، مجلس ۴۵، ح ۱۲.

۸- ثواب الاعمال، ص ۲۸، ثواب من قال الحمد لله كما هو أهله، ح ۱.

۹- همان، ص ۲۴، ثواب من قال في كل يوم سبع مرات... ح ۱.

فصل پنجم

در فضیلت استغفار است

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «خود را خوشبو و معطر گردانید به استغفار، تا رسوا نکند شما را بویهای بد گناهان». (۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «استغفار روزی را زیاد می‌کند». (۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: «بهترین دعاها استغفار است». (۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون بنده استغفار بسیار کند، صحیفه عملش که بالا می‌رود می‌درخشد و نور می‌دهد». (۴)

و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» او متکبر و جبار نیست». (۵)

۱ - امالی طوسی، ص ۳۷۲، مجلس ۱۲، ح ۵۲ ح مسلسل ۸۰۱.

۲ - خصال، ج ۲، ص ۵۰۵ ابواب الستة عشر، ح ۲.

۳ - کافی، ج ۲، ص ۵۰۴، باب الاستغفار، ح ۱.

۴ - همان، ح ۲.

۵ - خصال، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الخمسة، ذیل ح ۷۲.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «استغفار کردن و گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بهترین عبادات است.»^(۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در مجلسی که می نشستند هر چند اندک بود بر نمی خاستند تا بیست و پنج مرتبه استغفار نمی کردند.»^(۲)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد مرتبه می فرمودند: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» و هفتاد مرتبه می فرمودند: «أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ.»^(۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که گناهی می کند هفت ساعت او را مهلت می دهند؛ پس اگر این استغفار را سه مرتبه خواند بر او نمی نویسند «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.»^(۴)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در روزی صد مرتبه بگوید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» حق تعالی هفتصد گناه او را بیامرزد، و خیری نیست در بنده‌ای که روزی هفتصد گناه بکند.»^(۵)

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر مؤمنی که در شبانه روز چهل گناه کبیره بکند و با ندامت و پشیمانی بگوید:

۱- کافی ج ۲، ص ۵۰۵، باب الاستغفار، ح ۶

۲- همان، ص ۵۰۴ ح ۴.

۳- همان، ص ۵۰۵ ح ۵

۴- همان، ص ۴۳۸، باب الاستغفار من الذنب، ح ۵

۵- همان، ص ۴۳۹، ح ۱۰

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ» البته حق تعالی آن گناهان را بیامرزد، و خیری نیست در بنده [ای] که شبانه روزی چهل گناه کبیره بکند.^(۱)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول ﷺ در هر روز و شبی صد مرتبه توبه و استغفار می کردند با آن که گناهی از آن حضرت هرگز صادر نمی شد.»^(۲)

۱- همان ۴۳۸، ح ۷.

۲- خصال، ص ۲۱۸، ح ۴۳، و امالی صدوق، ص ۱۵، ح ۲.



فصل ششم

﴿ در فضیلت انکار متفرقه است ﴾

به سند معتبر از حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام منقول است که فرمود: «عجب دارم از کسی که او را خوفی از دشمنی یا غیر آن باشد، چرا پناه به این کلمه نمی‌برد که: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» زیرا حق تعالی می‌فرماید: آن جماعتی که این کلمه را گفتند، برگشتند با نعمتی عظیم از جانب خدا و فضل بسیار، و به ایشان نرسید بدی.

و عجب دارم از کسی که غمی او را عارض می‌شود؛ چرا پناه نمی‌برد به این کلمه که حضرت یونس علیه السلام در شکم ماهی گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» زیرا حق تعالی بعد از آن می‌فرماید: پس ما دعای یونس را مستجاب کردیم و او را از غم نجات دادیم، و چنان که او را نجات دادیم، همچنین نجات می‌دهیم مؤمنان را.

[و عجب دارم از کسی که دشمنان در مقام مکر او باشند، چرا پناه نمی‌برد به این آیه که: «أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» زیرا حق تعالی می‌فرماید که: چون مؤمن آل فرعون این کلمه را گفت، خدا او را حفظ کرد و نگاه داشت از بدیهای آنچه مکر نسبت به او کرده بودند].^(۱)

و عجب دارم از کسی که ارادهٔ مال و متاع دنیا داشته باشد، چرا پناه نمی‌برد به این کلمه که: «مَا شَاءَ اللَّهُ لِأَحْوَالٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» زیرا حق تعالی می‌فرماید: برادر مؤمن به برادر کافر گفت که چرا داخل باغ خود که شدی این کلمه را نگفتی؟ اگر مرا چنین می‌بینی که مال و فرزندم از تو کمتر است، پس شاید پروردگار من بهتر از بهشت تو، به من عطا فرماید، و «شاید» را، حق تعالی در مقام جزم اطلاق می‌کند.^(۱)

و به سندهای معتبر از آن حضرت صلوات الله علیه منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت رسول ﷺ آمده شکایت نمود از وسوسهٔ سینه و بسیاری قرض و احتیاج. حضرت فرمود که: مکرر این کلمات را بخوان: «تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا.»

بعد از اندک وقتی آن مرد به خدمت آن حضرت آمد و گفت: به برکت آن دعا، حق تعالی وسوسهٔ سینهٔ مرا بر طرف کرد، و قرض مرا مؤدای ساخت، و روزی مرا فراخ گردانید.^(۲)

و به سند صحیح دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول ﷺ فرمود: حضرت آدم عليه السلام به حق تعالی شکایت کرد از وسوسهٔ خاطر و اندوه، جبرئیل عليه السلام نازل شد و گفت: یا آدم! بگو: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» چون آدم عليه السلام این کلمه را گفت وسوسه و اندوه از او بر طرف شد.^(۳)

۱ - امالی صدوق، ص ۱۵، مجلس دوم، ح ۲.

۲ - کافی، ج ۲، ص ۵۵۵، باب الدعاء للدين، ح ۳.

۳ - امالی صدوق، ص ۴۲۶، مجلس ۸۱، ح ۵.

و به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که نعمتهای الهی بر او بسیار شود بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و کسی که فقر و احتیاج بر او زیادتی کند بسیار بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» به درستی که این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت، و در آن شفای هفتاد و دو درد هست که کمتر آنها هم و اندوه است». (۱)

و به سند صحیح از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است که در شب معراج حق تعالی به حضرت رسول ﷺ وحی فرمود که: «به تو عطا می‌کنم دو کلمه از خزینه‌های عرش خود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ». (۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «هر که را اندوهی عارض شود بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَظِيمِ». (۳) و در حدیث دیگر منقول است که: «ابوذر رَجِمَهُ اللَّهُ» گفت که حضرت رسول ﷺ مرا وصیت نمود که این کلمه را زیاد بگویم». (۴)

و به سند صحیح از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است که: «هر که هر روز صد مرتبه «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید، حق تعالی از او هفتاد نوع از بلا دفع نماید که سهل تر آنها غم و اندوه باشد». (۵)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که دعا کند

۱- همان، ص ۴۴۷، مجلس ۸۲، ح ۱۳.

۲- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱، در تفسیر سوره اسری، آیه اول.

۳- عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۴۶، باب ۳۱، ح ۱۷۱.

۴- خصال، ج ۲، ص ۳۴۵، باب السبعة ح ۱۲.

۵- ثواب الاعمال، ص ۱۹۵، ثواب من قال فی کل یوم لا ... ح ۱.

و ختم کند دعای خود را به گفتن «مَا شَاءَ اللَّهُ لِأَحْوَالٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» البته دعای او مستجاب شود»^(۱).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هفتاد مرتبه بگوید «مَا شَاءَ اللَّهُ لِأَحْوَالٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» حق تعالی بگرداند از او هفتاد نوع از انواع بلا که کمتر آنها آن باشد که دیوانه شود و بسبب دیوانگی هلاک بشود»^(۲).
و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که: «خدا را ملکی هست موکل به آسمان اول، اسمعیل نام دارد، چون بنده هفت نوبت می گوید: «يَا أَزْهَمَ الرَّاحِمِينَ» آن ملک می گوید: أَزْهَمَ الرَّاحِمِينَ صدای تو را شنید هر حاجتی که داری بطلب تا عطا کند»^(۳).

و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هر که ده مرتبه بگوید: «يَا اللَّهُ» حق تعالی به او خطاب فرماید که: لَبَّيْكَ! چه حاجت داری و همچنین اگر ده مرتبه «يَا رَبِّ» بگوید، همین خطاب کنند او را»^(۴).
همچنین به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هر که بگوید: «يَا رَبِّي اللَّهُ» آن قدر که یک نفس او وفا کند، به او خطاب فرماید حق تعالی که: لَبَّيْكَ! حاجت خود را بگو»^(۵).

و در حدیث دیگر فرمود: «بعضی از فرزندان پدرم بیمار شدند. پدرم بر او گذشت، فرمود: ده مرتبه بگو «يَا اللَّهُ» که هیچ یک از مؤمنان ده مرتبه

۱ - همان، ص ۲۴، ثواب من دعا و ختم دعائه...، ح ۱.

۲ - کافی، ج ۲، ص ۵۲۱، باب من قال ما شاء الله...، ح ۲.

۳ - دعوات راوندی، ص ۴۵، فصل فی الدعاء، ح ۱۰۹.

۴ - کافی، ج ۲، ص ۵۱۹ و ص ۵۲۰، باب من قال يا الله، ح ۱۱ و باب من قال رب، ح ۱.

۵ - محاسن، ص ۳۵، باب ۲۷، ح ۳۲.

این کلمه را نمی‌گوید مگر آن که پروردگار عالم می‌فرماید که: لَبَّيْكَ اَيُّ بِنْدَةٍ مِنْ! حاجت خود را سؤال کن».^(۱)

و به سند معتبر از امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود: «پدرم را در خواب دیدم، فرمود که: هرگاه به شدتی و سختی گرفتار شوی بسیار بگو «يَا رَوْفُ يَا رَحِيمٌ».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که به بعضی از اصحاب خود فرمود: «می‌خواهی به تو تعلیم کنم اسم اعظم الهی را، بخوان سوره حمد و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و آیه الکرسی و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» پس رو به قبله کن و هر حاجت که داری از خدا بطلب».^(۳)

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «اسم اکبر خدا «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ» است».^(۴) و به روایت دیگر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «این دعا مشتمل است بر اسم اعظم:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ وَحَدِّكَ وَحَدِّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ أَنْتَ الْمَتَّانُ بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَذُو الْأَسْمَاءِ الْعِظَامِ وَذُو الْعِزِّ الَّذِي لَا يُرَامُ وَالْهَيْكَلُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.» بعد از خواندن این دعا، هر حاجتی که داری بطلب».^(۵)

و به سند معتبر از سکین بن عمّار مروی است که گفت: «شبی در مکه

۱- قرب الاسناد، ص ۱، ح ۲.

۲- مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶، ح ۸۶.

۳- مهج الدعوات، ص ۳۱۶، فی تعیین اسم الاعظم.

۴- همان، ص ۳۱۷، فی تعیین اسم الاعظم.

۵- همان، ص ۳۲۱، من الروایات فی اسم الله.

خوابیده بودم. شخصی به خواب من آمد و گفت: برخیز که شخصی خدا را در زیر میزاب به اسم اعظم «رَبُّ الْاَرْبَابِ» می خواند. بیدار شدم و به خواب رفتم؛ پس بار دیگر مرا صدا زد و همان سخن را گفت. بیدار شدم و باز به خواب رفتم؛ در مرتبه سوم مرا صدا زد که برخیز که موسی بن جعفر علیه السلام خدا را به اسم اعظم می خواند در تحت میزاب، سکین می گوید که: برخاستم و غسل کردم، چون به نزد حجر آمدم، شخصی را دیدم که جامه خود را بر سر پیچیده و در سجده است؛ در پشت سر آن حضرت نشستم، این دعا را می خواندند «يَانُورُ يَا قُدُّوسُ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» سه مرتبه، «أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» سه مرتبه، «أَسْأَلُكَ بِأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» سه مرتبه، «أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْعَزِيزِ الْمُبِينِ» سه مرتبه؛ سکین گفت که آن حضرت مکرر این دعا را خواندند تا من حفظ کردم». (۱)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر مؤمنی که این کلمات را بخواند من ضامن اویم در دنیا و آخرت؛ اما در دنیا، پس ملائکه او را بشارت دهند در هنگام مردن؛ و اما در آخرت، پس حق تعالی به عدد هر کلمه خانه ای در بهشت به او کرامت فرماید، و دعا این است: «يَا أَسْمَعَ السَّمِيعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْخَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ». (۲)

۱- همان، ص ۳۲۱، من الروایات فی اسم الله.

۲- قرب الاسناد، ص ۲، ح ۵.

باب دوم

﴿ در بیان انکاری که مخصوص وقتی چندند ﴾

و این باب مشتمل است بر چند فصل

①

فصل اول

در تعقیب نماز صبح و شام است و انکاری که در صبح و شام باید خواند

به سندهای معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که:
«چون از نماز شام فارغ شوی از جای خود حرکت مکن تا صد مرتبه
بگویی: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لِأَحْوَالٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ»
و همچنین صد مرتبه بگوید بعد از نماز صبح؛ به درستی که هر که در این
دو وقت این را بخواند، حق تعالی از او دفع کند صد نوع از انواع بلا را که
کمتر آنها خوره و پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان باشد». (۱)
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه این کلمات
را بخواند بعد از نماز صبح، به اسم اعظم الهی نزدیکتر است از سیاهی
چشم به سفیدی آن، به درستی که اسم اعظم در این کلمات داخل است». (۲)

۱ - کافی، ج ۲، ص ۵۳۱، باب القول عند الاصبح و الامساء، ح ۲۹.

۲ - مهج الدعوات، ص ۳۱۶، فی تعیین اسم الاعظم.

و به چندین سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که این کلمات را بعد از نماز صبح و شام هفت مرتبه بخواند، حق تعالی از او هفتاد نوع از بلا دفع کند که کمترش قولنج و پیسی و دیوانگی و خوره باشد، و اگر نامش در نامه اشقیاء باشد محو کنند و در نامه سعدا ثبت نمایند». (۱) و در روایت دیگر سه مرتبه واقع شده است با همین ثواب. (۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه بعد از نماز صبح بگوید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لِأَحْوَالِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» در آن روز نبیند امری را که مکروه او باشد». (۳)

و به سندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب ده مرتبه این تهلیل را بخواند که: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». کفاره گناهان او باشد در آن روز؛ (۴) و به روایت دیگر خدا را ملاقات نکند بنده به بهتر از عمل او، مگر کسی که عمل او را کرده باشد». (۵)

و در روایت دیگر وارد شده است که: «سنت واجب است که این تهلیل را ده مرتبه بخوانند و ده مرتبه بگویند: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونَنِي إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» و فرمود که

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۳۱، باب القول عند الاصبح...، ح ۲۵، و ۲۶.

۲- همان، ح ۲۷.

۳- همان، ص ۵۳۰، ح ۲۴.

۴- همان، ص ۵۱۸، من قال لا اله الا الله، ح ۱.

۵- همان، ح ۲.

اگر این ذکر را در این وقت فراموش کنی قضا کن چنانکه نماز را قضا می‌کنی و احادیث در فضیلت این دو ذکر بسیار است»^(۱)

و به سند معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت طلوع صبح، ده مرتبه این تهلیل را بگوید که گذشت؛ و ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد؛ و سی و پنج مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» و سی و پنج مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و سی و پنج نوبت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، او را در آن صباح از غافلان نویسند، و اگر همین اذکار را در شام بگوید، او را در آن شب از غافلان نویسند»^(۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت شام صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، چنان باشد که صد بنده آزاد کرده باشد»^(۳)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو رفتن آن، حق تعالی ثواب صدبنده آزاد کردن در نامه عملش بنویسد»^(۴)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که: در فرزند آدم سیصد و شصت رگ هست که صد و هشتاد رگ از آنها متحرک است و صد و هشتاد رگ دیگر ساکن، که اگر یکی از رگهای متحرک ساکن شود یا یکی از رگهای ساکن متحرک شود،

۱ - همان، ص ۵۳۲ و ص ۵۳۳، باب القول عند الاصبح، ح ۳۱ - ۳۳.

۲ - همان، ص ۵۳۴ ح ۳۵.

۳ - ثواب الاعمال، ص ۱۹۵، باب من کتبر عند المساء.

۴ - محاسن، ج ۱، ص ۳۶، باب ۲۸، ح ۳۳.

او را خواب نمی‌برد؛ بنابراین این حضرت رسول ﷺ در هر صبح و هر شام سیصد و شصت مرتبه می‌گفتند: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ خَالٍ**.^(۱)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در صبح چهار مرتبه بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**»، به تحقیق که شکر آن روز را ادا کرده است؛ و همچنین اگر در شام چهار مرتبه بگوید، شکر آن شب را ادا کرده است».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول ﷺ بر شخصی گذشتند که باغ خود را درخت می‌کاشت، حضرت ایستادند و فرمودند که می‌خواهی تو را دلالت کنم بر درخت کِشتنی، که اصلش ثابت‌تر و میوه‌اش زودرس‌تر و نیکوتر و باقی‌تر باشد؟ گفت: بلی. فرمود: در هر صبح و شام بگو: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** تا آن که حق تعالی به عدد هر تسبیحی ده درخت در بهشت به تو کرامت فرماید از انواع میوه‌ها».^(۳)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «در صبح این دعا را بخوان:

أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ وَ دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ أَمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلِيٍّ وَ الْأَوْصِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ

۱- کافی ج ۲، ص ۵۰۳ باب التحمید و التمجید، ح ۴.

۲- عدة الداعی، ص ۲۶۰، فی اقسام الذکر.

۳- امالی صدوق، ص ۱۶۹، مجلس ۳۶، ح ۱۶.

عَلَيْهِمْ وَ ارْغَبْ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغَبُوا إِلَيْهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (۱)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که در

صبح و شام سه نوبت بگوید:

«رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيًّا وَ بِالْقُرْآنِ بَلَاغًا وَ بِعَلِيِّ إِمَامًا وَ بِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَرَثَتِهِ أَئِمَّةً».

البته بر حق تعالی لازم است که در روز قیامت او را راضی گرداند». (۲)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر بنده

که قبل از طلوع آفتاب این دعا بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصْبَلًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا لِأَشْرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

ملکی مبادرت نماید و این دعا را در میان بال خود بگیرد و به آسمان

برد، و چون به آسمان اول درآید ملائکه به او گویند که چه چیز داری؟ در

جواب گوید که: شخصی از مؤمنان به این کلمات تکلم نموده؛ و کلمات را

بر ایشان بخواند، ملائکه گویند که: خدا رحم کند آن کسی را که این کلمات

را خوانده است و گناهان او را بیامرزد؛ پس به هر آسمان که گذرد ملائکه از

او سؤال کنند، و چون جواب گوید همین دعا کنند؛ و آن ملک این کلمات را

ببرد و در دیوان کنوز که اعمال خالص مؤمنان در آنجا مثبت است، ثبت

نماید». (۳)

و به سند عالی از ابو حمزه ثمالی منقول است که: «از حضرت امام

۱ - کافی، ج ۲، ص ۵۲۲، باب القول عند الاصبح ... ح ۴.

۲ - همان، ص ۵۲۵، ذیل ح ۱۲.

۳ - همان، ص ۵۲۶، ح ۱۴.

محمد باقر علیه السلام سؤال نمود از تفسیر آنچه حق تعالی در شأن حضرت ابراهیم علیه السلام فرموده که حقوق الهی و اوامر او را وافی و تمام ادا نمود، حضرت فرمود که چون صبح می کرد سه مرتبه می گفت:

«أَصْبَحْتُ وَرَبِّي مَحْمُوداً أَصْبَحْتُ لِأَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئاً وَلَا أَدْعُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهاً وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً».

و همچنین در شام سه مرتبه می فرمود. و اگر در شام خوانند به جای «أَصْبَحْتُ» در هر دو جا «أَمْسَيْتُ» می باید گفت. (۱)

و به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «چون حضرت نوح علیه السلام در هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را می خواندند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَاقِبَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا».

به این سبب حق تعالی او را عبد شکور فرمود؛ یعنی بنده بسیار شکر کننده. و اگر در شام خواند چنین بگوید: «أَنَّهُ مَا أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ» (۲). و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در صبح انگشتر عقیق در دست راست خود داشته باشد، و پیش از آن که به احدی نظر کند نگین عقیق را به کف دست خود بگرداند و به آن نگین نظر کند، و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» بخواند، پس این دعا [را] بخواند که: «أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَحَدَّهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْحَبِطِ وَالطَّاغُوتِ وَأَمَنْتُ

۱- همان، ص ۵۲۵ ح ۳۸.

۲- همان، قریب به مضمون، و تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۷.

بِسْرِ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَائِبَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ».

حق تعالی او را در آن روز از شر جمیع بلاهای آسمان و زمین حفظ نماید»^(۱).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هرکه بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار بگوید، خدا او را بیمارزد اگر چه هفتاد هزار گناه کرده باشد»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هرکه در وقت شام سه مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ» هیچ خیری در آن شب از وی فوت نشود، و جمیع شرور و بدیهای آن شب از او رفع شود؛ و همچنین اگر در صبح سه مرتبه بخواند، هیچ خیری در آن روز از وی فوت نشود، و جمیع شرور آن روز از او دور شود»^(۳).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هرکه بعد از نماز شام سه مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ» حق تعالی به او خیر بسیار کرامت فرماید»^(۴).

و به سند صحیح منقول است از حضرت صادق علیه السلام که: «حضرت رسالت پناه، محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که: چون به معراج رفتیم ملائکه مرا دعایی تعلیم نمودند که هر صبح و شام می خوانم:

۱- الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۵۲

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۹۸، ثواب من استغفر سبعین مرة، ح ۱.

۳- همان، ص ۱۹۹، ثواب من قال حين يمسي، ح ۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۵۴۵، الدعاء فی ادبار الصلوة، ح ۲.

«اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَذَنْبِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِمَغْفِرَتِكَ وَذَلِّي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ وَفَقْرِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ وَوَجْهِي الْبَالِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الَّذِي لَا يُفْنِي»^(۱).

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «شبیهِ هذلی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله! من پیر شده‌ام، و قوتم ضعیف شده است، و از اعمالی که عادت کرده بودم - از نماز و روزه و حج و جهاد - بازمانده‌ام، پس مرا کلامی تعلیم فرما که حق تعالی مرا به آن نفع دهد، و سبک کن بر من، یا رسول الله!

حضرت فرمود که: اعاده کن این سخن را تا آن که سه مرتبه این کلام را اعاده نمود، حضرت فرمود: بر دور تو هیچ درختی و کلوخی نماند مگر آن که گریست به سبب ترحم بر تو، پس چون نماز صبح بکنی ده مرتبه بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَيَحْمَدُهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، به درستی که حق تعالی تو را عاقبت می‌دهد به سبب این ذکر از کوری و دیوانگی و خوره و فقر وضعف و پیری.

گفت: یا رسول الله! این برای دنیاست از برای آخرت چه چیز باید خواند؟

فرمود: بعد از هر نماز بگو:

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ».

بعد از آن فرمود که: اگر کسی این دعا را عمداً ترک نکند تا از دنیا برود،

در قیامت هشت در بهشت را برای او بگشایند که از هر دری که خواهد داخل شود»^(۱).

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز بیست و پنج نوبت بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ» حق تعالی به عدد هر مؤمنی که گذشته است و خواهد آمد تا روز قیامت، حسنه در نامه عمل او بنویسد، و گناه از او محو کند، و درجه از برای او بلند گرداند»^(۲).

و به سند معتبر از هلقام منقول است که: «به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض نمود که: دعایی تعلیم من نما که جامع مطالب دنیا و آخرت باشد، حضرت فرمود که: بعد از صبح تا طلوع آفتاب بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ»، هلقام گفت: که من بد حال تر و پریشان تر از جمیع اهل بیت خود بودم، و به برکت این دعا امروز حالم از همه بهتر است»^(۳).

شیخ طوسی علیه الرحمة و الرضوان، در تعقیب نماز صبح فرموده که: «صد نوبت بگوید: «اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، و صد نوبت بگوید: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ»، و صد مرتبه «أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَأَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ»، و صد نوبت «أَسْأَلُ اللَّهَ الْخُورَ الْعَيْنَ»، و صد نوبت سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند و صد مرتبه بگوید: «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، و صد نوبت بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

۱ - امالی صدوق، ص ۵۴، مجلس ۱۳، ح ۵

۲ - ثواب الاعمال، ص ۱۹۴، ثواب الدعاء للمؤمنین، ح ۳.

۳ - کافی، ج ۲، ص ۵۵۰، الدُّعَا فِي ادْبَارِ الصَّلَاةِ، ح ۱۲.

الْعَلِيُّ الْعَظِيمِ»، و ده نوبت آیه الکرسی، و ده نوبت سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند، و ده نوبت این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اقْذِفْ فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ مَحَبَّتِي وَضَمِّنِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
رِزْقِي وَاللَّيْلِ الرُّعْبَ فِي قُلُوبِ أَعْدَائِكَ مِنِّي وَأَنْشُرْ رَحْمَتِكَ لِي وَأَتِمِّمْ
نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَاجْعَلْهَا مَوْصُولَةً بِكَرَامَتِكَ إِنِّي وَأَوْزِعْنِي شُكْرَكَ وَأَوْجِبْ
لِي الْمَزِيدَ مِنْ لَدُنْكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ»^(۱)

فصل دوم

در انکار و ادعیه [ای] که در عقب هر نماز باید خواند

بدان که بهترین تعقیبات تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها است: سی و چهار مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، و سی و سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و سی و سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»، چنان که به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «عبادت کرده نمی شود خدا به تحمیدی که بهتر باشد از تسبیح فاطمه علیها السلام؛ و اگر از آن چیزی بهتر می بود حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آن را به فاطمه علیها السلام عطا می فرمود». (۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را در عقب هر نماز هر که هر روز بخواند، محبوب تر است نزد من از این که هزار رکعت نماز در هر روز بکند». (۲)

و در حدیث دیگر فرمود که: «هر که تسبیح فاطمه علیها السلام را بخواند و بعد از آن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، گناهایش آمرزیده شود». (۳)

و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب خود فرمود: آنچه دارید از جامها و ظرفها، اگر جمع

۱ - کافی، ۳، ص ۳۴۳، باب التعقیب بعد الصلوة، ح ۱۴.

۲ - ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۹۶، ثواب تسبیح فاطمه علیها السلام ح ۳.

۳ - محاسن برقی، ج ۱، ص ۳۶، باب ۲۹، ح ۳۴.

کنید و بر روی هم گذارید به آسمان می‌رسد؟
گفتند: نه، یا رسول الله.

فرمود: می‌خواهید که شما را دلالت کنم بر عملی که اصلش بر زمین
است و شاخش در آسمان؟
گفتند: بلی، یا رسول الله!

فرمود: هر یک از شما که از نماز واجب خود فارغ شود، سی نوبت بگوید:
«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، به درستی که اصل این
کلمات در زمین است و شاخش در آسمان، و دفع می‌کند سوختن و غرق
شدن و خانه خراب شدن و به چاه افتادن و مرگهای بد را از خواننده خود، و
اینه‌ایند باقیات صالحات»^(۱)

و به سند معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که
چهل مرتبه این تسبیحات اربع را بعد از هر نماز فریضه بخواند، پیش از
آن که پای خود را از قبله بگرداند، هر حاجتی که از خدا سؤال کند به او عطا
فرماید»^(۲)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که: «هر که
بعد از نماز فریضه پیش از آن که پاهای خود را از حالت تشهد تغییر دهد،
سه مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذَا الْجَلَالِ وَ
الْإِكْرَامِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»، حق تعالی گناهان او را بیامرزد، اگرچه مثل کف
دریاها باشد»^(۳)

۱- نواب الاعمال، ص ۲۶، نواب من قال سبحان ا... ح ۳.

۲- امالی صدوق ص ۱۵۴، مجلس ۳۴، ح ۱۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۵۲۱، باب نواب من قال استغفرا... ح ۱.

و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که فرمود:

«کمتر چیزی که مجزی است از دعا بعد از نماز فریضه، این است که بگویی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ غَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ»^(۱)

و به سند معتبر دیگر منقول است که: «محمد بن ابراهیم به خدمت

حضرت امام موسی علیه السلام نوشت که می خواهم که دعایی تعلیم من فرمایی که بعد از نماز بخوانم، و حق تعالی به سبب آن خیر دنیا و آخرت را برای من جمع نماید، حضرت فرمود بگو:

«أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا»^(۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز واجب

سی مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، بر بدنش گناهی نماند مگر آن که بریزد»^(۳)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که

خواهد که چون از دنیا برود از گناهان پاک باشد مانند طلای بی غش، و مظلومه احدی نزد او نباشد که از او طلب نماید، باید که بعد از نمازهای پنجگانه دوازده مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند، پس دست خود را به جانب آسمان بگشاید و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمُخْزُونِ الطَّهْرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ وَ

۱ - معانی الاخبار، ص ۳۹۴، نوادر المعانی، ح ۴۶. طبع جامعه.

۲ - کافی ج ۳، ص ۳۴۶، باب التعقیب بعد الصلوة، ح ۲۸.

۳ - امالی صدوق ص ۲۲۴، مجلس ۴۶، ح ۶.

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا وَيَا مُطَلِّقَ
الْأَسَارِئِ وَيَا فَكَأكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا وَ تُدْخِلَنِي
الْجَنَّةَ سَالِمًا وَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا وَ أَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَ آخِرَهُ
صَلَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ».

بعد از آن فرمود که: این از دعا‌های مخفی است که حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله تعلیم من نمود، و امر فرمود که تعلیم حضرت امام حسن و
حضرت امام حسین - صلوات الله علیهما - نمایم»^(۱).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله فتح مکه نمودند، نماز ظهر را نزد حجر الاسود با اصحاب
خود ادا نمودند؛ و چون سلام گفتند، سه مرتبه دست برداشتند و سه مرتبه
الله اکبر گفتند، پس این دعا خواندند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ غَلَبَ
الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ».

پس رو به اصحاب خود کردند و فرمودند که ترک مکنید این سه تکبیر
و این دعا را، بعد از هر نماز واجب؛ به درستی که هر که بعد از سلام نماز این
را بخواند به تحقیق که ادا کرده است آنچه بر او واجب است از شکر حق
تعالی و تقویت اسلام و اهل اسلام»^(۲).

۱- معانی الاخبار، ص ۱۴۰، باب المعجبات، ح ۱.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۶۰، باب ۷۸، ح ۱.

و به سند صحیح منقول است از احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی که به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: چگونه صلوات و سلام بعد از نماز واجب بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله می باید فرستاد؟ حضرت فرمود که بگو: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ عَبْدَتَهُ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». (۱)

و موافق احادیث معتبره می باید بعد از هر نماز بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِدْنَا مِنَ النَّارِ وَ أَرْزُقْنَا الْجَنَّةَ وَ رَوْحَنَا مِنَ الْحُورِ الْعِينِ». (۲)

و به سند معتبر منقول است که: «حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از جای نماز خود بر نمی خاستند تا چهار ملعون و چهار ملعونه را لعنت نمی کردند پس باید که بعد از هر نماز بگوید: «اللَّهُمَّ الْعَنْ الْجَبْتِرَ وَ الزَّرِيقَ وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ فُلَانَةَ وَ فُلَانَةَ وَ هِنْدَ وَ أُمَّ الْحَكَمِ» و بعضی از تعقیبات در باب فضایل سور و آیات قرآنی مذکور شد به همین اکتفا می نمایم». (۳)

۱ - قرب الاسناد، ص ۳۸۲، ح ۱۳۴۴، احادیث متفرقه.

۲ - کافی، ج ۳، ص ۳۴۴، باب التعقب، ح ۲۲ و خصال، ج ۲، ص ۲۹ حدیث اربعاً.

۳ - همان، ص ۳۴۲، ح ۱۰.

فصل سوم

در تعقیب مخصوص نماز ظهر است

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از نماز ظهر این دعا می خواندند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَالْحَمْدُ
 لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ
 الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَ
 لَا هَمّاً إِلَّا فَرَجْتَهُ وَ لَا سَقماً إِلَّا شَفَيْتَهُ وَ لَا عَيْباً إِلَّا سَتَرْتَهُ وَ لَارِزْقاً إِلَّا
 بَسَطْتَهُ وَ لَا خَوْفاً إِلَّا أَمِنْتَهُ وَ لَا سُوءاً إِلَّا صَرَفْتَهُ وَ لَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضاً
 وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»^(۱)

فصل چهارم

در بیان تعقیب مخصوص نماز عصر است

به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار بکند، حق تعالی هفتصد گناه او را بیامزد، و اگر هفتصد گناه نداشته باشد باقی را از گناهان پدرش بیامزد، و اگر پدرش آن قدر گناه نداشته باشد از گناهان مادرش، و اگر نه از گناهان برادرش، و اگر نه از گناهان خواهرش، و همچنین باقی خویشان هر که به او نزدیک تر باشد»^(۱).

و در حدیث دیگر هفتاد و هفت مرتبه استغفار وارد شده است. و ثواب عظیم برای ده مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بعد از نماز عصر خواندن، گذشت.^(۲)
و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: «هر که هر روز بعد از نماز عصر یک مرتبه بگوید:

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نَشُورًا».

حق تعالی امر فرماید که: صحیفه گناهان او را بدرند هر چند گناه بسیار در آن باشد».^(۳)

۱- امالی صدوق، ص ۲۱۱، مجلس ۴۴، ح ۸.

۲- امالی طوسی، ص ۵۰۸، مجلس ۱۸، ح ۱۷، ح مسلسل ۱۱۱۰.

۳- فلاح السائل، ص ۲۰۱، و مصباح المتعجد، ص ۶۶.



فصل پنجم

در بیان تعقیب مخصوص نماز خفتن است

به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که:
«هر که بعد از نماز خفتن هفت نوبت سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»
بخواند در ضمان الهی باشد تا صبح».^(۱)
و شیخ طوسی رحمة الله علیه نقل کرده است که: «مستحب است بعد از
نماز خفتن سوره حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ
أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» هر یک را ده مرتبه و تسبیحات اربع را ده مرتبه «وَاللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» ده مرتبه».^(۲)

۱ - فلاح السائل، ص ۲۵۷.

۲ - مصباح المتهجد، ص ۹۷ و ۹۸، بلد الامین، ۳۱.



فصل ششم

در بیان سجده شکر است

بدان که از جمله سنتهای مؤکد بعد از هر نماز، سجده شکر است و فضایل این سجده در احادیث بسیار است.

حتی آن که به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «دو سجده شکر واجب است بر هر مسلمانی، نماز خود را به آن تمام می‌کنی، و خداوند خود را خوشنود می‌گردانی، و ملائکه را به عجب می‌آوری. به درستی که بنده‌ای که نماز می‌کند و بعد سجده شکر بجا می‌آورد، حق تعالی حجاب از میان بنده و ملائکه بر می‌دارد، و می‌فرماید که: ای ملائکه! نظر کنید به بنده من که فرض مرا ادا کرد، و عهد مرا تمام کرد، و بعد از آن شکر نعمت مرا به جا می‌آورد، ای ملائکه! چه ثواب او را نزد من هست؟»

ملائکه می‌گویند که: پروردگارا! رحمت خود را شامل حال او گردان.

باز می‌فرماید: دیگر چه چیز به او عطا کنم؟

می‌گویند: پروردگارا! بهشت خود را به او عطا کن.

باز می‌فرماید که: دیگر چه چیز به او کرامت فرمایم؟

می‌گویند که: امور او را کفایت کن؛ و همچنین حق تعالی سؤال

می‌نماید، و ملائکه جواب می‌گویند تا آن که هیچ چیز نمی‌ماند که علم

ملائکه به آن احاطه کند مگر آن که او را می‌گویند.

باز چون حق تعالی سؤال نماید، ایشان می‌گویند که: پروردگارا! علم ما به زیاده از این احاطه نکرده است.

پس حق تعالی فرماید که: من شکر او می‌کنم چنان که او شکر من کرد، و روی فضل و احسان خود به سوی او می‌دارم، و او را در مراتب قرب و معرفت خود کامل می‌گردانم»^(۱).

به سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقول است که: «چون حق سبحانه و تعالی به حضرت موسی علیه السلام خطاب فرمود: ای موسی! می‌دانی که چرا تو را از میان بندگان خود برگزیدم و کلیم خود گردانیدم؟ گفت: نه ای پروردگار من!

خطاب رسید که من چون نظر کردم نفس تو را نزد بندگی خود از همه کس ذلیل تر یافتم، هرگاه که از نماز فارغ می‌شوی دو طرف روی خود را بر خاک می‌گذاری، پس حضرت موسی علیه السلام به سجده درآمد و پهلوهای روی خود را از روی تذلل بر خاک مالید نزد پروردگار خود، حق تعالی به او وحی نمود که سر بردار ای موسی! و دست خود را بر موضع سجود به مال و بر رو و بدن بمال که باعث ایمنی تو می‌شود از هربلایی و دردی و آفتی»^(۲).

بدان که اقل سجده شکر آن است که سر به سجده گذارد و سه مرتبه بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ» چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است.^(۳)

۱ - مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۳۸، فی سجده الشکر، ح ۴، ح مسلسل ۲۰۸۶.

۲ - همان، ح ۴، ح مسلسل ۲۰۸۴.

۳ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۱، باب ۳۷، ح ۲۷.

همچنین از آن حضرت منقول است که: «صد مرتبه «عَفْوُ» بگوید، یا صد مرتبه «شُكْرُ»^(۱) و اگر در سجده اول صد مرتبه «عَفْوُ» یا «الْعَفْوُ الْعَفْوُ» بگوید، بعد از آن جانب راستِ رو را بر زمین گذارد و هر دعا و هر ذکرى که داند بخواند، مثل «يَا اَللَّهُ يَا زَيَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ» و همچنین پهلوی چپ رو را بر زمین گذارد چنین دعا یا ذکرى بخواند، بار دیگر پیشانی را بر زمین گذارد و صد مرتبه «شُكْرُ شُكْرُ» بگوید خوب است.

و در این سجده بر خلاف سجده‌های نماز، سنت است که دستها را بر زمین بخواباند، و سینه و شکم را به زمین برساند.

و همچنین مستحب است که حاجات خود را و برادران مؤمن خود را طلب نماید، و در تضرع و زاری و مناجات تقصیر ننماید، و بسیار طول بدهد.

چنان که در احادیث معتبره وارد شده است که: «بنده در هیچ حالت قرب او به خدا زیاده نیست از حالتی که در سجود گریان باشد».^(۲)

و ائمه صلوات الله علیهم سجده‌های بسیار طولانی بجا می‌آورده‌اند، به خصوص امام موسی کاظم علیه السلام که بعد از نماز صبح به سجده می‌رفته‌اند، و روز که بلند می‌شده است سر از سجده بر می‌داشته‌اند؛ و اگر در حالی بوده‌اند که مشغول هدایت خلق نمی‌توانسته‌اند شد مثل اکثر حالات، در سجده بوده‌اند.

و همچنین کبار اصحاب ایشان این طریقه را داشته‌اند؛ حتی آن که نقل کرده‌اند که بعضی از ایشان آن قدر طول می‌داده‌اند سجده را که مرغ در پشت ایشان آشیانه می‌گذاشت، و دعاهاى سجده از اهل بیت صلوات

۱- همان، ص ۲۸۰، ح ۲۳.

۲- کامل الزیارة، ص ۱۴۶، ذیل ح ۴.

اللَّهُ عَلَيْهِمْ بَسِيْرٌ مَنْقُولٌ اسْتِ وَ اَيْنِ كِتَابِ كُنْجَايِشِ ذِكْرُ اَنْهَا نَدَارْدُ .
 و بهترين آنها آن است كه كلينى به سند حسن روايت كرده است كه:
 «عبداللَّهُ بن جنذب از حضرت امام موسى كاظم عليه السلام سؤال نمود از دعائى كه
 در سجده شكر بخواند، حضرت فرمود: چون بسجده مى روى بگو:
 «اللَّهُمَّ اِنِّى اُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً وَ اُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ اَنْبِيَاءَكَ
 وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ اَنَّكَ اللَّهُ رَبِّى وَ الْاِسْلَامَ دِينِى وَ مُحَمَّدًا نَبِيِّى
 وَ عَلِيًّا وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ
 مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ
 مُحَمَّدٍ وَ الْحَسْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ اَتَمَّتْ بِهَمْ اَتَوْلَى وَ مِنْ
 اَعْدَائِهِمْ اَتَبْرَأُ» [اللَّهُمَّ اِنِّى اُنْشِدُكَ دَمِ الْمَظْلُومِ] سه مرتبه [در روايت كافى
 اين فقره هست.

پس بگويد:

«اللَّهُمَّ اِنِّى اُنْشِدُكَ بِاَيِّوَاتِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِاَوْلِيائِكَ لَسْتَظْفِرْتَهُمْ بَعْدَ وَكٍ
 وَ عَدُوِّهِمْ اَنْ تَصَلِّىَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» سه
 مرتبه و بگو: «اللَّهُمَّ اِنِّى اُنْشِدُكَ بِاَيِّوَاتِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِاَعْدَائِكَ لِتَهْلِكَنَّهُمْ
 وَ لِتَخْزِنَهُمْ بِاَيْدِيهِمْ وَ اَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ وَ اَنْ تَصَلِّىَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
 وَ عَلَى الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ» سه
 مرتبه.

بعد از آن پهلوى راست رو را بر زمين مى گذارى و مى گويى:

«يَا كَهْفِي حَبْنِ تُعْبِيْنِي الْمَذَاهِبُ وَ تَضِيْقُ عَلَيَّ الْاَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ وَ يَا
 بَارِيءُ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ كُنْتَ عَن خَلْقِي غَنِيًّا صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» .

پس جانب چپ را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی: «يَا مُدَلُّ كُلِّ جَبَّارٍ
وَيَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَعِزَّتْكَ بِلِغِ مَجْهُودِي» سه مرتبه [پس می‌گویی: «يَا
حَتَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعِظَامِ» سه مرتبه]. پس بار دیگر سر را
بسجده می‌گذاری و صد مرتبه می‌گویی «شُكْرًا شُكْرًا».

سپس می‌گویی: «يَا سَامِعَ الصَّوْتِ يَا سَابِقَ الْفَوْتِ يَا بَارِيءَ النَّفْسِ
بَعْدَ الْمَوْتِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا».^(۱)

و در روایت دیگر وارد شده است که: «حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در
سجده اول هزار مرتبه «الْعَفْوُ الْعَفْوُ» فرمودند».^(۲) در کافی در ضمن حدیث
راوی می‌گوید: بعد از نماز ظهر حضرت به سجده رفتند و بعد از گریه و دعا
در سجده، شمارش کردم هزار مرتبه «العفو» گفتند.

و در حدیث دیگر وارد شده است که: «آن حضرت در سجود این دعا می‌خواندند:
«أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرَّهَا لَا يُطْفِئُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يُبْلِي
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطَّشَانُهَا لَا يُرْوِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا
لَا يُكْسِي»».^(۳)

و در حدیث دیگر مروی است که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده
این دعا می‌خواندند:

«إِزْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَأَنْسِي
بِكَ يَا كَرِيمٍ».^(۴)

۱- کافی، ج ۳، ص ۳۲۵، باب السجود والتسبيح، ح ۱۷.

۲- همان، ص ۳۲۶، ضمن ح ۱۹ و بحار الانوار ج ۸۶، ص ۲۰۹، ح ۲۴.

۳- کافی، ج ۳، ص ۳۲۸، ح ۲۲.

۴- همان، ص ۳۲۷، ح ۲۱. در کافی به جای کلمه «أَنْسِي»، کلمه «أَنْسِنِي» دارد.



فصل هفتم

در بیان انکاری است که در هنگام خواب باید خواند

بدان که مستحب است که در هنگام خوابیدن با وضو باشد و به جانب راست رو به قبله، سوره‌ها و آیات که در باب فضایل قرآن مذکور شده بخواند، و بهترین اذکار در این وقت، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. چنانچه به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که: «چون آدمی شب در جای خواب خود می‌خوابد، مَلْک بزرگواری و شیطان متمرّدی بسوی او مبادرت می‌نمایند؛ پس ملک به او می‌گوید که: روز خود را ختم کن به خیر، و شب خود را افتتاح کن به خیر. و شیطان به او می‌گوید که: روز خود را ختم کن به گناه، و شب خود را افتتاح کن به گناه.

پس اگر طاعت ملک کرد، و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را در وقت خواب خواند، ملک آن شیطان را می‌زند و از او دور می‌کند، و او را محافظت و نگاهبانی می‌کند تا بیدار شود؛ پس باز شیطان می‌آید و او را امر می‌کند که ختم شب و افتتاح روز به گناه بکند، و ملک او را به خیر امر می‌کند؛ پس اگر اطاعت ملک کرد و تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها خواند، آن ملک شیطان را از او دور می‌کند، و حق تعالی عبادت تمام آن

شب را در نامه عملش می نویسد». (۱)

و به سند معتبر از حضرت امام علی النقی علیه السلام منقول است که فرمود: «ما اهل بیت را، در هنگام خوابیدن، ده خصلت می باشد: با طهارت می باشیم و به دست راست می خوابیم، و (دست را در زیر رو می گذاریم)، و تسبیح فاطمه علیها السلام می خوانیم، و رو به قبله می خوابیم، و سوره حمد و آیه الکرسی و آیه «شهد الله» را می خوانیم، پس هر که چنین کند بهره خود را از ثواب در آن شب برده است». (۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند، حق تعالی یازده ملک بر او موکل گرداند که او را تا صبح حفظ نمایند از شر شیطان رجیم». (۳)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در وقتی که به رختخواب می رود یازده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، گناهان او آمرزیده شود، و او را شفیع کنند در همسایگان خود؛ و اگر صد مرتبه بخواند، گناهان آینده او تا پنجاه سال آمرزیده می شود». (۴)

و در حدیث دیگر فرمود: «اگر کسی در خواب ترسد در وقت خواب سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و آیه الکرسی بخواند». (۵)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هر که در وقت خواب سه نوبت بگوید:

۱ - فلاح السائل، ص ۲۷۹.

۲ - همان، ص ۲۷۹ و ۲۸۰، بحار الانوار ج ۷۶ ص ۲۱۰ ح ۲۳.

۳ - فلاح السائل، ص ۲۸۱، این قسمت در روایت بحار نیامده است.

۴ - همان، ص ۲۷۵.

۵ - مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۴۳، فیما يفعل عند النوم، ح ۶

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَّرَهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَ يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَ هُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

از گناهان بیرون آید، مانند روزی که از مادر متولد شده بود»^(۱).

و در حدیث دیگر فرمود: «حضرت رسول ﷺ در هنگام خواب
آیه الکرسی می خواندند و بعد از آن می فرمودند که:
«بِسْمِ اللَّهِ أَمِنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَ
فِي يَقَظَتِي»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «کسی
که خواهد در میان شب بیدار شود، در وقت خواب این دعا بخواند:
«اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ
وَأَنْتَ هُنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَذْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَأَسْأَلُكَ
فَتُعْطِيَنِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ».

فرمود که چون این دعا را بخواند، حق تعالی دو ملک بسوی او بفرستد
که او را بیدار کنند، پس اگر بیدار شود فیها^(۳) و اگر بیدار نشود حق تعالی
ایشان را امر فرماید که از برای او استغفار نمایند، و اگر در آن شب بمیرد
شهید مرده باشد، و اگر بیدار شود هر حاجتی که از حق تعالی بطلبد به او
عطا فرماید»^(۴).

۱ - کافی، ج ۲، ص ۵۳۵، الدعاء عند النوم، ح ۱.

۲ - همان، ص ۵۳۶ ح ۳.

۳ - فیها: بسیار خوب، لغت نامه دهخدا ص ۱۴۹۵۶ چاپ دانشگاه تهران.

۴ - مکارم الاخلاق، ص ۲۸۸.

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «چون این کس در شب از پهلو به پهلو گردد سنت است که بگوید: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ**». (۱)

سید بن طاوس «علیه الرحمة» به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که: «کسی که خواهد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب به بیند، بعد از نماز خفتن غسل کند، و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره حمد یک مرتبه و صد مرتبه آیه الکرسی بخواند، و بعد از نماز هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و بر جامه پاکي بخوابد که حلال و حرام بر روی آن جامه وطنی نکرده باشد، و دست راست خود را بر زیر گونه راست خود بگذارد، و صد مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ**. و صد مرتبه بگوید «مَا شَاءَ اللّٰهُ» و به خواب رود آن حضرت را در خواب می بیند». (۲)

و سید مذکور نقل کرده است که: «اگر خواهد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب ببیند، در وقت خواب این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لَطْفٌ خَفِيٌّ وَايَادُ بِهِ بَاسِطَةٌ لَا تَنْقُضِيْ اَسْئَلُكَ بِلَطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِيْ مَا لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ اِلَّا لَقِيَ [كَفِي] اَنْ تُرِيْنِيْ مَوْلَايْ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ علیه السلام فِيْ مَنَامِيْ. (۳)

و به سند دیگر روایت کرده است: «کسی که خواهد که میت خود را در خواب ببیند با طهارت بخوابد، و تسبیح حضرت فاطمه علیه السلام بخواند، پس این دعا [را] بخواند:

۱ - فلاح السائل، ۲۸۸.

۲ - همان، ص ۲۸۵.

۳ - همان، ص ۲۸۵ و ۲۸۶.

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ، وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ، مِنْكَ بَدَتِ
 الْأَشْيَاءُ وَالْيَكُّ تَعُودُ، فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَمَنْجَاهَهُ وَمَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ
 يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَاهٌ إِلَّا إِلَيْكَ. فَاسْأَلُكَ بِإِلَهِهِ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ
 النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
 وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ السَّلَامَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرِنِّي مَيَّتِي فِي
 الْخَالِ الَّتِي هُوَ عَلَيْهَا [فيها]»^(۱).

چنین گوید مؤلف این کتاب که: به برکت اهل بیت رسالت علیهم السلام، اذکار و ادعیه و اوراد و اعمال و عبادات، آن قدر هست که از عهده صد هزار یک به در نمی توان آمد، پس چه حاجت است به مرتکب شدن اعمال بدعت که از مشایخ اهل سنت به جمعی از جاهلان و بیخردان به میراث رسیده. و آنچه این فقیر در این کتاب بر سبیل اجمال از هزار، یک و از بسیار، اندکی آورده‌ام، اگر کسی به اینها عمل نماید، تمام وقت آن را فرا می‌گیرد. و به اجمال طریقه اهل بیت رسالت علیهم السلام مضبوط و معلوم است، و کسی که راه متابعت ایشان را خواهد واضح و ظاهر است؛ و اول چیزی که از اعمال، ایشان مبالغه بسیار در آن نموده‌اند، و بر همه اعمال ترجیح دارد، نماز پنج‌گانه و یک رکعت است، که هفده رکعت آن نماز پنج‌گانه است. و باقی هشت رکعت نافله پیشین است که پیش از نماز ظهر می‌باید کرد. و هشت رکعت نافله پسین است که پیش از فریضه عصر می‌باید کرد. و چهار رکعت

نافلهٔ شام است که بعد از نماز شام می‌باید کرد. و دو رکعت نماز وتیره است که بعد از نماز خفتن نشسته می‌کنند و به یک رکعت حساب می‌شود. و هشت رکعت نماز شب با دو رکعت نماز شفع و یک رکعت و ثر که بعد از نصف شب می‌باید کرد. و دو رکعت نافله صبح است که پیش از نماز صبح می‌باید کرد.

و این نافله‌ها را هر دو رکعت به یک سلام می‌باید کرد. اینها در فضیلت و تأکید تالی مرتبه واجبات اند که حضرت رسول ﷺ همیشه بر اینها مداومت می‌نموده‌اند، و اگر ترک شود مانند واجبات قضا می‌باید کرد.

دیگر از جملهٔ سنن آن حضرت روزه هر ماه سه روز است، یعنی پنجشنبهٔ اول ماه، و چهارشنبهٔ اول از دههٔ میان ماه، و پنجشنبهٔ آخر؛ و تمام ماه مبارک شعبان که حضرت رسول ﷺ در این ماه روزه بودند تا از دنیا مفارقت نمودند. و این سه روز نیز اگر ترک شود قضا می‌باید کرد.

دیگر از اعمال مؤکد که فضایل نامتناهی در آن وارد شده است نماز جعفر طیّار است، و این چهار رکعت است به دو سلام، و مستحب است که در رکعت اول سورهٔ حمد و «اذا زلزلت» بخواند، و در رکعت دوم سورهٔ حمد و سورهٔ عادیات، و در رکعت سوم سورهٔ حمد و «اذا جاء نصر الله»، و در رکعت چهارم سورهٔ حمد و «قُلْ هُوَ اللهُ»؛ و اگر در هر رکعتی سورهٔ «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» بخواند خوب است؛ بعد از سوره در هر رکعتی پانزده مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ» و در هر رکوعی، و در هر سر برداشتن از رکوع، و در هر سجودی، و در هر سر برداشتن از سجود، ده مرتبه بگوید. و سنت است که در سجدهٔ آخر بعد از تسبیحات این دعا بخواند:

«سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَالْوَقَارُ. سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ. سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ. سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنَّعَمِ. سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ. سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ. سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطُّولِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاوِدِ الْعِزِّ مِنْ عَزِّكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ» بعد از آن حاجات خود را از حق تعالی بطلبید، چون از نماز فارغ شود تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند.

و در احادیث وارد شده است که هر که این نماز را بکند، گناهان او آمرزیده شود اگر چه به قدر کف دریاها و ریگ بیابان گناه داشته باشد. و دوازده هزار حسنه از برای او بنویسند که هر حسنه بزرگتر از کوه احد باشد.^(۱) و این نماز را در همه وقت می توان کرد و به جای نافله شب و روز می توان کرد.

و در حدیث است که: هر شب یا هر روز بکن. و اگر نتوانی، هر هفته یک مرتبه بکن. و اگر نتوانی، ماهی یک مرتبه بکن، و اگر نتوانی، سالی یک مرتبه بکن. و در شب و روز جمعه، فضیلت این نماز، زیاده از سایر ایام است.

و در حدیث معتبر وارد شده است که: اگر کسی را حاجتی ضروری باشد اصل نماز را بکند بی تسبیحات، و تسبیحات را در راه بخواند. و اگر آن دعا نداند و نخواند ثواب نماز را دارد. و اگر کسی را دعاها و آداب دیگر که در کتب دعا ثبت است^(۲) بخواند، بهتر است.^(۳)

۱ - فقیه، ج ۱، ص ۵۵۲ و ۵۵۳، ح ۱۵۲۳ و ۱۵۳۶.

۲ - نوادر راوندی، ص ۲۹، الهدایة للصدوق، ص ۳۶، فقه الرضا، ص ۱۵۵، و احتجاج

طبرسی، ج ۲، ص ۵۸۷

دیگر، نماز حضرت امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - است. و آن چهار رکعت است به دو سلام. و در هر رکعتی، بعد از حمد، پنجاه مرتبه «قل هو الله احد» می باید خواند. و احادیث معتبره، وارد شده است که: هر که نماز را بکند، چون فارغ شود، میان او و خدا گناهی نمانده باشد.

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد شصت مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند، چون فارغ شود گناهان او آمرزیده شده باشد.»^(۱)

دیگر نمازها و دعاها و اعمال بسیار است، و از کتب مبسوطه علما، طلب می باید نمود. و به اینجا ختم می کنم این رساله را.

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالشُّكْرُ لَهُ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَمُخَالَفِيهِمْ أَجْمَعِينَ

۳ - کافی، ج ۳، ص ۴۶۶، باب صلوة التسبیح، ح ۲.

۱ - همان، ص ۴۶۸، باب صلوة فاطمه علیها السلام، ح ۳.